

IRAN-UNITED STATES CLAIMS

دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

AWARD

Case No. 48

Chamber Three

پرونده شماره ۴۸

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۴۸ - ۲۵۵

English version Filed on	19. Sep. 1986
نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۲۸ ثبت شده است.	

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL		دادگاه دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED		
Date	8 JAN 1987	تاریخ
	1365/10/18	
No.	48	شماره

امریکن بل اینترنشنال اینکورپوریتد،
خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران،

وزارت پست و تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی ایران، و

شرکت مخابرات ایران،

خواندگان.

حکم

حاضران

از جانب خواهان: آقای لی آر. مارکس

وکیل خواهان،

آقای الن اس. وایتز

وکیل خواهان،

آقای حمید صبی

وکیل خواهان،

آقای پیتر جی. لومیا

وکیل خواهان،

آقای جیمز دبویس

وکیل خواهان،

آقای جانان گینز برگ

وکیل خواهان،

آقای آیرا تی کاسدان

وکیل خواهان.

آقای رابرت دی دالزیل

رئیس شرکت خواهان.

از جانب خواندگان: آقای جعفر نیاکی

از طرف نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای محمد تقی نادری

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای بهروز اخلاقی

وکیل شرکت مخابرات ایران،

آقای چ. سپالا

دستیار حقوقی شرکت مخابرات ایران،

آقای ئی. شوارتز

دستیار حقوقی شرکت مخابرات ایران،

آقای حسین شهریاری

کارشناس قرارداد شرکت مخابرات ایران،

آقای م. عسگری

نماینده شرکت مخابرات ایران،

آقای م. ب. معینی

کارشناس قرارداد شرکت مخابرات ایران،

آقای سهراب ربیعی

دستیار مشاور حقوقی،

آقای ح. شیخ الاسلامی

نماینده سازمان تامین اجتماعی،

آقای ف. افراسیابی،

نماینده سازمان تامین اجتماعی.

سایر حاضران: آقای جان آر. کروک،

نماینده رابط ایالات متحده آمریکا،

آقای مایکل گلاتز

دستیار نماینده رابط.

فهرست مطالب

بند ۱	اول - سابقه امر
بند ۵	دوم - سابقه ادعاها و ادعاهای متقابل
	سوم - موضوعات مقدماتی
بند ۱۰	الف - صلاحیت
بند ۱۳	ب - قابل اجرا بودن قراردادهای
بند ۱۹	چهارم - ادعاها
بند ۲۰	الف - هزینه های فسخ قرارداد
بند ۲۰	۱ - مقدمه
بند ۲۳	۲ - تحولات قبل از پایان قرارداد ۱۳۸
بند ۲۴	الف (هماهنگ کردن مرخصی ها و غیبت ها
بند ۲۸	ب (کاهش تعداد کارکنان امریکن بل
بند ۴۰	۳ - مسئله فسخ قرارداد ۱۳۸
بند ۴۱	الف (فسخ رسمی
بند ۴۵	ب (کاهش تعداد کارکنان به منزله فسخ قرارداد

۴ - اثر فورس ماژور بند ۵۱

۵ - نتیجه گیری های دیوان درباره استحقاق امریکن بل
نسبت به ادعاهای خود بابت هزینه های فسخ بند ۵۵

۶ - مبلغ و مجاز بودن اقلام خاص هزینه

الف) کلیات بند ۶۰

ب) حقوق کارمندان بند ۶۴

ج) هزینه های مربوط به انتقال کارمندان و بستگان

آنان به مشاغل دیگر بند ۶۸

د) زیانهای وارده به دارائیهای امریکن بل درایران

هـ) هزینه فسخ اجاره آپارتمانهای در ایران بند ۷۴

و) هزینه دفاتر امریکن بل در ایالات متحده در

جریان تعطیل عملیات آن بند ۷۸

ز) سایر هزینه ها بند ۸۱

ح) ۱۲ درصد کارمزد بند ۸۷

ط) نتیجه گیری بند ۸۹

ب) خدمات تخصصی عرضه شده در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸

۱ - مقدمه بند ۹۲

۲ - صورتحساب شماره ۲۲۰ بابت نوامبر ۱۹۷۸ بند ۱۰۱

۳ - صورتحساب شماره ۲۲۱ بابت دسامبر ۱۹۷۸ بند ۱۱۴

ج) صورتحسابهای خرید

- ۱ - روش خرید
بند ۱۲۱
- ۲ - صورتحسابهای خرید مورد اختلاف
بند ۱۲۶
- د (صورتحسابهای مربوط به محل دفتر
هـ) مصادره حساب بانکی
بند ۱۳۹
بند ۱۴۷
- پنجم - ادعاهای متقابل
- الف) کلیات
بند ۱۵۲
- ب (پرداختهای نادرست
بند ۱۵۳
- ج (اضافه پرداخت به علت عدم انجام وظائف قرارداد ۱۳۸
بند ۱۶۰
- د (اجرای ناقص
بند ۱۶۵
- ۱ - مقدمه
بند ۱۶۵
- ۲ - شرایط تخصصی و شایستگی پرسنل امریکن بل
بند ۱۶۷
- ۳ - کارهای قابل تحویل خاص
بند ۱۶۹
- ۴ - نظارت
بند ۱۷۸
- هـ (بازپرداخت هزینه های مالیاتی
بند ۱۸۱
- و (وصول ارزش اموال مفقوده
بند ۱۸۶
- ز (مرخصی های اضافی و غیبت های غیرمجاز
بند ۱۸۸
- ح (مالیات و حقوق تامین اجتماعی
بند ۱۹۲
- ط (سود اضافی و درخواست برای حسابرسی و نصب کارشناس
بند ۱۹۴
- ی (سایر تخلفات
بند ۱۹۸
- ششم - بهره
بند ۱۹۹

بند ۲۰۷

هفتم - هزینه ها

بند ۲۰۸

هشتم - حکم

اول - سابقه امر

۱ - خواهان، امریکن بل اینترنشنال ("امریکن بل") در ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبان ماه ۱۳۶۰) دادخواستی علیه خواندگان، جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، وزارت پست و تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی ایران، و شرکت مخابرات ایران ("شرکت مخابرات") به ثبت رساند. ادعا از طرح ده ساله‌ای برای مدرنیزه کردن شبکه مخابراتی نظامی و غیرنظامی ایران ("برنامه سیک سویچ Seek Switch Program") ناشی می‌شود. خواهان طی ادعای خود که بعداً "اصلاح گردیده و مبتنی برعدم تادیه ادعائی پرداخت های موضوع دو قرارداد و ضبط ادعائی برخی وجوه متعلق به خواهان است، مبلغ ۶۴،۱۰۳،۳۳۳/۱۷ دلار به علاوه بهره و هزینه‌ها مطالبه می‌کند.

۲ - در چهاردهم مه ۱۹۸۲ (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) شرکت مخابرات دفاعیه و دادخواست متقابلی تسلیم کرد. وزارت دفاع دفاعیه مختصری ثبت نمود، لیکن کلیه اظهاریه‌های مهمی که از جانب خواندگان تسلیم شده، توسط شرکت مخابرات به ثبت رسیده است (منظور از ایران و خواندگان در این حکم، همه خواندگانی است که شرکت مخابرات به نمایندگی آنها اقدام کرده است). خواندگان ادعاهای خواهان را تکذیب و خود چندین ادعای متقابل طرح کرده‌اند که حسب ادعا مبتنی برنقض قرارداد از ناحیه خواهان است. موضع خواندگان همچنین این است که قراردادهای مورد بحث به دلیل پرداختهای خلاف قاعده‌ای که خواهان انجام داده یا تسهیل نموده قابل اجرا نمی‌باشند.

۳ - پس از تشکیل جلسه استماع مقدماتی در ۱۵ فوریه ۱۹۸۳ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۶۱)، دیوان موضوعات حقوقی مشخصی را که باید قبل از استماع نهایی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، تفکیک نمود. در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۳ (۲۶ مهر ماه ۱۳۶۲) جلسه استماعی درباره موضوعات مزبور برگزار شد. دیوان طی قراراعدادی شماره ۴۸-۳-۴۱ مورخ

۱۱ ژوئن ۱۹۸۴ (۲۱ خردادماه ۱۳۶۳) که در 75 Iran - U.S. C.T.R. 6 نیز به چاپ رسیده، درباره چندین موضوع صلاحیتی و حقوقی مقدماتی تصمیم گرفت.

۴ - استماع نهائی پرونده در روزهای ۹ و ۱۰ اکتبر ۱۹۸۵ (۱۷ و ۱۸ مهرماه ۱۳۶۴) تشکیل گردید. خواندگان در ۸ نوامبر ۱۹۸۵ (۱۷ آبان ماه ۱۳۶۴) یک لایحه بعدازاستماع تسلیم نمودند. ثبت این لایحه از آن نظر مجاز شناخته شد که خواهان در ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۵ (۸ مهرماه ۱۳۶۴) لایحه متقابلی همراه بامدارک موید فراوانی تسلیم نموده و علاوه بر آن، متن فارسی آن را نیز به موقع تسلیم نکرده بود.

دوم - سابقه ادعاها و ادعاهای متقابل

۵ - در سال ۱۹۷۵ دولت ایران، امریکن تلفن اند تلگراف کامپنی ("ای تی اند تی") را برای کمک به هماهنگ کردن کلی برنامه "سیک سویچ" و مدرنیزه کردن شبکه مخابرات نظامی و غیر نظامی ایران انتخاب کرد. ای تی اند تی، خواهان، برای اجرای این برنامه که در اصل جزئی از برنامه فروش تسلیحات به خارج ("اف ام اس") بین ایالات متحده و ایران بود، امریکن بل را تاسیس نمود. بنابراین اولین رابطه قراردادی مستقیم امریکن بل (یک قرارداد فروش تسلیحات به خارج) درباره برنامه "سیک سویچ" با نیروی هوایی ایالات متحده بود. این قرارداد از ۲۸ مه ۱۹۷۵ (۷ خردادماه ۱۳۵۴) تا ۳۱ مارس ۱۹۷۷ (۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۶) ادامه داشت. پس از آن امریکن بل و دولت ایران در سال ۱۹۷۷ با عقد قرارداد شماره ۱۱۲ که از اول آوریل تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۷ (۲۴ تیرماه ۱۳۵۶) اجرا می گردید، مستقیماً رابطه قراردادی برقرار کردند. متعاقب آن، دو قرارداد دیگر هریک به مدت یکسال منعقد گردید: قرارداد شماره ۱۱۸ که از ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۷ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۶) تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۴ تیرماه ۱۳۵۷) اعتبار داشت،

و قرارداد شماره ۱۳۸ که در ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۴ تیرماه ۱۳۵۸) منقضی می‌شد.

۶ - بعلاوه، "شرح کار" جامعی که باید طی عمر دهساله طرح انجام می‌شد، جزو قراردادها بوده است. طرفین می‌توانستند شرح کارمزبور را اصلاح کرده و مورد تجدیدنظر قرار دهند و درموقع عقد هر قرارداد بعدی تغییرات لازم را در آن اعمال کنند. از این رو، به "شرح کار ۱۰۴ ایران" که شامل تمامی دوره دهساله و نیز شرح خدماتی می‌گردید که باید طی قرارداد یکساله اول (قرارداد ۱۱۸) انجام شود، متممی به صورت پیوست شماره ۱ الحاق گردید که کارهای موضوع قرارداد ۱۳۸ درموقع لازم الاجرا شدن آنرا مشخص می‌کرد.

۷ - درشرح کار از امریکن بل به عنوان "پیمانکار یکپارچه کننده" نام برده شده است. "اداره اجرای عناصر نظامی و غیرنظامی برنامه" و انتخاب "پرسنل فنی قابل و لایق از بل سیستم" (یعنی ای تی اند تی و شرکتهای مخابراتی وابسته به آن) و نظارت بر آنها و "ایجاد عناصر لازم زیر بنائی هم آهنگ با برنامه های سخت افزار" مرتبط با برنامه سیک سویچ وظائف اساسی پیمانکار را تشکیل می‌داد. در این نقش، امریکن بل سه نوع خدمت عمده انجام می‌داد: ۱) تهیه بررسی ها، گزارشها و مشخصات و سایر اسناد فنی مهندسی که "اقلام تحویل شدنی" نامیده می شدند، ۲) نظارت بر کار پیمانکارانی که دربرنامه سیک سویچ شرکت داشتند، و ۳) آموزش کارکنان شرکت مخابرات که نهایتاً مسئولیت کامل شبکه مخابراتی جدید را به عهده می گرفتند. امریکن بل حق داشت بابت این خدمات براساس کار "نفر- ماه" پرسنل فنی خود (رجوع شود به بندهای ۹۲ و ۹۳ زیر)، حق الزحمه دریافت کند. قرار بود که امریکن بل تاحدودی نیز به عنوان نماینده خرید دولت ایران در تهیه مواد و تجهیزات لازم برای اجرای قراردادها عمل کند. لیکن، امریکن بل درکار واقعی ساختمانی پیش شده در برنامه "سیک سویچ" مستقیماً مسئول نبود.

۸ - طبق شرح کار مقرر بود که دولت ایران "مسئول تهیه منابع لازم، نظارت، نیروی انسانی، تصمیمات بموقع، تصویب یا عدم تصویب، قبول یا عدم قبول و غیره و بطور کلی اعمال اختیارات تام و کنترل موثر خود بر برنامه "سیک سویچ" به نحوی باشد که اجرای برنامه "سیک سویچ" و عملیات اجرایی این شرح کار را امکان پذیر و تسهیل نماید." سازمانهای دولتی ایران که بطور عمده در این برنامه دست داشتند عبارت بودند از، سازمان ارتباطات و الکترونیک وزارت جنگ (سازمان ارتباطات) و شرکت مخابرات. سازمان ارتباطات، نظارت کلی و کنترل طرح را برعهده داشت درحالی که شرکت مخابرات مسئول مدیریت و بررسی فنی بود. نقش شرکت مخابرات از اینجا معلوم می شود که بافت سازمانی آن از بسیاری جهات موازی با بافت سازمانی امریکن بل بود.

۹ - امریکن بل اجرای کار برنامه "سیک سویچ" را در اواخر ۱۹۷۵ آغاز کرد و کار طبق چند قرارداد مختلف از ۱۹۷۵ تا نیمه دوم ۱۹۷۸، بدون اختلاف و وقفه مهمی ادامه یافت. لیکن در پائیز ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران شدیداً روبه وخامت گذاشت. و از نوامبر ۱۹۷۸ صورتحسابهای زیادی که امریکن بل تسلیم نموده بود پرداخت نشد و امریکن بل در آخر دسامبر کارهای فنی را متوقف کرد. نیروی انسانی ۸۰۰ نفره امریکن بل به سرعت از ایران خارج شدند بطوری که در ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ (۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۷) کلیه کارمندان امریکن بل ایران را ترک کرده بودند.

سوم - موضوعات مقدماتی

الف - صلاحیت

۱۰ - در مورد اغلب موضوعات صلاحیتی، طی قرار اعدادی شماره ۳-۴۸-۴۱ مورخ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۴ (۲۲ خردادماه ۱۳۶۳) تصمیم گرفته شده که باید شعبه با ترکیب کنونی خود

و همچنین طرفین اعتبار قانونی آن را به عنوان یک قضیه مختومه محترم شمارند. طی قرار اعدادی نظر داده شد که ادعاهای امریکن بل به مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی یک تبعه ایالات متحده است و هیچیک از قراردادهای مورد بحث حاوی قیدانتخاب دادگاه از نوعی که دیوان را از صلاحیت خود به موجب بند یک ماده ۲ همان بیانیه محروم کند، نیست.

۱۱ - ادعاهای امریکن بل بر قراردادهای شماره ۱۱۸ و ۱۳۸ منعقد بین امریکن بل و دولت ایران و بر سلب مالکیت ادعائی و سایر اقداماتی مبتنی است که حسب ادعا خواندگان معمول داشته و آن اقدامات در حقوق مالکیت بل موثر بوده است. در این که کلیه خواندگان نامبرده مشمول تعریف بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی در مورد ایران می شوند، هیچگونه اختلاف نظری نیست. بنابراین، دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاها را دارد.

۱۲ - در مورد ادعاهای متقابل، طی قرار اعدادی تصمیم گرفته شده که دیوان نسبت به ادعاهای متقابل مطروح علیه ای تی اند تی صلاحیت ندارد و نیز اینکه قراردادهای شماره ۱۱۲ و ۱۱۸ و ۱۳۸ "معامله ای" را تشکیل می دهند که به دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مبتنی بر قرارداد شماره ۱۱۲ را می دهد، ولو اینکه امریکن بل ادعائی بر آن مبنا مطرح نکرده باشد. بعلاوه نظرداده شده که ادعاهای متقابل مبتنی بر تخلف از قوانین کیفری ایران و رفتار زیانبار (شبه جرم) امریکن بل، خارج از صلاحیت دیوان است. موضوع صلاحیت بر ادعاهای متقابل حقوق بیمه اجتماعی و مالیاتها به ماهیت ملحق گردید. رجوع شوده بندهای ۱۹۲ و ۱۹۳ زیر.

ب - قابل اجرا بودن قراردادها

۱۳ - دو موضوع حقوقی مقدماتی که در قرار اعدادی رسیدگی شده، به شرح زیر بیان

شده است:

ه - آیا ادعای معتبر نبودن قراردادهای مورد بحث توسط خواندگان منع قانونی دارد، و اگر چنین نیست آیا حقوق موضوع قراردادهای قابل اعمال است؟

و - در صورتی که حقوق موضوع قراردادهای به دلیلی قابل اعمال نباشند، آیا خواهان می تواند از سایر تئوریهای طرح دعوی به نحو تخییری، برای وصول مطالبات خود استفاده نماید؟

۱۴ - دیوان طی قرار اعدادی متذکر شد که "شرکت مخابرات که قبلاً طی مدافعاتش به قابل اجرای بودن قراردادهای شماره ۱۱۸ و ۱۳۸ ایراد گرفته بود، بعداً" موضع خود را تغییر داد و اکنون می پذیرد که این قراردادها معتبر و قابل اجرای هستند. بالنتیجه موضوعات "ه" و "و" منتفی هستند. قرار اعدادی، بند ۳ صفحات ۸ و ۹ [متن انگلیسی].

۱۵ - لیکن خواندگان، هم در لایحه استماع خود که در ۱۵ اوت ۱۹۸۵ (۲۴ مردادماه ۱۳۶۴) و هم در لایحه ادعای متقابلی که در ۳۰ اوت ۱۹۸۵ (۸ شهریورماه ۱۳۶۴) تسلیم نمودند، استدلال می کنند که قراردادهای شماره ۱۱۸ و ۱۳۸ قابل اجرای نیستند. این موضع در لایحه بعد از استماع مورخ ۸ نوامبر ۱۹۸۵ (۱۷ آبان ماه ۱۳۶۴) ترک نگردیده، هر چند که خواندگان در این سند، توجه خود را در درجه اول بر فرضیه دیگر خود معطوف کرده اند که طبق آن حوادثی که حسب ادعا در هر صورت سبب غیر قابل اجرای شدن قراردادهای گردیده اند، نقض قراردادهای از جمله نقض قرارداد شماره ۱۱۲ بوده است. طبق ادعای خواندگان دلایل قابل اجرای نبودن قراردادهای پرداخت ناروای اجاره بها توسط امریکن بل یا از طریق وی می باشد که حسب ادعا در حکم رشوه بوده است. شرکت مخابرات اظهار می دارد که "هرگاه قراردادی از طریق اعطای رشوه تحصیل شود، آن قرارداد قابل اجرای نیست"، و تاکید می کند که به دلایل مصالح عمومی استواری که در پس این قاعده موجود است، طرف متظلم در هر مرحله از رسیدگی که از

حقایق مسبب غیرقابل اجرا شدن آگاه گردد، می تواند به آن استنادکند.

۱۶ - این یک اصل کلی حقوقی است که طرفی که در مرحله ای از دادرسی یا داوری اذعان نماید که برپاره ای از حقایق یا اوضاع و احوال نتایج حقوقی مترتب است، از آن پس از استدلال معارض آن، در همان دادرسی ممنوع است.

۱۷ - از موقعی که دیوان مسئله اعتبار و قابل اجرا بودن را در پرونده حاضر منتفی شمرده، اساساً دلایل جدیدی در تأیید غیرقابل اجرا بودن قراردادهای ارائه نشده است. ایران دلایل عمده ای را که حسب ادعا موید غیرقابل اجرا بودن قراردادهای است، در دادخواست مورخ ۱۴ مه ۱۹۸۲ (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) شرکت مخابرات اقامه نمود، و خواندگان در اظهاریه مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۴ خردادماه ۱۳۶۲) خود درباره موضوعات حقوقی مقدماتی، در اذعان به قابل اجرا بودن قراردادهای، صریحاً به آن اشاره کردند. باتوجه به اقراری که در سند اخیرالذکر وجود دارد، استدلال خواندگان در لایحه بعد از استماع مبنی براینکه اقرار شرکت مخابرات به قابل اجرا بودن منحصرأ مربوط به این امر بود که آیا الزامات شکلی مانند اختیار امضاء رعایت شده یا خیر، قابل قبول نیست. بعلاوه باتوجه به اینکه در جلسه استماع مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۸۳ (۲۶ مهرماه ۱۳۶۲) که ضمناً برای بررسی و تصمیم راجع به همین موضوعات تشکیل شده بود تصدیق، قبلی خواندگان موكداً نفی نگردید، دیوان برای انتفای الزام خواندگان بر رعایت آنچه که مورد تصدیقشان بوده، دلیلی نمی یابد.

۱۸ - به فرضیه دیگر خواندگان مبنی براینکه پرداختهای غیرمشروع اجاره بها به منزله نقض قرارداد بوده، در پاراگراف های ۱۵۳ تا ۱۵۹ زیر رسیدگی خواهد شد.

چهارم - ادعاها

۱۹ - دعوای امریکن بل مشتمل بر پنج فقره عمده است. چهار فقره آن مبتنی بر قراردادهای شماره ۱۱۸ و یا ۱۳۸ و درباره موضوعات زیر می‌باشند: (الف) هزینه‌های فسخ، (ب) خدمات تخصصی که طی ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ انجام گرفته (ج) خدمات کاربرداری و (د) هزینه‌های محل کار، [office space costs]. ادعای باقیمانده امریکن بل ناشی از ضبط ادعائی وجوهی است که امریکن بل در یک حساب بانکی داشته‌است.

الف - هزینه‌های فسخ قرارداد

۱ - مقدمه

۲۰ - ادعای امریکن بل در ارتباط با هزینه‌های فسخ نه تنها بزرگترین جزء ادعاهای خواهان بلکه موضوعی است که تصمیم درباره آن می‌تواند در تعیین تکلیف سایر ادعاها نیز موثر باشد. بنابراین بجاست که نخست بدان توجه شود. امریکن بل مبلغ ۳۵۱،۱۹۹،۳۵۱ دلار بابت هزینه‌های مختلف مربوط به فسخ قرارداد شماره ۱۳۸ مطالبه، وادعا می‌کند که شرکت مخابرات و سازمان ارتباطات و الکترونیک با امتناع غیرموجه از پرداخت صورتحسابها و با الزام یکجانبه امریکن بل به کاهش کادر فنی خود به تعدادی به مراتب کمتر از تعداد پیش بینی شده در شرح کار، و با اتخاذ تاکتیک کلی اذیت و آزار مانع گردید امریکن بل تعهدات خود را اجرا کند، عملاً قرارداد را فسخ کرده‌اند. امریکن بل معترف است که ایران طبق مفاد قرارداد ۱۳۸ حق داشت که قرارداد را فسخ کند، زیرا امریکن بل " بنا به دلخواه ایران " خدمت می‌کرده است. لیکن امریکن بل مدعی است که قرارداد به وی حق می‌دهد هزینه‌های فسخ ترتیبات قراردادی

را دریافت کند.

۲۱ - خوانندگان اظهار می‌دارند که امریکن بل نه در اثر اقدامات شرکت مخابرات و سازمان ارتباطات و الکترونیک، بلکه به علت نا آرامیهای داخلی و حوادث انقلاب مجبور شد پرسنل خود را از ایران خارج کند. ایران به این امر که تقلیل کارکنان امریکن بل به موجب دستور، یکجانبه یا غیرمعقول بوده، نیز معترض است. برعکس، خوانندگان استدلال می‌کنند که باتوجه به تنزل قابلیت بازدهی امریکن بل، آن دستورها موجه و نیز با موافقت امریکن بل بوده است.

۲۲ - ایران نمی‌پذیرد که درمفاد قرارداد پرداخت هزینه‌های فسخ در اوضاع و احوال پرونده حاضر پیش بینی شده باشد، و استدلال می‌کند که قرارداد هرگز رسماً فسخ نگردیده بلکه صرفاً "موعد آن منقضی شده است." مضافاً ایران استدلال می‌نماید که قسمت عمده هزینه‌های امریکن بل مربوط به قبل از فسخ بوده، بنابراین جزو هزینه‌های "بعد از فسخ" که در قرارداد پیش بینی شده، محسوب نمی‌شود. بالاخره، ایران به انواع متعدد هزینه‌های فسخی که امریکن بل مطالبه کرده، ایراد می‌گیرد.

۲ - تحولات قبل از پایان قرارداد ۱۳۸

۲۳ - پس از گذشت نخستین ماههای عمر قرارداد ۱۳۸ که بدون بروز اختلاف شدید بین طرفین اجرا^۶ می‌گردید، در پائیز ۱۹۷۸ اوضاع به سرعت دگرگون شد.

اختلافات و مناقشات طرفین اصولاً به سه موضوع جداگانه ولی مرتبط با یکدیگر مربوط بود: (الف) موضوع هماهنگی مرخصی ها و غیبت های کارکنان فنی امریکن بل، (ب) موضوع تعداد پرسنل مورد نیاز امریکن بل برای پروژه و (ج) پرداخت صورتحسابها. درباره موضوع

اخیرالذکر به تفضیل در ارتباط با ادعاهای صورتحسابها بحث شده است (رجوع شود به پاراگراف های ۹۲ تا ۱۲۰ زیر)، در صورتی که دو موضوع دیگر در بخشهای زیرین مورد بحث قرار گرفته است.

الف) هماهنگ کردن مرخصی ها و غیبت ها

۲۴ - خدمات پرسنل فنی امریکن بل براساسی نفر- ماه قابل احتساب بود و غیبت هایی مانند مرخصی های مجاز و سفرهای اداری در احتساب نفر- ماه منظور می شد. پاراگراف ه- پیوست ۶ قرارداد ۱۳۸ مقرر می داشت که:

به منظور جلوگیری از هرگونه لطمه ای به پیشرفت پروژه، زمان مرخصی باید با شرکت مخابرات ایران هماهنگ گردد.

۲۵ - اولین نشانه^۶ اختلاف در مورد غیبت ها یا مسائل مربوط به آن در ۲۰ اوت ۱۹۷۸ (۲۹ مردادماه ۱۳۵۷) ظاهر شد که شرکت مخابرات به امریکن بل شکایت کرد که بعضی از کارمندان امریکن بل به نمایندگی از طرف شرکت مخابرات، ولی بدون موافقت آن شرکت، به سفرهای اداری رفته اند. پس از آن شکایت، ظاهراً موضوع غیبتها تا ۱۰ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۸ مهرماه ۱۳۵۷) تعقیب نشد. در این تاریخ شرکت مخابرات به امریکن بل نوشت که به نظر وی مقررات فوق الذکر باید به نحوی تفسیر گردد که مرخصی های پیش بینی شده کارمندان امریکن بل، و همچنین سایر غیبتها مانند سفرهای اداری، مستلزم اجازه قبلی شرکت مخابرات باشد. سازمان ارتباطات و الکترونیک در بحثهایی که بعداً بین طرفین پیش آمد، به شدت از موضع شرکت مخابرات حمایت کرد. لذا، در ۵ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۴ آبانماه ۱۳۵۷) سپهد توکلی، جانشین معاونت وزارت جنگ و سرپرست سازمان ارتباطات و الکترونیک، که مسئولیت مدیریت روزمره قرارداد را برعهده داشت، طی نامه ای که به امریکن بل نوشت این موضع را به عنوان یک شرط لازم برای

بررسی و تأیید... صورتحسابها و همچنین اجتناب از هرتاخیر احتمالی در برنامه "سیک سویچ"... "مورد تأیید قرار داده، و اضافه نمود که بدون تصویب قبلی عدم حضور هر کارمند در محل اصلی کارش به منزله غیبت تلقی و مشمول ماده ۳-۴ قرارداد خواهد شد..." خوانندگان اظهار می دارند که این اخطار به این معنی بود که قصور در هماهنگ کردن غیبت ها به این ترتیب، منجر به تعلیق پرداخت صورتحسابها می شد.

۲۶ - اولین واکنش امریکن بل در مقابل لزوم تصویب قبلی رد بدون تامل آن بود. در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۸ (دوم آبان ماه ۱۳۵۷) امریکن بل با ذکر اینکه تصویب نه طبق قرارداد الزامی، و نه با هدف اجرای موثر برنامه "سیک سویچ" سازگار است، نظر خود را در آن باره ابراز، و اضافه نمود که "برای امریکن بل کافی است که بداند کارمندانش در کلیه اوقات در کجا هستند، و ما برای اداره امور به مدیران خود اعتماد داریم". لیکن موضع امریکن بل غیرقابل انعطاف نبود، به طوری که پس از نامه آقای توکلی، امریکن بل در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۱ آبان ماه ۱۳۵۷) پیشنهاد مذاکره درباره موضوع را کرد. شرکت مخابرات طی نامه مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ (۸ آذرماه ۱۳۵۷) پاسخ داد که "در مذاکراتی که قرار است درباره تجدیدنظر در قرارداد ۱۳۸ به عمل آید، این موضوع مطرح خواهد گردید".

۲۷ - تجدیدنظر مذکور هرگز به عمل نیامد و مسئله هماهنگ کردن غیبت ها لاینحل ماند.

ب - کاهش تعداد کارکنان امریکن بل

۲۸ - در پائیز ۱۹۷۸، طرفین درمورد تعداد کارکنانی که مورد نیاز امریکن بل در ایران است، چندبار مذاکره کردند. طبق قرارداد ۱۳۸ قرار بود برای نیل به هدف های تعیین شده در برنامه "سیک سویچ" که در شرح کار دوره ژوئیه ۱۹۷۸ تا ژوئیه ۱۹۷۹ خلاصه

شده بود، تعداد کارکنان امریکن بل به میزان قابل توجهی افزایش یابد. برای این دوره خدماتی به میزان ۱۳،۰۰۰ نفر-ماه در قرارداد ۱۳۸ پیش بینی شده بود، حال آنکه خدمات عرضه شده، طبق قرارداد ۱۱۸ در دوره قبل، از ۷۴۰۰ نفر-ماه تجاوز نمی‌کرد. لذا، در حالیکه در اکتبر ۱۹۷۸، تعداد متخصصین فنی امریکن بل در ایران حدود ۸۰۰ نفر بود، انتظار می‌رفت این رقم تا ژوئیه ۱۹۷۹، به ۱۱۴۵ نفر افزایش یابد.

۲۹ - لیکن، این رشد متوقف گردید. طبق قرارداد ۱۳۸ شرکت مخابرات مجاز بود که در وضع کلیه کارمندانی که امریکن بل برای افزودن به کادر خود پیشنهاد می‌کرد، بررسی، و آشنائی را که حائز شرایط نبودند، رد کند. در چهارم اکتبر ۱۹۷۸ (۱۲ مهرماه ۱۳۵۷) شرکت مخابرات به امریکن بل اطلاع داد که کلیه ۸۶ نفر جدید را که امریکن بل جهت تصدی پستهای مورد نظر پیشنهاد کرده، "تا روشن شدن پاره‌ای موضوعات اداری بین امریکن بل و شرکت مخابرات رد کرده‌است." خواندگان طی جریان رسیدگی حاضر اظهار کرده‌اند که منظور از "موضوعات اداری" اختلافاتی بود که درباره مرخصی هاو غیبت ها وجود داشت که در این باره در فوق بحث شده است.

۳۰ - امریکن بل به رد پیشنهادش اعتراض کرد و آن را "خودسرانه" و "نقض غرض قرارداد" نامید، لیکن در همان موقع نسبت به بعضی از دلایل اصلی رد کارمندان پیشنهادی تاحدی تفاهم نشان داد تا آنجا که متذکر گردید که "به لحاظ رعایت اوضاع کشور...، برای کاهش احتمالی تعداد کارکنان، داوطلبانه در شرح کار تجدیدنظر می‌کنیم." در آن موقع، یعنی در ۲۷ اکتبر ۱۹۷۸ (۵ آبان ماه ۱۳۵۷) آشوبهای اجتماعی و سیاسی بر ایران مستولی بود و این وضع در برنامه "سیک سویچ" و امنیت کارکنان امریکن بل که در ایران مستقر بودند نیز، تاثیر داشت. در اواسط نوامبر ۱۹۷۸، طبق آخرین گزارش داخلی امریکن بل تحت عنوان "Iran Update"، "قریب ۱۵ نفر از کارکنان مزبور" داوطلب بازگشت به وطن شده بودند.

۳۱ - تا آن موقع امریکن بل علیرغم مخالفت‌هایش صریحا" پذیرفته بود که نقش وی در برنامه "سیک سویچ" تا اندازه‌ای محدودتر خواهد بود. لذا، در اول نوامبر ۱۹۷۸ (۱۰ آبان ماه ۱۳۵۷) طی نامه‌ای که به سازمان ارتباطات و الکترونیک نوشت، تاکید کرد که لازم است قرارداد بر آن اساس اصلاح شود. با اینکه ایران طبق مواد ۱۲-۲ و ۱۰-۳ قرارداد ۱۳۸ حق داشت خدمات مورد نیاز را تاحدی تغییر داده و تعداد کارکنان امریکن بل را کاهش دهد، معینا اینگونه تغییرات می‌بایستی باتوافق طرفین صورت گیرد. بند ۲ پیوست ۳ قرارداد در ارتباط با اینگونه اصلاحات مقرر می داشت که نرخهای احتسابی نفر- ماه طوری تعدیل شود که زیانهای امریکن بل در نتیجه این کاهش ها را جبران کند.

۳۲ - قبل از آنکه اصلاحاتی در قرارداد به عمل آید، فشار برای کاهش تعداد کارکنان امریکن بل افزایش یافت. در ۲۶ نوامبر ۱۹۷۸ (۵ آذرماه ۱۳۵۷) سازمان ارتباطات و الکترونیک، عطف به مذاکرات "حضوری" و به درخواست "کاهش تعداد کارمندان آن شرکت در ایران" از امریکن بل تقاضا کرد پرسنل خود در چهار اداره شرکت مخابرات را به کلی حذف کرده و نفرات امریکن بل را که در دفتر دو معاون شرکت مخابرات کار می‌کردند، کاهش دهد. در نامه همچنین دستور داده شده بود نه قلم جداگانه از شرح کار حذف گردد. روز بعد، یعنی در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸ (۶ آذرماه ۱۳۵۷) سازمان ارتباطات و الکترونیک طی نامه دیگری "در تعقیب برنامه کاهش کارمندان (امریکن بل)" دستور داد که از تعداد کارمندان بازهم کاسته شود.

۳۳ - طرفین در مورد کم و کیف دستورهای مورخ ۲۶ و ۲۷ نوامبر دایر بر کاهش تعداد کارکنان با یکدیگر اختلاف نظر دارند. در حالی که خواهان ادعا کرده که این اقدامات "شدید" ۸۳٪ از تعداد کارکنان وی کاست، خوانندگان اظهار می دارند که دستورهای مزبور در حکم خاتمه دادن به خدمت کلیه کارکنان امریکن بل غیر از ۴۰۰ نفر (یعنی ۵۰٪) بود و چنین اقدامی بادر نظر گرفتن سقوط ادعائی قدرت بازدهی امریکن بل در اکتبر و

نوامبر ۱۹۷۸ و باتوجه به حق کارفرما به موجب مواد ۱۲-۲ و ۱۰-۳ قرارداد برای تغییر خدمات و تعداد کارکنان مورد نیاز کاملاً" موجه بوده است. صرفنظر از میزان نسبی کاهش تعداد کارکنان، نامه مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۷۸ (۳۰ آذرماه ۱۳۵۷) امریکن بل به ای تی اند تی (که در جلسه استماع توزیع گردید و مورد اعتراض خواهان واقع نگشت) حاکی از آن است که در آن موقع به امریکن بل دستور داده شده بود که تعداد کارکنان خود را به حدود ۴۰۰ نفر کاهش دهد.

۳۴ - در هرحال، امریکن بل کاهش کارکنان خود را آغاز و آمادگی خود را برای "همکاری کامل با دولت ایران برای حل مسائل ناشی از اوضاع فعلی" اعلام کرد. لیکن، طی نامه‌هایی که در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر ۱۹۷۸ نوشت موکدا" اظهار علاقه کرد که کاهش تعداد کارکنان طبق توافق طرفین و به ترتیب مقرر در ماده ۱-۳ قرارداد صورت گیرد. در حالیکه امریکن بل این موضع را برای اولین بار در نامه های مشابه مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۲ آذرماه ۱۳۵۷) به شرکت مخابرات و سازمان ارتباطات و الکترونیک تکرار می کرد، آن کاهش ها را " فسخ جزئی" قرارداد نیز خوانده و تاکید کرد که بنابراین حق دارد هزینه‌های مقرر در قرارداد ۱۳۸ برای فسخ را دریافت کند. سازمان ارتباطات در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۶ آذرماه ۱۳۵۷) این ادعا را رد کرد. در واقع، طرفین در آن موقع مشغول مذاکره درباره اصلاحات پیش بینی شده در قرارداد بودند.

۳۵ - لیکن پس از آن، اوضاع به شدت رو به وخامت گذاشت و مذاکراتی که در فوق یاد شد، به نتیجه نرسید. شورشها و تظاهرات و اغتشاشات داخلی و در آن میان تهدیدهایی که متوجه کارکنان امریکن بل و خانواده‌های آنها می شد، افزایش یافت و تمامی شهر تهران در اثر اعتصابات عمومی که از ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۹ دیماه ۱۳۵۷) تا پایان روز اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۷) ادامه داشت، فلج شد. تحت چنین شرایطی امریکن بل اجرای کارهای فنی خود را در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ دیماه ۱۳۵۷) متوقف

و در دوم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۲ دیماه ۱۳۵۷) به کارمندان خود اعلام کرد که "شرکت توصیه کرده که کلیه بستگان کارکنان امریکن بل ایران را عمدتاً به دلیل ادامه کمبود سوخت برای تولید برق، و حمل و نقل، ترک کنند".

۳۶ - گزارشهای آن زمان امریکن بل حاکی است که تعداد کارمندان شرکت و بستگان آنها از ۲۱۰۰ نفر در اواسط نوامبر به ۵۰۰ نفر در ۹ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۹ دیماه ۱۳۵۷) تقلیل یافته بود. تعداد کارمندان مستقر در ایران در بالاترین حد خود (در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر ۱۹۷۸) ۸۴۶ نفر بود. این رقم را می توان از گزارش مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ (۹ آذرماه ۱۳۵۷) (مقایسه شود با بند ۹۸ زیر) تعداد کارمندان امریکن بل استخراج کرد. در ۱۲ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۲ دیماه ۱۳۵۷) نشریه "Iran Update" گزارش نمود که تعداد کارمندان امریکن بل و بستگان آنان ظرف چند روز به کمتر از ۲۵۰ نفر یا کمتر از تعدادی که در دستورهای نوامبر ۱۹۷۸ در مورد کاهش تعداد کارمندان پیش بینی شده بود، خواهد رسید. لیکن قبل از اینکه عده اخیرالذکر ایران را ترک کنند، در ۹ ژانویه مذاکراتی بین امریکن بل و شرکت مخابرات صورت گرفت و طی آن شرکت مخابرات ظاهراً در تقاضای خود برای تقلیل تعداد کارکنان کماکان اصرار کرد. مدارک نشان می دهد که در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۴ دیماه ۱۳۵۷) سازمان ارتباطات و الکترونیک به امریکن بل دستور داده بود که تعداد کارکنان خود را باز هم کاهش دهد، بطوریکه بیش از ۱۰۰ متخصص فنی در ایران باقی نماند. خواندگان معترفند که "درفاصله بین ۱۴ و ۲۰ ژانویه امریکن بل و سازمان ارتباطات و الکترونیک توافق کردند که امریکن بل حدود ۱۰۰ نفر پرسنل فنی درکشورنگاهدارد".

۳۷ - امریکن بل طی نامه مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۷۹ (۳۰ دیماه ۱۳۵۷) به سازمان ارتباطات و الکترونیک اطلاع داد که "طبق دستورهای آن سازمان تعداد کارکنان خود در ایران را به ۱۰۰ نفر پرسنل فنی کاهش می دهیم". روز بعد، یعنی در ۲۱ ژانویه

۱۹۷۹ (اول بهمن ماه ۱۳۵۷) امریکن بل تصمیم گرفت به استثنای کارمندان داوطلب، بقیه پرسنل خود را از ایران خارج کند. اندکی بعد، سازمان ارتباطات و الکترونیک طی نامه مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ (سوم بهمن ماه ۱۳۵۷) به امریکن بل نوشت که "اینک که امریکن بل عملاً عدم توانائی (یا اکراه) خود را در نگهداشتن کلیه پرسنل خود نشان داده، این سازمان (سازمان ارتباطات و الکترونیک) تقاضای خود مربوط به تعداد کارمندان امریکن بل را به ۵۸ نفر کاهش می‌دهد..." تقریباً" مقارن این ایام، امریکن بل شروع به فسخ اجاره آپارتمانها و تهیه مقدمات برچیدن دفاتر خود نمود.

۳۸ - برای کاهش کارکنان امریکن بل دستورات دیگری صادر نشد و مدارک حاکی از آن است که چون اوضاع انقلابی در کشور اوج گرفته بود، ۵۸ نفر مابقی ایران را تا ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ (۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۷) ترک کردند. بدینترتیب رفتن آنها از ایران به علت آشوب های داخلی بود، نه دستورهای مختلف برای کاهش کارمندان که در فوق مورد بحث واقع شد. از طرف دیگر، مابقی افرادی که ایران را ترک کردند جزو کارکنانی محسوب شدند که تصمیمات مربوط به کاهش کارکنان شامل آنها گردیده بود و سازمان ارتباطات به خدمت کارکنان مزبور خاتمه و به آنان دستور داد که به ایالات متحده مراجعت کنند. بنابراین عزیمت آنان را باید ناشی از دستورهای مربوط به کاهش تعداد کارکنان دانست. علیرغم این که بسیاری از (اگر نگوئیم همه) کارمندانی که طبق دستور ایران را ترک کردند، در هر حال به علت اغتشاشات داخلی مجبور به ترک ایران می‌شدند، باز هم می‌توان به نتیجه فوق رسید. در واقع پس از دستورهای نوامبر ۱۹۷۸ برای کاهش کارکنان (که ۴۰۰ نفر مجاز بودند بمانند)، امریکن بل در نظر داشت که تعدادی از کارکنان خود را ولو موقتاً (مسلماً در نتیجه اوضاع حاکم بر ایران)، به آتن منتقل کند و اینان در آتن منتظر بمانند تا اوضاع ایران به آرامش گراید. لیکن، دستور مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۴ دیماه ۱۳۵۷) (که طبق آن بیش از ۱۰۰ متخصص باقی نمی‌ماند) قبل از انتقال "موقت" مورد نظر صادر شد و آن دستور هم کارمندانی را که امریکن بل

قصد داشت در آتن مستقر نماید، در بر می گرفت و هم شامل کارمندی می شد که در اثر مذاکرات مربوط به قرارداد وضع نامشخصی داشتند. به همین ترتیب، درفاصله بین دستور ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۴ دیماه ۱۳۵۷) و درخواست مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ (سوم بهمن ماه ۱۳۵۷) برای کاهش کارکنان به ۵۸ نفر، امریکن بل در ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ (اول بهمن ماه ۱۳۵۷) تصمیم گرفت مابقی کارکنان خود را بطور موقت از ایران خارج کند. ولی چون سازمان ارتباطات و الکترونیک کاملاً با این اقدام موافق بود، می توان اینطور نیز نتیجه گرفت که معاودت ۴۲ نفر کارمندی (از ۱۰۰ نفر) که جزو ۵۸ نفری نبودند که اجازه داشتند در ایران بمانند، مشمول کاهش کارمندان به مفهوم ماده ۱۰-۳ قرارداد می شد.

۳۹ - در نتیجه، دیوان نتیجه می گیرد که خروج ۵۸ نفر از ۸۴۶ کارمند امریکن بل از ایران درفاصله بین نوامبر ۱۹۷۸ و فوریه ۱۹۷۹ تنها در نتیجه اوضاع انقلابی ایران بوده، حال آنکه می توان گفت که معاودت مابقی در اثر کاهش تعداد کارکنان صورت گرفته است.

۳ - مسئله فسخ قرارداد ۱۳۸

۴۰ - بعد از ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ (۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۷) هنگامی که آخرین کارکنان امریکن بل ایران را ترک کردند، امریکن بل، موسسه حسابداری پرایس واتر هاوس و موسسه حقوقی جان ای وستبرگ اند اسوشی ایتس اینکورپوریتد را مامور برچیدن مابقی امور خود در ایران نمود. در ۲۳ مارس ۱۹۷۹ (سوم فروردین ماه ۱۳۵۸) رئیس شرکت امریکن بل نامه ای به دکتر اسلامی وزیر جدید پست و تلگراف و تلفن نوشت و درخواست کرد برای حل کلیه اختلافات موجود و شروع مجدد کار با ایشان ملاقات کند. نامه مزبور بلاجواب ماند و دیگر کار موضوع قرارداد ۱۳۸ مجدداً آغاز نشد، تا اینکه قرارداد در

۱۵ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۴ تیر ماه ۱۳۵۸) منقضی گردید.

الف) فسخ رسمی

۴۱ - چکیده استدلال خواهان این است که ایران قرارداد ۱۳۸ را قبل از موعد فسخ نموده، و در نتیجه خواهان حق دارد هزینه‌های فسخ را دریافت کند. بند ۴-۱ پیوست ۳ قرارداد ۱۳۸ درمورد حق مزبور چنین مقرر می‌دارد:

پرداخت هزینه‌های خاتمه یا فسخ به نحوی که در ماده ۷ زیر ذکر گردیده، اگر قرارداد دره‌تاریخی طبق ماده ۱۸ خاتمه یافته یا فسخ گردد، قیمت طبق مخارج واقعی که از ۸۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا تجاوز نخواهد کرد.

۴۲ - بنابراین، هزینه‌های فسخ که در بند ۷ پیوست ۳ تعریف شده، در صورتی قابل وصول است که قرارداد طبق ماده ۱۸ خاتمه یابد یا فسخ گردد. ماده ۱۸ به نوبه خود حاکی است که "کارفرما، پیمانکار یا هر دو می‌توانند به دلایل مختلفی که در این ماده ذکر شده "این قرارداد... را خاتمه داده یا فسخ یا "phase out" نمایند." طبق ماده ۶-۱۸ قرارداد "خاتمه یا فسخ از تاریخی که در اخطار کتبی تعیین شده قابل اجرا خواهد بود، غیر از بند ۵ بالا". بند ۵ مربوط است به مدت یکسال تحویل و تحول کار از پیمانکار به کارفرما در شرایطی که ایران قرارداد را فسخ کند یا قرارداد بدون اینکه طرفین درمورد قرارداد جدیدی به توافق برسند، منقضی گردد. چون درمورد حاضر اجرای قرارداد مدتها قبل از تاریخ انقضاء متوقف شده بود و در نتیجه تحویلی وجود نداشت این شرط مجری نیست. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که استحقاق امریکن بل برای دریافت هزینه‌های فسخ طبق شروط قرارداد منوط به تحقق دو شرط است: ۱- دلیلی برای فسخ قرارداد به ترتیبی که در ماده ۱۸ مقرر گردیده، وجود داشته باشد، و ۲- یکی از طرفین عملاً قرارداد را فسخ کرده باشد.

۴۳- درمورد شرط اول نیازی به بحث نیست، زیرا پیدا است که شرط دوم تحقق نیافته است. هیچیک از طرفین به مفهوم ماده ۶-۱۸ یک "اخطارکتبی" فسخ به دیگری نداده، مع الوصف خواهان به استناد نامه مورخ ۱۱ اوت ۱۹۷۹ (۲۰ مردادماه ۱۳۵۸) سازمان ارتباطات و الکترونیک به امریکن بل و به مقاله‌ای که در روزنامه کیهان منتشر شده بود، استدلال می‌کند که ایران قرارداد را فسخ کرده‌است. ولی منبع خبر فسخ قرارداد در گزارشی که در آوریل ۱۹۷۹ در روزنامه کیهان به چاپ رسید، مصاحبه‌ای بود که با وزیر پست و تلگراف و تلفن به عمل آمده، و وی طی آن اظهار داشته بود "تا آنجا که اطلاع دارم ارتش این قرارداد را باطل کرده‌است"، این اظهار در حکم اخطار فسخ نیست. همین امر درمورد نامه مورخ ۱۱ اوت ۱۹۷۹ (۲۰ مردادماه ۱۳۵۸) سازمان ارتباطات و الکترونیک مشعر بر اینکه قرارداد ۱۳۸ "از تاریخ انقلاب اسلامی (یعنی از ۱۰ فوریه ۱۹۷۹/۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) فسخ شده تلقی می‌گردد..." صادق است. گذشته از اینکه نامه مزبور بعد از تاریخ انقضای قرارداد ۱۳۸ و بعد از آنکه امریکن بل در ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ (۳ مردادماه ۱۳۵۸) اولین صورتحساب خود را بابت هزینه‌های فسخ ارسال داشت، تسلیم شده، تاریخ فسخی که در نامه ذکر شده با حوادثی که می‌توانست مبنای فسخ قرارگیرد، ارتباط خاصی ندارد. این نامه را نمی‌توان چیزی بیش از یک اظهارنظر سیاسی تلقی کرد.

۴۴ - بنابراین، هیچیک از طرفین طبق ماده ۱۸ قرارداد ۱۳۸ به آن قرارداد رسماً خاتمه نداده یا آنرا فسخ نکرده است.

ب (کاهش تعداد کارکنان به منزله فسخ قرارداد

۴۵ - با این وصف، خواهان اظهار می‌کند که اجرای قرارداد به علت دستورهای ایران برای کاهش تعداد کارکنان و اقدامات ایدائی علیه امریکن بل متوقف شد و این اقدامات

حتی بدون یک اخطار رسمی، عملاً به قرارداد خاتمه داد. طبق اظهار خواهان، صرف دستورهای صادره برای کاهش کارکنان حداقل در حکم "فسخ جزئی" قرارداد بود. ایران از ابتدا با این تفسیر مخالف بوده و معتقد است آنچه رخ داده نه فسخ جزئی و نه کلی قرارداد، بلکه "طبق مواد ۱۲-۲ و ۱۰-۳ فقط کاهش تعداد کارکنان بوده است".

۴۶ - دیوان با خواندگان در مورد اینکه این مواد ولی نه مواد مربوط به "فسخ" برای مقابله با مسائل ناشی از کاهش کارکنان تنظیم شده، موافق است. در آنجا که قرارداد به موضوعات "خاتمه یا فسخ" پرداخته، مفهوم "فسخ جزئی" مفهوم ناشناخته‌ای به نظر می‌رسد. حال آنکه این اصطلاحات در تمام مواردی که در قرارداد به کار رفته، قید و شرطی نداشته است. مضافاً، استحقاق "دریافت هزینه های فسخ (بند ۴-۱ پیوست ۳) منوط به فسخ بلاشرط طبق ماده ۱۸ است. بند ۷ پیوست ۳ در تعریف هزینه‌های فسخ منجمله از "کلیه هزینه‌های دیگر مربوط به تعطیل تمام یا قسمتی از عملیات..." یاد می‌کند (خط تاکید اضافه شده)، ولی به نظر دیوان "تعطیل قسمتی از عملیات" را نمی‌توان مترادف با "فسخ جزئی" تعبیر نمود.

۴۷ - همانطور که در بند ۳۱ فوق بحث شد، مواد ۱۲-۲ و ۱۰-۳ قرارداد ۱۳۸ به ایران حق می‌داد میزان خدمات لازم را تغییر دهد و تعداد پرسنل را بکاهد ولی برای جبران این قبیل کاهش ها امریکن بل حق داشت نرخهای بالاتری برای نفر- ماه دریافت کند. طرفین مشغول مذاکره درباره پی آمدهای مالی کاهش ها بودند و وقوع حوادث (انقلاب) مانع شد که بتوانند مذاکرات خود را تمام کنند.

همانطور که دیوان در چندین پرونده تصدیق کرده است که "تا دسامبر ۱۹۷۸، اعتصابات، اغتشاشات و سایر کشمکشهای داخلی در جریان انقلاب اسلامی، لاقلاً در شهرهای بزرگ ایران شرایط کلاسیک فورس ماژور را به وجود آورده بود، منظور ما از فورس

ماژور، عبارت از نیروهای اجتماعی و اقتصادی است که از قدرت کنترل دولت با اعمال مجاهدت لازم خارج است" گولد مارکتینگ اینکوریپتد و وزارت دفاع ملی ایران، صفحه ۱۱ قراراعدادی شماره ۲- ۴۹-۲۴ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳ (۵ مردادماه ۱۳۶۲) که در IRAN-U.S. C.T.R. 147, 152-153 نیز چاپ شده است. همچنین رجوع شود به اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کوریپشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۲۰ و ۲۱ حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۸۶ مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۵ (۲۸ مردادماه ۱۳۶۴)، سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکوریپتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۵۰ حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ (۶ تیرماه ۱۳۶۴). دراین پرونده شکی نیست که به مفهوم ماده ۴-۶ قرارداد ۱۳۸، حالت فورس ماژور وجود داشته است.

۴۸ - در نتیجه، درموقعی که طرفین تحت شرایط عادی تر ممکن بود درمورد کاهش تعداد کارکنان به توافق برسند، دراثر فورس ماژور موفق به این کار نشدند. حتی اگر وضع فورس ماژور قبل از انقضای قرارداد ۱۳۸ برطرف شده باشد، کارموضوع قرارداد تا آن موقع منتفی شده بود و از سرگرفتن فوری کار به عنوان یک موضوع عملی قابل تصور نبود. بنابراین، توافق درمورد تغییرات مربوط به تعداد کارکنان امریکن بل برای طرفین مطرح نبود.

۴۹ - تحت چنین شرایطی فسخ قرارداد برای طرفین قابل توجیه بود ولی هیچیک اقدام به فسخ قرارداد نکرد. فسخ قرارداد موضوعی است اختیاری. هرچند احتمال می رود که امریکن بل برای فسخ قرارداد دلیل کافی داشته، ولی آن را فسخ نکرده است. مقایسه شود: کیمبرلی کلارک کوریپشن و بانک مرکزی ایران، صفحه ۱۵ حکم شماره ۲-۵۷-۴۶، مورخ ۲۵ مه ۱۹۸۳ (۴ خردادماه ۱۳۶۲) که در IRAN-U.S. C.T.R. 334, 341-342 نیز چاپ شده است. به علاوه، هرچند قوانین ایران که طبق ماده ۱۰، حاکم بر قرارداد ۱۳۸ است، ظاهراً امکان استنباط فسخ را از رفتار طرفین می پذیرد (ماده ۲۸۴ قانون

مدنی ایران می‌گوید: "اقاله بهر لفظ یا فعلی واقع می‌شود که دلالت بر بهم زدن معامله کند". ماده ۱۸-۶ قرارداد ۱۳۸ تصریح می‌کند که در این قرارداد خاص برای خاتمه یا فسخ، "اخطار کتبی" صریح ضروری است. همانطور که در قسمت فرعی پیش بحث شد، هیچیک از طرفین قبل از آنکه قرارداد طبق شرایط مندرج در آن منقضی شود، اخطار فسخی به دیگری تسلیم نکرد.

۵۰ - بنابراین قرارداد ۱۳۸، به موجب مفاد ماده ۱۸ آن، از طرف هیچیک از طرفین رسماً خاتمه نیافت یا فسخ نگردید، و کاهش کارکنان نیز به مفهوم آن ماده به معنی فسخ نبود. بنابراین حق بر مبنای ماده ۱۸ و بند ۴-۱ پیوست ۳ قرارداد نسبت به هزینه‌های فسخ وجود ندارد. از طرف دیگر، طبق قرارداد امریکن بل در شرایط عادی حق داشت کاهش‌ها را به صورت افزایش نرخهای نفر-ماه جبران کند. این خسارت به علت شرایط خارق‌العاده‌ای که حکم فورس مازور را داشت و در قرارداد پیش بینی نشده بود، هرگز جبران نشد. این امر منجر به طرح این سوال می‌شود که آیا شرایط مندرج در قرارداد درباره فورس مازور مبنائی برای ادعاهای هزینه‌های فسخ برای امریکن بل به دست می‌دهند یا خیر.

۴ - اشر فورس مازور

۵۱ - خوانندگان اظهار می‌دارند که چون کار موضوع قرارداد ۱۳۸ به علت اغتشاشات داخلی و انقلاب، و نه به دلیل فسخ یا اقدامات دیگر شرکت مخابرات یا سازمان ارتباطات و الکترونیک متوقف شده، طبق قرارداد، پرداخت هزینه‌های فسخ به خواهان مجاز نمی‌باشد. امریکن بل استدلال می‌کند که حتی اگر قرارداد در نتیجه فورس مازور خاتمه یافته باشد، حق دارد هزینه‌های فسخ را دریافت کند.

۵۲ - چون ماده ۱۸ که فورس ماژور را به عنوان یک دلیل فسخ می شناسد، قابل اعمال نیست (هیچیک از طرفین به فورس ماژور به عنوان دلیل فسخ استناد نکرده است)، باید سایر شرایط قرارداد را که به موضوع فورس ماژور مربوط است، مورد بررسی قرارداد. برای هزینه های فسخ ناشی از فورس ماژور می توان مبنای محتمل دیگری در بند ۱۰ پیوست ۳ یافت. طبق این بند:

"هرگونه هزینه های حاصله به وسیله پیمانکار در نتیجه شرایط یا حوادث مشروحه در مواد زیر به وسیله کارفرما به پیمانکار پرداخت خواهد شد."

۵۳ - "ماده ۷-۶ در مورد فورس ماژور" که یکی از شرایط مندرج در بند ۱۰ است، مقرر می دارد که "در صورت فورس ماژور که منجر به فسخ قرارداد شود، هر خرج اضافی که برای کارهای اضافی درخواست شده توسط کارفرما به وسیله پیمانکار انجام شود، به پیمانکار پرداخت خواهد شد". ولی در پرونده حاضر کار اضافی مطرح نبوده به طوری که علی الظاهر این شرط نیز در مورد فورس ماژور قابل اعمال نیست.

۵۴ - اما این امر به این معنی نیست که فورس ماژور پی آمدی در مورد مساله هزینه های فسخ نداشته است. دیوان نظر داده است که معاودت عده ای از کارمندان در اثر فورس ماژور بوده و فورس ماژور مانع شده که مذاکرات مربوط به پی آمدهای مالی کاهش کارکنان به نتیجه برسد. بنابراین، هرچند فورس ماژور علت غائی نبود که بتوان هزینه های فسخ خواهان را به آن نسبت داد، ولی شرایطی را به وجود آورد که برای خواهان وصول آنچه را که طبق قرارداد حق داشت دریافت کند، غیرممکن ساخت. برخلاف وضعیت هائی که هزینه ها مستقیماً به فورس ماژور قابل انتساب است، این وضعیت آن چیزی نبوده که در قرارداد ۱۳۸ در مورد تخصیص ریسک پیش بینی شده، بلکه نتیجه وضعی است که در قرارداد پیش بینی نشده است. در چنین شرایطی تعیین حقوق و تعهدات طرفین منوط به "نظر منصفانه دیوان دآوری است که قرارداد را به عنوان

چارچوب و ملاک مراجعه مورد استفاده قرار می‌دهد". کوئینز آفیس تاور اسوشی ایتس و شرکت هواپیمائی ملی ایران ص ۱۴ حکم شماره ۱-۱۷۲-۳۷ مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۸۳ (۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۲) که در Iran - U.S. C.T.R. 247,254 2 نیز چاپ شده است، اینترنشنال اسکول سرویسز، اینکوریوریتد و شرکت ملی صنایع مس، ص ۱۴ حکم شماره ۱-۱۱۱-۱۹۴ مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۸۵ (۱۸ مهرماه ۱۳۶۴). دیوان در اعمال نظر منصفانه خود باید تعیین کند که طرفین با توجه به مقاصدشان که در قرارداد منعکس است، در مورد پی آمدهای مالی کاهش تعداد کارکنان احتمالا به چه توافقی می‌رسیدند و در نتیجه، غرامت معقول بابت هزینه‌های متحمله چیست؟ (۱)

۵ - نتیجه گیری های دیوان درباره استحقاق امریکن بل نسبت به ادعاهای خود بابت هزینه‌های فسخ

۵۵ - قرارداد ۱۳۸ حاوی شرایطی درباره فورس ماژور می‌باشد، ولی در آن شرایط، کلیه پی آمدهای ممکن یک وضع فورس ماژور پیش بینی نشده است. هم اکنون، دیوان با وضعی از فورس ماژور که دو نوع پی آمد بر آن مترتب بوده و شرایط صریح قرارداد مستقیماً در مورد آنها صادق نیست، روبرو است: (۱) تعدادی از کارکنان امریکن بل به

(۱) دیوان ملاحظه می‌کند که وظیفه‌ای که در این مورد بر عهده دارد، با کار هیئت داوری در پرونده کویت علیه امریکن ایندپندنت اوپل کامپنی (امینوپل) شباهت زیادی دارد. حکم مورخ ۲۴ مارس ۱۹۸۲ (۴ فروردین ماه ۱۳۶۱) (به داوری رویتر، سلطان و فیتس موریس) که در Int'l Legal Mat'ls 976 (1982) 21 نیز چاپ شده است، در آن قضیه، طرفین مذاکراتی در مورد استفاده از فرمولهای جدیدی برای قیمت گذاری انجام داده بودند بی آنکه بتوانند مذاکرات را به پایان برسانند. هیئت داوری متذکر شد که به نظر وی در واقع مساله اصلاح یا تکمیل قرارداد مطرح نیست... از هیئت انتظار نمی‌رود که دست به تدوین مقررات جدیدی که حاکم بر روابط قراردادی طرفین در آینده باشد، بزند بلکه به پی آمدهای مختلف رفتار گذشته آنها و شرایط قراردادی که زمانی برای آنها تعهد ایجاد می‌کرده و اکنون پایان یافته است، فیصله دهد". همان مأخذ، پاراگراف ۷۵.

علت فورس ماژور ایران را ترک کردند، و (۲) فورس ماژور مانع مذاکرات مربوط به پی‌آمدهای مالی کاهش تعداد کارکنان شد. بااینکه هردو رویداد از حدود قرارداد خارجند، لکن با یکدیگر تفاوت دارند. درمورد اول، می‌توان هزینه‌های معینی را که امریکن بل متحمل شده، مستقیماً ناشی از فورس ماژور دانست، درحالی که درمورد دوم وضعیت فورس ماژور "من غیرمستقیم" و باایجاد مانع در حل و فصل پی‌آمدهای مالی منتسب به سایر حوادث طبق قرارداد، هزینه‌هایی را برای امریکن بل ایجاد کرد.

۵۶ - هرگاه در قراردادی، مانند قرارداد حاضر، ترتیب دیگری پیش بینی نشده باشد، قاعده راهنما در مورد هزینه‌های قابل انتساب به اوضاع فورس ماژور آنست که "ضرر محدود به جایی باشد که وارد می‌شود" (The loss must lie where it falls). پرونده کوئینز آفیس تاوراسوشی ایتسی، مذکور در فوق، همان مآخذ، اینترنشنال اسکول سرویسز، مذکور در فوق، همان مآخذ. بنابراین درمورد ۵۸ نفری که قانوناً "عزیمتشان منسوب به فورس ماژور بود، هیچ غرامتی بابت هزینه‌های فسخ تعلق نمی‌گیرد. امریکن بل طبق قرارداد ۱۳۸، به نحوی که در بندهای ۴۱ تا ۵۰ فوق تفسیر گردید، مختار بود یا قرارداد را فسخ و یا زیان هزینه‌های مورد بحث را تحمل کند. خواهان طریق دوم را انتخاب کرد. چون خواهان کلیه هزینه‌های فسخ را برحسب هر قلم هزینه و نه برحسب فردی که هزینه برای او انجام شده، ثبت و اثبات کرده (مقایسه شود با بخش ۶ زیر)، به نظر دیوان این فرض منطقی است که در بدو امر با کسر درصد هزینه‌های مربوط به ۵۸ نفر از کلیه هزینه‌ها، هزینه‌های مربوط به ۵۸ نفر کارمند را بدست آورد. چون ۵۸ نفر (رجوع شود به پاراگراف ۳۹ فوق) ۶/۹ درصد ۸۴۶ نفری است که از ایران خارج شدند، هزینه مربوط به این درصد از کارکنان، به علاوه هزینه‌های ادعائی که به سایر دلایل می‌توان منتسب به فورس ماژور دانست تا به دستورات کاهش کارکنان (رجوع شود به پاراگرافهای ۷۴ تا ۸۰ زیر)، قابل وصول نیست، بنابراین مبلغ واقعی غیرقابل وصول در ارتباط با بحث راجع به ارقام خاص هزینه به دست می‌آید.

۵۷ - در مورد هزینه‌های مربوط به کاهش کارکنان ، دیوان در درجه اول ملاحظه می‌کند که غیر از فورس ماژوری که به فسخ منتهی نشود، قرارداد در واقع در هر وضع قابل تصویری به امریکن بل حق می‌دهد، هزینه‌های "مربوط به" خاتمه خدمت تمام یا تعدادی از کارکنان خود را دریافت کند. این اوضاع حتی موارد فسخ از ناحیه یک طرف به دلیل نقض قرارداد به وسیله طرف دیگر را هم در برمی‌گرفت. بنابراین اگر ایران قرارداد را به دلیل ناقص بودن کارهای انجام شده توسط امریکن بل هم فسخ می‌کرد، امریکن بل باز هم حق داشت هزینه‌های خود را بابت فسخ وصول کند.

۵۸ - بعلاوه در قرارداد صریحا "پیش بینی شده که اثرات مالی کاهش کارکنان باید جبران شود. بنابراین، انتظار معقول امریکن بل از مذاکرات این بود که هزینه‌ها یا به صورت کلی جبران شود یا در صورت ادامه کار به صورت افزایش متناسب نرخهای نفر-ماه تامین گردد. در غیر این صورت امریکن بل می‌توانست با استفاده از حق فسخ خود قرارداد را (حداقل به دلیل فورس ماژور) فسخ کند و بدانوسیله هزینه‌های ناشی از کاهش وسیع تعداد کارکنان را دریافت نماید. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که موافق با قصد کلی و روح قرارداد ۱۳۸، امریکن بل حق دارد هزینه‌های قابل انتساب به دستورهای کاهش کارکنان را دریافت کند.

۵۹ - وظیفه دیوان این است که به نتیجه‌ای که حتی الامکان مطابق با تمهیدات قراردادی باشد، برسد. بنابراین، دیوان در تعیین میزان هزینه‌های ناشی از کاهش کارکنان، در شرایط موجود مقتضی می‌داند که کار را با تعریف هزینه‌های فسخ در قرارداد ۱۳۸ آغاز کند. هزینه‌های مورد بحث، حسب ادعا به علت اعزام کارکنان امریکن بل به کشورشان و پایان دادن به فعالیت‌های شرکت در برنامه "سیک سویچ" ایجاد شده، در اصل "هزینه‌های فسخ" بوده اند. بنابراین، اگر مفهوم "فسخ جزئی" پذیرفته شده بود، نتیجه با آنچه که اکنون بدست آمده تفاوت چندانی نمی‌داشت. آن مقدار از هزینه‌ها

که حقا" قابل انتساب به دستورهای کاهش کارکنان است باید با بررسی فرد فرد عناصر خاص هزینه های فسخ تعیین شود.

۶ - مبلغ و مجاز بودن اقلام خاص هزینه

الف (کلیات

۶۰ - ادعای امریکن بل مرکب از هزینه های مختلفی است که در نتیجه حوادثی که در قسمتهای پیشین حکم حاضر تشریح گردیده، ایجاد شده است. روش تهیه اسناد هزینه‌های ادعائی فسخ در شهادتنامه ا.ج.جی. پورتن، معاون و ذیحساب امریکن بل در مدت مربوط به این ادعا تشریح و شهادتنامه مزبور همراه با مدارک فراوانی در ۲۵ اکتبر ۱۹۸۴ (سوم آبان ماه ۱۳۶۳) به دیوان تسلیم شده است. طبق اظهار خواهان، مستندات مزبور از " اسناد حسابداری آن زمان که شرکت در جریان عادی کار نگاه می‌داشت، استخراج شده است". لیکن چون " سوابق کامل هزینه‌های فسخ متحمل توسط امریکن بل بالغ برصدها جعبه می شود"، لذا از تسلیم آنها به دیوان خودداری شده است. سه فقره صورتحساب هزینه‌های فسخ که حسب ادعا براساس اسناد حسابداری مذکور در فوق تهیه شده بود، در ابتدا برای ایران ارسال گردید. صورتحسابهای مزبور عبارت بودند از: صورتحساب ۳۰۱ مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ (۴ تیرماه ۱۳۵۸) به مبلغ ۲۴،۴۱۰،۶۹۰ دلار، صورتحساب ۳۰۲ مورخ اول اکتبر ۱۹۷۹ (۹ مهرماه ۱۳۵۸) به مبلغ ۱۳،۸۱۷،۹۸۰ دلار و صورتحساب ۳۰۳ مورخ اول نوامبر ۱۹۷۹ (۱۰ آبانماه ۱۳۵۸) به مبلغ ۲،۷۴۲،۹۵۰ دلار. طبق اظهار خواهان، بعضی هزینه‌ها به طور تخمینی در آخرین صورتحساب (که شامل هزینه‌های متحمل در سپتامبر و اکتبر ۱۹۷۹ می‌گردید) منعکس شده بود و بنابراین مبلغ کل این صورتحساب ها (که در اصل ۴۰،۹۷۱،۶۲۰ دلار بود) به ۳۵،۱۹۹،۳۵۱ دلار تقلیل داده شده است.

۶۱ - خوانندگان اظهار می‌دارند که این صورتحسابها مطابق با بند ۵ پیوست ۳، که باید درمورد صورتحسابهای هزینه‌های فسخ نیز اعمال شود، مدلل نیستند. دیوان تا آنجا که هزینه‌های مورد بحث باید به حد کافی مدلل باشند نشان دهد که واقعا انجام شده است، با خوانندگان موافق است. (۲) بر مبنای توضیحات امریکن بل درمورد روشهای حسابداری خود و همچنین خلاصه شرح هزینه‌ها و سایر اسناد آن موقع که برای تشریح این روشها و اثبات هزینه‌ها تسلیم شده، دیوان متقاعد شده که امریکن بل این هزینه‌ها را متحمل گردیده است.

۶۲ - ایراد اساسی خوانندگان این نیست که امریکن بل هزینه‌های مورد ادعا را متحمل نگردیده، بلکه این است که اسناد تسلیمی خواهان در این دعوی "برای اثبات ادعای امریکن بل کافی نیست... زیرا تنها به مساله تحمل یا عدم تحمل هزینه‌ها ارتباط دارد و به این مسئله که آیا احتساب آنها به عنوان هزینه‌های فسخ صحیح بوده یا خیر، توجهی نشده است". برای حل مساله اخیرالذکر باید به تعریف هزینه‌های فسخ در قرارداد مراجعه کرد. طبق بند ۷ پیوست ۳ قرارداد:

هزینه‌های خاتمه یا فسخ و هزینه خاتمه در پایان (phase out)، حقوق و تمام هزینه‌های لازم برای مراجعت دادن کارمندان پیمانکار به مأموریت دیگری در ایالات متحده امریکا (حداکثر ۳ ماه برای متخصصین و ۵ ماه برای پرسنل پشتیبانی یا پایان مسافرتشان، هر کدام زودتر باشد) بعد از فسخ، خاتمه و یا "هزینه خاتمه در پایان (phase out) و کلیه هزینه‌های دیگر مربوط به تعطیل تمام یا قسمتی از عملیات در ایران و جای دیگر می‌باشد.

(۲) مفاد بند ۵ قرارداد ۱۳۸ که در بندهای ۹۴ و ۹۵ زیر به تفصیل بیشتر تشریح گردیده مستقیما فقط به صورتحسابهای ماهانه‌ای که بابت خدمات و هزینه‌های متحمل طی مدت اجرای قرارداد تسلیم می‌شود، مربوط است.

۶۳ - امریکن بل هزینه‌های خود را به شش دسته عمده تقسیم کرده است: (۱) حقوق کارمندان تا تاریخ بازگشت آنها به شرکت‌های دیگر ای تی اند تی، (۲) هزینه‌های انتقال کارکنان و بستگان آنها به شرکت‌های دیگر ای تی اند تی، (۳) زیانهای متحمل ناشی از تصفیه داراییهای امریکن بل در ایران، (۴) هزینه فسخ اجاره آپارتمانها در ایران، (۵) هزینه دفاتر امریکن بل در ایالات متحده در جریان تعطیل عملیات، و (۶) سایر هزینه‌ها. علاوه بر آن امریکن بل ادعا می کند که وی طبق قرارداد ۱۳۸ حق دارد، کارمزدی معادل ۱۲ درصد این هزینه‌ها را دریافت کند. هریک از این هزینه‌ها بطور جداگانه ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرد.

ب (حقوق کارمندان

۶۴ - امریکن بل جمعا مبلغ ۶،۴۱۳،۰۱۳ دلار بابت حقوقهای کارمندان خود تا استقرار آنها در ماموریت‌های جدید مطالبه می‌کند. این هزینه‌ها براساس حقوق و مزایای استاندارد امریکن بل محاسبه گردیده است. که شامل همان مزایائی است که به کلیه کارمندان "بل سیستم" تعلق می‌گرفت. از آنجا که شرح کار امریکن بل را ملزم می کرد که کارمندان خود برای برنامه "سیک سویچ" را از میان کارمندان بل سیستم انتخاب کند، باید گفت که در قرارداد نیز پرداخت حقوق و مزایای مزبور مورد نظر بوده است. حقوق و مزایای استاندارد شامل حقوق پایه، اضافه کار، فوق العاده خارج از کشور و پاداش تشویقی کارمند، مزایا و سهم (پرداختی کارفرما) به طرح پس انداز طبق طرح پس اندازهای قبلی امریکن بل و فوق العاده هزینه زندگی و پاداش ماموریت طولانی می‌شد.

۶۵ - خواندگان ایرادهای مختلفی به این هزینه‌ها گرفته‌اند. از جمله ایران اظهار می‌دارد که هزینه‌های زیاد بابت حقوق ممکن است مربوط به کارمندانی باشد که قبل از آنکه امریکن بل اسامی آنها را از لیست حقوق حذف کند، ماموریتشان پایان یافته،

اضافه کار تعلق نمی‌گیرد، و فوق‌العاده‌های خارج از کشور و هزینه زندگی بیش از اندازه زیاد است، زیرا اغلب کارمندان طی هفته‌های اول ۱۹۷۹ ایران را ترک کردند و بعد از آن حق نسبت به این فوق‌العاده‌ها نداشتند.

۶۶ - دیوان با توجه به مدارک موجود نتیجه می‌گیرد که این ایرادات قابل تأیید نیست. دیوان براساس شهادتنامه تسلیمی آقای پورتن متقاعد شده که حقوق پرداختی کلاً از آنچه که به کارمندان در صورتی پرداخت می‌شد که خدمت در ایران قبل از موعد خاتمه نمی‌یافت، تجاوز نمی‌کند. اضافه کارها، هزینه‌های مستقیم مربوط به دوره ذریع بوده و بدین‌قرار کاملاً جزو هزینه‌های فسخ محسوب می‌شوند، زیرا اضافه کار از طریق صورتحساب‌های مربوط به نرخهای نفر- ماه قابل وصول نبود. بالاخره، مبالغ پرداختی بابت فوق‌العاده‌های خارج از کشور و هزینه زندگی، هرچند ظاهراً "بالاست، معقول می‌باشد زیرا بسیاری از کارمندان قبل از پایان دوره سه ماهه کار پیدا کردند، در نتیجه رقم حقوق پایه که فوق‌العاده‌ها براساس آن محاسبه شده‌اند پائین آمد، بعلاوه مدارک نشان می‌دهد که این فوق‌العاده‌ها فقط در مدتی که کارمندان استحقاق داشتند، پرداخت شده است.

۶۷ - در نتیجه، دیوان معتقد است که امریکن بل حق دارد مبالغی که بابت حقوق مطالبه کرده منهای ۶/۹ درصد این هزینه‌ها که منتسب به فورس ماژور است، دریافت کند. بدین‌ترتیب امریکن بل حق دارد بطور خالص مبلغ ۵،۹۷۰،۵۱۵ دلار دریافت نماید.

ج) هزینه‌های مربوط به انتقال کارمندان و بستگان آنان به مشاغل دیگر

۶۸ - امریکن بل جمعا مبلغ ۹،۳۶۶،۸۶۹ دلار بابت هزینه انتقال کارمندان خود و بستگان آنها به مشاغل دیگر در ای تی اند تی در ایالات متحده مطالبه می‌کند. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های زیر است: هزینه سفر کارمندان و بستگان آنها، هزینه زندگی

کارکنان و بستگان آنها تا استقرار دائم آنها در محل کار جدید، هزینه حمل و انبارداری اثاثه خانه، هزینه‌های مربوط به فروش خانه‌هایی که در نتیجه تغییر مأموریت صورت گرفته، پرداخت به کارمندان بابت مالیات بر درآمد ایالات متحده که کارمندان می‌بایستی در نتیجه افزایش درآمد به علت پرداخت هزینه انتقال بپردازند، و فوق‌العاده انتقال بابت اقلام متفرقه‌ای که باید جایگزین می‌شد.

۶۹ - دیوان بر اساس شهادتنامه آقای پورتن و مدارک ضمیمه آن متقاعد شده که امریکن بل واقعا این هزینه‌ها را متحمل گردیده و منطبق با خط مشی امریکن بل و ای تی اند تی در مورد انتقال کارکنان از مأموریت‌های خارج از کشور بوده است. دیوان همچنین در این نتیجه‌گیری که قسمت اعظم هزینه‌های انتقال باید به عنوان هزینه‌های فسخ طبقه‌بندی گردد، اشکالی نمی‌یابد. احتمال اینکه وضعی پیش آید که امریکن بل ناچار شود به طور ناگهانی کلیه کارکنان خود را از ایران خارج کند بدون اینکه فرصت مستهلک کردن هزینه‌های مربوط به آنها از محل سودهای آتی داشته باشد، شاید یکی از دلایلی باشد که طرفین ماکزیممی تا میزان ۸۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار برای هزینه‌های فسخ تعیین کرده‌اند. بنابراین، به عنوان یک قاعده کلی، این نوع هزینه انتقال به عنوان هزینه‌های فسخ قابل وصول است.

۷۰ - لیکن، این قاعده، بدون استثناء نیز نمی‌باشد. خواندگان استدلال می‌کنند که هزینه انتقال آن عده از کارمندانی که خدمتشان طی مدت قرارداد منقضی می‌شد در نرخهای نفر-ماه منظور گردیده و حداقل بخشی از هزینه‌های انتقال این افراد از طریق پرداخت صورتحسابهای نفر-ماه در طول عمر قرارداد ۱۳۸ به امریکن بل پرداخت شده است. طبق اظهار خواندگان، گزارش مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ دیماه ۱۳۵۷) امریکن بل در مورد فهرست حقوق بگیران نشان می‌دهد که کارمندانی که مدت خدمتشان به این نحو منقضی می‌شد، بیش از ۱۰ درصد تمامی کارکنان امریکن بل در ایران را تشکیل می‌دادند.

۷۱ - درمورد هزینه‌های انتقال آن عده از کارکنان امریکن بل که مدت خدمتشان درایران قبل از انقضای مدت قرارداد ۱۳۸ خاتمه می‌یافت، دیوان می‌پذیرد که درهرصورت امریکن بل می‌بایست هزینه‌هایی را که از این بابت متحمل می‌شود، از محل پرداختهای نفر- ماه که طبق قرارداد قابل پرداخت بود، جبران کند. باینکه خواهان درجلسه استماع شهادتی ارائه داد حاکی از اینکه این هزینه‌های فسخ قبلا" در نرخهای نفر- ماه منظور نشده، ولی در اظهاریه کتبی قبلی خواهان قید شده که نرخهای نفر - ماه ضمن سایر هزینه‌ها،" کلیه هزینه‌های بالاسری و غیرمستقیم نگاهداری کارکنان درایران و اجرای قرارداد" رانیز شامل می‌شود، و بنابراین، نرخهای مزبور ظاهرا" شامل هزینه‌های انتقال و تعویض پرسنل طی مدت قرارداد نیز می‌گردد. گزارش مورخ ۳۱ نوامبر ۱۹۷۸ (۹ آذرماه ۱۳۵۷) امریکن بل درمورد فهرست حقوق بگیران که خواهان تسلیم نموده، نشان می‌دهد که در هرحال ماموریت قریب به ۷ درصد کارکنان امریکن بل درایران قبل از ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۴ تیرماه ۱۳۵۸) منقضی می‌شد. به عنوان مبنای محاسبه باید بجای گزارش دسامبر ۱۹۷۹ از گزارش اخیر استفاده کرد، زیرا در گزارش ماه دسامبر کاهش کارکنان در چندین مورد ممکن است سبب شده باشد که مدت تقریبی ماموریت با آنچه که در اصل بوده، متفاوت باشد. باتوجه به پرداختهای نفر- ماه (ازجمله پرداختهای مربوط به ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ که دراین حکم منظور شده) که برای ۵/۵ ماه از مدت یکسال قرارداد دریافت شده، دیوان نتیجه می‌گیرد که پرداختهای نفر- ماه مزبور باید ۴۵ درصد هزینه‌های انتقال ۷ درصد پرسنل مذکور در فوق را جبران کرده باشد. چون امریکن بل اظهار نکرده که معادل آن مبلغ را از ادعای خود کسر کرده، دیوان این مقدار را از مبلغ حکم کسر می‌کند.

۷۲ - خواندگان همچنین اظهار می‌دارند که امریکن بل عده زیادی از آتیه‌ای را که به ایالات متحده مراجعت کردند، تحت عنوان مراجعت های "داوطلبانه" و نه "غیرداوطلبانه" طبقه‌بندی کرده و درنتیجه آنها را از طرح پرداخت هزینه‌های انتقال امریکن بل مستثنی

نموده است. ولی همانطور که در بالا نظر داده شد، غیر از ۶/۹ درصد معاودت کلیه کارکنان قابل انتساب به دستورهای کاهش پرسنل است، بنابراین نمی‌توان مراجعت‌ها را واقعا^۹ داوطلبانه تلقی کرد.

۷۳ - در نتیجه، دیوان بابت هزینه‌های انتقال مورد ادعاء، حکمی به مبلغ ۹،۳۶۶،۸۶۹ دلار منهای ۶/۹ درصد مربوط به فورس ماژور به نفع خواهان صادر می‌کند. از مانده، یعنی از مبلغ ۸،۷۲۰،۵۵۵ دلار هم ۳/۱۵ درصد که معادل هزینه‌های انتقال وصول شده از محل پرداختهای نفر-ماه است (۳)، کسر می‌کند. مبلغ خالصی که باقی می‌ماند، ۸،۴۴۵،۸۵۸ دلار است که امریکن بل باید دریافت کند.

د (زیانهای وارده به دارائیهای امریکن بل در ایران

۷۴ - مدارک حاکی است که امریکن بل در جریان کار خود در برنامه "سیک سویچ" دارائیهائی به ارزش بیش از ۱۰ میلیون دلار خریداری کرده که از آنها در انجام وظایف قراردادی خود استفاده می‌کرد. این دارائیه شامل تجهیزات و وسایل شش ساختمان مقر ادارات امریکن بل و مبلمان و اثاثه کامل آپارتمانهای کارمندان آن، اتومبیل، کامیون و سایر وسایل نقلیه که برای آزمایش و بازرسی محلی و منظوره‌های مشابه به کار می‌رفت، و مرکز خصوصی تلفن جهت مکالمات تلفنی اداری، و تجهیزات دیگر بود. امریکن بل اظهار می‌دارد که برگرداندن دارائیهای مزبور به ایالات متحده نه امکان داشت، و نه این کار از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه بود.

(۳) دیوان فرض کرده است که ۷ درصد کسانی که ماموریتشان قبل از ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۵ (۲۴ تیرماه ۱۳۶۴) پایان می‌یافت، ۷ درصد آنها را تشکیل می‌داد که به دلیل فورس ماژور [از ایران] خارج شدند، و نیز ۷ درصد کسانی را که در نتیجه کاهش تعداد کارکنان، ایران را ترک کردند.

۷۵ - امریکن بل سعی کرد قبل از ترک ایران اموال خود را به فروش رساند و به موسسه پراییس واتر هاوس سفارش کرد که مابقی دارائیهای وی را بفروشد. مدارک حاکی است که خواهان با مشکلات زیادی روبرو شده ولی سرانجام موفق گردید که کلیه دارائیهای خود را در ایران به فروش رساند. پس از مستهلک کردن ارزش وسایل به ارزش خالص دفتری آنها در تاریخ فروش، دفاتر امریکن بل مبلغ ۵،۵۲۸،۷۶۶ دلار زیان نشان می دهد. خواهان این هزینه ها را به عنوان هزینه های فسخی که به موجب قرارداد ۱۳۸ قابل پرداخت است، مطالبه می کند.

۷۶ - دیوان متقاعد شده است که امریکن بل واقعا " این هزینه ها را متحمل گردیده است. استدلال مهمتری که ایران در اظهارات خود علیه پرداخت این هزینه اقامه می کند، اینست که هزینه های مزبور در نتیجه انقلاب و اغتشاشات داخلی ایجاد شده است. باتوجه به نتیجه ای که دیوان در بندهای ۵۵ تا ۵۹ فوق گرفته، اگر این هزینه ها منتسب به اوضاع فورس مازور بوده و ارتباطی با دستورهای مربوط به کاهش تعداد کارکنان نداشته باشند، امریکن بل حقی برای دریافت آنها ندارد. برخلاف سایر اقلام هزینه مورد اختلاف، در اینجا براساس درصد پرسنلی که به دو دلیل خاص ایران را ترک کردند، نمی توان خط فاصلی کشید، زیرا این هزینه ها ارتباط مستقیم بخصوصی با پرسنلی که ایران را ترک کردند نداشته، بلکه بطور کلی به فعالیتهای امریکن بل در برنامه "سیک سویچ" مربوط است.

۷۷ - امریکن بل در نتیجه دستورهای مربوط به کاهش تعداد کارکنان ناگزیر شده وسایل خود را به فروش رساند و بدون وجود این دستورها ضرورت نداشته که دارائی های خود را بفروشد. ولی زیانهای که مبنای ادعا را تشکیل می دهند، ذاتا " از آن دستورها ناشی نشده اند، بلکه به نظر می رسد که هم عدم امکان ادعائی امریکن بل در صدور آن وسایل به ایالات متحده (که مورد اعتراض خواندگان است)، و هم مشکلات خاصی که

امریکن بل بنابر شهادتنامه آقای پورتن در بهار ۱۹۷۹ در جریان تعطیل امور خود با آنها مواجه بوده، ارتباط نزدیک با شرایط فورس مازور در ایران داشته است. نتیجتاً، زیانهای مورد اختلاف را باید ناشی از اوضاع فورس مازور دانست تا از دستورهای مربوط به کاهش تعداد کارکنان. بنابراین، دیوان این قسمت از ادعا را رد می کند.

هـ - هزینه فسخ اجاره آپارتمانها در ایران

۷۸ - امریکن بل هزینه دیگری به مبلغ ۱،۳۳۴،۳۲۹ دلار که حسب ادعا از تعطیل عملیات در ایران ناشی شده، مطالبه می کند. این مبلغ هزینه فسخ قراردادهای اجاره آپارتمانهائی است که امریکن بل برای کارکنان خود در ایران اجاره کرده بود.

۷۹ - از اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دیماه ۱۳۵۷) امریکن بل سعی کرد که در اسرع وقت ممکن این اجاره ها را فسخ کند. طبق اظهار خواهان "این امر به علت اوضاع آشفته آن زمان دشوار بود، زیرا بعضی از مالکین کشور را ترک کرده و اغلب آنها هم که در ایران مانده بودند، از قبول پول از یک شرکت امریکائی یا داشتن هرگونه ارتباطی با آن، بیم داشتند". معهذاً، شرکت توانست قبل از ترک ایران اجاره یک سوم آپارتمانها را فسخ کند و پس از ترک کشور ترتیباتی با موسسه حسابداری بین المللی پرایس واتر هاوس برای کمک به فسخ مابقی اجاره ها داد. تقریباً نیمی از هزینه های مورد ادعا از طریق پرایس واتر هاوس ایجاد شده است.

۸۰ - براساس مدارک موجود، دیوان متقاعد گردیده که هزینه های مورد بحث واقعاً تحمل شده، و طبق قرارداد ۱۳۸ هزینه های فسخ محسوب می شوند. لیکن همانطور که خواهان به اوضاع آشفته ایران و مشکلات خاص ناشی از آن اوضاع اشاره کرده، بدیهی است که در مورد این هزینه نیز باید بیش از ۶/۹ درصد کلیه هزینه های متحمل را ناشی

از وضع فورس ماژور دانست. بنابراین، باتوجه به کلیه اوضاع و احوال، دیوان حکمی به مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار بابت این قسمت از ادعا را به نفع خواهان منطقی می‌داند.

و - هزینه دفاتر امریکن بل در ایالات متحده در جریان تعطیل عملیات آن

۸۱ - امریکن بل مبلغ ۵،۶۱۷،۸۱۹ دلار بابت هزینه‌های اداره مرکزی خود در ایالات متحده که مسئول نظارت بر تعطیل عملیات بود، مطالبه می‌کند. طبق اظهار خواهان، کارمندان آن اداره به نقل مکان کارکنان امریکن بل در ایالات متحده، دادن ترتیب حمل ائانه شخصی و رسیدگی به ادعاهای مربوط به مفقود شدن و صدمه دیدن ائانه آنها کمک می‌کردند، کلیه صورتحسابها را می‌پرداختند، و سایر کارهای لازم برای تعطیل عملیات امریکن بل را انجام می‌دادند. هزینه‌های مورد ادعا از اقلامی مانند حقوق پرسنل (که تعداد آنها با تقلیل بقیه کارهای مربوط به خاتمه عملیات کاهش می‌یافت)، هزینه سفر، ملزومات، کرایه ماشینهای اداری، هزینه تلفن، کرایه محل و خدمات نگهبانی، هزینه‌های حقوقی و حسابداری، بیمه، هزینه استهلاک، خدمات کامپیوتری، پست، پیک، مالیات و وسایل طبی و اقلام مشابه آنها، استخراج شده است.

۸۲ - خواندگان به این قسمت از ادعا به این دلیل معترضند که هزینه‌های مورد بحث، حسب ادعا به تعطیل عملیات امریکن بل در ایران ارتباط نداشته بلکه به تعطیل تمامی شرکت مربوط است. خواندگان همچنین اظهار می‌دارند که بعضی از اقلام هزینه‌های مورد ادعا بطور نامعقولی گزاف است.

۸۳ - دیوان ملاحظه می‌کند که چون نقش امریکن بل محدود به برنامه "سیک سویچ" بود، منطقاً کلیه هزینه‌های ناشی از فعالیتهای دفتر امریکن بل در ایالات متحده بعد از خروج کارکنان آن شرکت از ایران را می‌توان به عنوان هزینه‌های فسخ تلقی کرد و بنابراین

در این دعوا، هزینه‌های مزبور به استثنای هزینه‌های مربوط به ۶/۹ درصد پرسنلی که به علت فورس مازور ایران را ترک کردند، قابل وصول می‌باشد.

۸۴ - طبق تفسیر خواندگان هزینه‌های فسخی که طبق قرارداد قابل وصول می‌باشد، محدود به هزینه‌هایی است که مستقیماً به کاهش کارکنان امریکن بل و انتقال آنان مربوط باشد و هزینه‌هایی مانند هزینه‌های ناشی از تعطیل شرکت که در هر حال امریکن بل متحمل می‌شود، جزو هزینه‌های فسخ نیست. به نظر می‌رسد که خواهان با ذکر اینکه "هزینه‌های مطالبه شده ... نه برای برچیدن امریکن بل، بلکه برای تعطیل عملیات در ایران و سایر نقاط مصرف شده"، با این تفسیر کلی خواندگان موافق است. در نتیجه به نظر نمی‌رسد که امریکن بل غیر از هزینه‌های تعطیل عملیات که از طریق اداره مرکزی آن انجام شده، خود را نسبت به هزینه‌های دیگری ذیحق بداند.

۸۵ - باتوجه به مراتب فوق، بعضی از عناصر ادعای خواهان بطور نامتناسبی گزاف به نظر می‌رسد. لذا، بااینکه طبق اظهار خواهان، تنها "تعداد معدودی از کارکنان" دفتر ایالات متحده وی در عملیات تعطیل ... کار می‌کردند (به قول آقای پورتن "گروه کوچکی از کارمندان از جمله شخص اینجانب و کارمندان زیردست من، تعطیل عملیات امریکن بل را هم در ایران و هم در ایالات متحده نظارت می‌کردند") حقوق پایه ده ماهی که به عنوان قسمتی از هزینه‌های مزبور ادعا شده، بالغ بر ۱،۸۹۷،۹۲۴ دلار است. این رقم نشان می‌دهد که نه تنها حقوق "عده معدودی" کارمند بلکه حقوق اغلب کارمندان (که تعدادشان بین ۱۵۲ و ۳۵ نفر بود) که در فاصله بین ژانویه و اکتبر ۱۹۷۹ در آن دفتر کار می‌کردند، نیز در آن منظور شده است. همچنین کل مبلغ ۲۳۵،۲۶۹ دلار مورد مطالبه بابت کرایه محل و خدمات نگهبانی را نمی‌توان منحصرأ به عنوان هزینه‌های تعطیل عملیات در نتیجه کاهش کارکنان پذیرفت. از طرف دیگر، درمورد هزینه بیمه امریکن بل (۴۵۷،۴۴۷ دلار) که آنهم مورد اعتراض خواندگان قرار گرفته، توضیح کافی

داده شده که در نتیجه سنگینی بیمه حمل و نقل بین‌المللی و مسائل شخصی کارکنانش در ۱۹۷۹ بوده است. دیوان همچنین متقاعد شده که هزینه‌های حقوقی و خدمات حسابداری و خدمات سایرین هم معقول بوده و هم می‌توان آنها را به اندازه کافی ناشی از اوضاعی دانست که در نتیجه دستورهای مربوط به کاهش تعداد کارکنان ایجاد شده است.

۸۶ - باتوجه به موارد تردید فوق و این واقعیت که قسمتی از کلیه هزینه‌های مورد ادعا تحت عنوان حاضر در اثر ناشی شدن از وضع فورس مازور قابل وصول نیستند، مع الوصف دیوان نتیجه می‌گیرد که قسمت عمده هزینه‌های مورد ادعای خواهان باید پرداخت شود و دیوان با اعمال نظر منصفانه خود حکمی به مبلغ ۳,۰۰۰,۰۰۰ دلار به نفع امریکن بل صادر می‌کند.

ز - سایر هزینه ها

۸۷ - آخرین فقره هزینه‌های فسخی که امریکن بل ادعا کرده مرکب از چندین قلم مربوط به نقل مکان کارمندان است که در ادعای مذکور در بند (ج) فوق منظور نشده است. این قسمت، هزینه‌های متفرقه درایران را نیز در بر می‌گیرد. این قبیل هزینه‌های دیگر شامل پاره‌ای "هزینه‌های غیرعادی بابت استقرار مجدد"، از قبیل پرداخت مبالغ جزئی و مقطوعی است برای جایگزینی انواع محدودی از اجناس مانند لباس و بستر و لوازم منزل یا اشیای مشابه تا حدود معین، خسارت وارده به وسائل شخصی، هزینه‌های آموزشی لازم برای فرزندان کارکنان در مدت موقت نقل مکان تا شروع ماموریت جدید، و کمک‌های مالیاتی مبتنی بر طرح امریکن بل در مورد جبران زیان مالیاتی کارمندانی که اگر اجازه می‌داشتند ماموریت پیش بینی شده خود درایران را تکمیل کنند، می‌توانستند از مزایای مالیات بر درآمد امریکا استفاده نمایند، انبارداری، بعضی از اثاث منزل، سایر هزینه‌های مربوط به مدیریت خانه‌های استیجاری کارمندان، به اضافه "هزینه‌های

پشتیبانی مستقیم" و سایر هزینه‌هایی که نمایندگان امریکن بل در ایران متحمل شده‌اند. هزینه‌های مورد ادعا بالغ بر ۱۹۶،۱۶۷،۳ دلار می‌شود.

۸۸ - براساس مدارک موجود دیوان متقاعد شده است که امریکن بل این هزینه‌ها را متحمل شده و کلیه این هزینه‌ها به علت خروج کارکنان امریکن بل از ایران بوده است. بنابراین، دیوان حکمی به مبلغ ۲،۹۴۸،۶۵۹ دلار یعنی ۱۹۶،۱۶۷،۳ دلار منهای ۶/۹ درصد مربوط به فورس مازور به نفع خواهان صادر می‌کند.

ح - ۱۲ درصد کارمزد

۸۹ - طبق بند ۱۱ پیوست ۳ قرارداد "۱۲٪ به هزینه‌های واقعی متحمل بوسیله پیمانکار برای انجام بندهای ... ۱-۴ ... بالا اضافه خواهد شد." بند ۴-۱ پیوست ۳ حاوی شرط مربوط به حق امریکن بل نسبت به هزینه‌های فسخ می باشد. خواهان مبلغ ۳،۷۷۱،۳۵۹ دلار که ۱۲ درصد جمع (sub-total) ۳۱،۴۲۷،۹۹۲ دلار ادعای هزینه‌های فسخ است، مطالبه می‌کند.

۹۰ - اگر قرارداد واقعا "فسخ می‌گردید، امریکن بل مسلما" حق داشت ۱۲ درصد کارمزد را دریافت کند. برخلاف سایر مبالغ مورد ادعای مربوط به فسخ، این ۱۲ درصد نماینده عنصر سود است. باینکه در تعیین حق امریکن بل نسبت به هزینه‌های ناشی از کاهش کارکنان، هزینه‌های فسخ به نحوی که در قرارداد ۱۳۸ تعریف شده، برای یافتن یک راه حل منصفانه کمک می‌کند، چنین راه حلی لزوماً شامل ۱۲ درصد حق الزحمه نمی‌شود. بالعکس، دیوان تشخیص می‌دهد که درعین حال که امریکن بل انتظار معقولی داشت که از طریق افزایش نرخ نفر- ماه هزینه‌های متحمل ناشی از کاهش کارکنان را جبران کند، منطقاً نمی‌تواند توقع داشته باشد که در نتیجه آن کاهش سود ببرد.

بنابراین، دیوان ادعای امریکن بل بابت ۱۲ درصد کارمزد را رد می‌کند.

ط - نتیجه گیری

۹۱ - باتوجه به مراتب فوق، دیوان ضمن رد مابقی این قسمت از ادعا، حکمی به مبلغ ۲۱،۰۱۵،۰۳۲ دلار بابت هزینه‌های فسخ به نفع خواهان صادر می‌کند.

ب - خدمات تخصصی عرضه شده در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸

۱ - مقدمه

۹۲ - طبق ماده ۴-۳ قرارداد ۱۳۸:

"...مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار با توجه به تعداد نفرات و مدت کار آنها براساس پیوست های ۳ ، ۵ و ۶ محاسبه خواهدشد."

۹۳ - در قرارداد ۱۳۸، مانند قراردادهای قبل از آن، مقرر شده بود که بابت خدمات تخصصی امریکن بل ماهانه براساس مدت زمانی که پرسنل فنی آن صرف پروژه می‌کردند، حق الزحمه پرداخت شود (رجوع شود به بند ۱۶۳ زیر). جزئیات آن در پیوست ۵ تحت عنوان "مبنای محاسبه قیمت نفر- ماه برحسب سطوح آنها و تعداد نفر- ماهها" تشریح شده است. بنابراین، مدت زمانی که مبنای پرداختها قرار گرفته، به صورت تعداد "نفر- ماه" کار انجام شده ذکر گردیده، یعنی اگر یک نفر متخصص چهار هفته کار می‌کرد، امریکن بل حق داشت به اندازه یک نفر- ماه حق الزحمه دریافت دارد. نرخ قراردادی نفر- ماه از ۱۲،۳۴۵ دلار تا ۱۹،۲۵۱ دلار بود و بستگی به تخصص فنی کارمندی داشت که خدمت را انجام می‌داد. خدمات اداری و دفتری کارمندان قابل مطالبه نبود.

۹۴ - پیوست ۳ «شرایط پرداخت» را معین کرده و بند ۵ آن به شرح زیر است:

کلیه پرداختهای به پیمانکار باید در مقابل صورتحسابهای مدلل ماهانه‌ایکه بوسیله پیمانکار اثبات شده و به تصویب کارفرما رسیده انجام شود. اگر آنها در مدت ۳۰ روز بعد از ارائه به کارفرما توسط کارفرما تصویب نشوند و هیچگونه اعتراضی کتبی موجود نباشد در آنوقت آنها هم باید پرداخت گردند. چنانچه کارفرما کتبا در مورد قسمتی از یک صورتحساب اعتراضی نماید، پیمانکار مجاز است که یک صورتحساب جدید شامل قسمتهائیکه مورد تصویب قرار می‌گیرد تهیه نموده و آنرا به کارفرما تسلیم نماید. سپس طرفین قلم (اقدام) تصویب نشده را برطبق ماده ۱۲ پائین، مذاکره خواهند کرد.

۹۵ - بنابراین، اگر ایران ظرف ۳۰ روز پس از ارائه صورتحساب ماهانه اعتراض نمی‌کرد، باید وجه صورتحساب را می‌پرداخت و اگر صورتحساب را پرداخت یا تصویب نمی‌کرد، اختلافات مربوط به آن باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ عدم تصویب حل می‌شد. در صورتی که ظرف مدت مقرر توافق حاصل نمی‌گردید، امریکن بل طبق بند ۱۲ پیوست ۳ حق داشت قرارداد را طبق ماده ۱۸ فسخ کند (مقایسه شود با پاراگراف ۴۲ فوق).

۹۶ - ولی، اگر ایران صورتحساب را می‌پرداخت، لازم بود که طبق بند ۱۳ پیوست ۳ جریانات دیگری به شرح زیر رعایت گردد:

ممیزین کارفرما که یک موسسه مورد قبول و بین‌المللی خواهند بود مجاز خواهند بود، به سوابق پیمانکار که برای تشخیص (۱) تعداد، مدت کار نفر-ماه، level و مخارج مندرج در صورتحسابهای پیمانکار برای تعیین اینکه این مخارج صحیح بوده و طبق روشهای مصوبه AT & T می‌باشد و (۲) صورتحسابهای تدارک کنندگان برای اقدامی که صورتحساب آن به کارفرما داده شده دسترسی داشته باشند. نماینده کارفرما در ایران تعداد، مدت کار، سطح نفر-ماه ها و صورتحسابهای تدارک کننده برای اقدام صورتحساب داده شده تحت پاراگراف های ۱-۲ و ۱-۳ بالا را رسیدگی خواهد کرد به نمایندگان/ممیزین کارفرما در تمام اوقات مناسب در هر محلی که سوابق نگهداری می‌شوند، اجازه دسترسی داده خواهد شد. تأیید یا عدم تأیید در مدت ۶ ماه بعد از پرداخت هر صورتحساب پیمانکار انجام خواهد شد. چنانچه این نفر-ماه ها و هزینه‌ها در آن مدت مردود نشوند، صورتحسابهای مربوطه، نهائی

و قبول شده تلقی می شوند. چنانچه نمایندگان/ممیزین هریک از صورتحسابهای پرداخت شده و یا پرداخت نشده را تصویب ننمایند، کارفرما حق خواهد داشت پرداخت صورتحسابها را اجازه نداده، یا به تعویق بیاندازد یا کم کند.

۹۷ - هر چند در بند ۱۳ تأیید صورتحساب "ظرف ۶ ماه بعد از پرداخت هر صورتحساب پیمانکار" پیش بینی شده (خط تأکید اضافه شد)، معذک به رغم اظهارات خواندگان، آن را نمی توان به این معنی تفسیر کرد که اگر ایران صرفاً از پرداخت صورتحساب خودداری کند، صورتحساب تا ختم دعوی احتمالی نهائی نمی شود. هر نظری غیر از نظر مزبور به این معنی است که عدم پرداخت ناموجه یک صورتحساب مدلل می تواند قطعیت صورتحساب را الی غیرالنهاییه به تعویق اندازد. به نظر دیوان تفسیر منطقی تر این است که در مواردی که صورتحساب طبق بند ۵ پیوست ۳ اثبات گردید یا در مواردی که ظرف ۳۰ روز مورد اعتراض واقع نشد، کارفرما موظف است صورتحساب را بطور مشروط پرداخت نماید. شش ماه مدت تأیید از روزی که چنین وظیفه ای ایجاد می شود، آغاز می گردد، و اگر کارفرما روش تأیید صورتحساب را به کار نبندد، صورتحساب "بطور نهائی قبول شده" است.

۹۸ - در قرارداد ۱۳۸ آنچه که برای "اثبات" یک صورتحساب ضروری است، تعریف نشده است. ولی شهادتنامه آقای پورتن، معاون و ذیحساب امریکن بل مشعر براین است که در مراحل اولیه قرارداد ۱۱۸، مقامات سازمان ارتباطات و الکترونیک و امریکن بل برای تعیین روشهای مشخص تسلیم و تأیید و پرداخت صورتحسابها با یکدیگر ملاقات کردند. طبق اظهار آقای پورتن در آن موقع بر سر تسلیم چندین گزارش به عنوان اسناد تأییدی صورتحسابها بین طرفین توافق به عمل آمد. این اسناد شامل اقلام زیر بود:

۱) "گزارش ماهانه حقوق بگیران" با ذکر اطلاعات مربوط به کلیه کارکنان امریکن بل که طبق قرارداد به کارشان در دوره مشمول صورتحساب حق الزحمه تعلق می گرفت،

۲) برگ های حضور و غیاب یعنی "حضور و شرح ماموریت های کارمندان رسمی امریکن بل در هر پانزده روز" که افراد دوبار در ماه تکمیل می کردند و تمام اوقاتی را که کارمندان امریکن بل صرف قرارداد کرده بودند، صورت می دادند،

۳) "گزارش اطلاعات مربوط به پرسنل و غیبت" حاوی خلاصه ای از اطلاعات مربوط به تعداد کارکنان امریکن بل در ایران و تعداد روزهای غیبت آنان،

۴) "گزارش کمک دریافتی از سایر شرکتهای بل سیستم"، حاوی اطلاعاتی در مورد پرسنل سایر شرکتهای بل سیستم که طبق قرارداد طی دوره مشمول صورتحساب خدمت می کردند،

۵) "گزارش انتقال به یا از پروژه های دیگر" حاوی اطلاعات مربوط به وقتی که پرسنل فنی امریکن بل صرف فعالیتهای غیرمشمول صورتحساب در مدت ذیربط می کردند،

۶) "گزارش شماره کار" حاوی اطلاعاتی در مورد کار مشخصی که کارمندان انجام داده و در برگهای ساعات کار خود درج می کردند،

۷) "گزارش های مراجعت کارمندان" حاوی تاریخ قطع حقوق کارمندانی که طی ماه مشمول صورتحساب به ایالات متحده مراجعت می کردند.

۹۹ - خوانندگان وجود هرگونه موافقتنامه ای را دائر براین که تسلیم این مدارک طبق قرارداد ۱۳۸، درحکم اثبات صورتحسابها محسوب می شود، تکذیب می کنند. شهادتنامه سپهبد توکلی که مدیریت قرارداد ۱۳۸ برعهده وی بود، موید موضع خوانندگان است. نامبرده در شهادتنامه خود اظهار می دارد که "غیر از شرایط مندرج در قرارداد، وجود موافقتنامه یا تفاهم نامه هائی" را "به خاطر" نمی آورد.

۱۰۰ - علیرغم این شهادت، بحثی نیست که سازمان ارتباطات و الکترونیک منظمآ تا پایان اکتبر ۱۹۷۸، صورتحسابهای ماهانه امریکن بل را بر مبنای مدلل بودن می پرداخت، و این روش حداقل چیزی بیش از توافق ادعائی خواهان در این زمینه را در بر نمی گرفت. این رفتار قویآ حاکی است که حداقل تا آخر اکتبر ۱۹۷۸ در مورد کفایت ارائه اسناد و

مدارک، تفاهم متقابلی وجود داشته است. مضافاً، باینکه چنین تفاهمی ضرورتاً مانع از آن نمی‌شد که کارفرما مدارک مثبت بیشتری که منطقاً در نتیجه شرایط متغیر لازم می‌شد، مطالبه نکند، علی‌هذا، در قرارداد ۱۳۸ حدودی برای خواستهائی از آن نوع تعیین شده بود. اولاً، طبق بند ۱۳ پیوست ۳ فرض براین بود که صورتحسابهای امریکن بل باید "دقیق و مطابق با روشهای مصوب ای تی اند تی" باشد. در اینکه اسناد صورتحسابهای مورد بحث با روشهای امریکن بل که از روشهای استاندارد ای تی اند تی اقتباس شده، منطبق بوده، اختلافی نیست. ثانیاً، چون امریکن بل حق داشت بابت خدمات خود بر اساس نفر- ماه حق الزحمه دریافت کند، و چون موظف بود خدمات مشاوره‌ای انجام دهد (رجوع شود به بند ۱۶۳ زیر)، برخلاف استدلال خواندگان، امریکن بل ملزم نبود که بعنوان شرط پرداخت صورتحسابهای ماهانه خود گزارشهای در مورد پیشرفت واقعی برنامه "سیک سویچ" تسلیم کند. کافی بود امریکن بل اثبات کند که نفر- ماههای صورتحساب شده واقعا طی مدت ذریبط صرف خدمات مشاوره‌ای شده است. در مورد اینکه آیا امریکن بل به وظیفه خود درمورد خدمات مشاوره‌ای ارائه شده در ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ عمل کرده یا خیر، در دو قسمت زیر بحث می‌شود.

۲ - صورتحساب شماره ۲۲۰ بابت نوامبر ۱۹۷۸

۱۰۱ - در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۵ آذرماه ۱۳۵۷) امریکن بل "صورتحساب ۲۲۰" را بابت خدمات ماه نوامبر ۱۹۷۸ تسلیم و طی آن تقاضا کرد که مبلغ خالص ۱۰،۴۹۶،۲۲۷ دلار بابت ۸۷۵/۳ نفر- ماه خدمات ارائه شده در ماه نوامبر پرداخت گردد. چهار روز بعد، در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۹ آذرماه ۱۳۵۷) امریکن بل گزارش فهرست اسامی حقوق بگیران، برگهای ساعات کار و سایر اسنادی را که طرفین قبلاً برای اثبات و تأیید صورتحسابها به کار می‌بردند، تحویل داد.

۱۰۲ - ایران استدلال می کند که ملزم نیست که بابت خدمات انجام شده در نوامبر ۱۹۷۸ وجهی بپردازد. بحث اصلی وی این است که ایرادات درستی به کفایت مدارک مثبت صورت حساب امریکن بل گرفته است.

۱۰۳ - مدارک نشان می دهد که ایران در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۹ آذرماه ۱۳۵۷) یعنی ظرف سی روز مهلت مقرر در قرارداد به صورت حساب نوامبر ۱۹۷۸ ایراداتی گرفته است. دو مورد خاص از ایرادات، یعنی ایرادات (۱) و (۴) زیر در ملاقاتی که در همان تاریخ بین سپهبد توکلی، رئیس سازمان ارتباطات و الکترونیک، و آقای اچ. ال. جوردن، نماینده امریکن بل در امور قرارداد، صورت گرفت، مطرح شد، و دو ایراد دیگر، یعنی ایرادات (۲) و (۳) زیر، طی یادداشت سپهبد توکلی که آن نیز به همان تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۹ آذرماه ۱۳۵۷) بود، عنوان گردید. این ایرادات به شرح زیر بودند:

- (۱) اسامی افرادی که در مرخصی موقت بوده اند تسلیم نشده بود.
- (۲) اسناد درخواستی شرکت مخابرات در مورد حضور، مأموریت ها، سفر و مرخصی پرسنل ارائه نگردیده بود.
- (۳) باینکه عده ای از کارمندان فنی در ماه نوامبر ایران را ترک کرده بودند، جمع صورت حساب ۸ نفر - ماه بیشتر از ماه اکتبر بود.
- (۴) پرسنلی که طی آن ماه به مرخصی رفته بودند، قبلاً اقدام به اخذ تأیید کتبی شرکت مخابرات نکرده، و لذا مرخصی ها طبق قرارداد به نحو مقتضی هماهنگ نگردیده بود.

۱۰۴ - در مورد دو استدلال اول، در همان روزی که ایرادات سازمان ارتباطات ابراز شد، امریکن بل اطلاعات لازم را تسلیم نمود. امریکن بل هفت فقره سند که در قسمت قبل تشریح شد، تحویل داد. در این اسناد علاوه بر مطالب دیگر، اسم هر کارمندی که بابت نامبرده طبق قرارداد صورت حساب داده شده بود، تاریخ شروع ارسال صورت حساب بابت

خدمات آن کارمند به ایران، شماره کار (یعنی وظیفه‌ای که طبق شرح کار) کارمند طی دوره صورتحساب مامور انجام آن بوده، تعداد روزهای غیبت یا مرخصی هریک از کارمندان طی مدت قرارداد، نرخ که مطابق آن حق الزحمه هر کارمند باید در صورتحساب منظور می‌شد، گزارش انتقال کارمندان به پروژه‌های غیرمشمول صورتحساب و خلاصه‌ای از مدت زمانی که باید بابت کارمندی که طی مدت صورتحساب به فهرست اسامی حقوق بگیران اضافه و یا از آن حذف شده بودند، درج گردیده بود. این اطلاعات برای تأیید غیبت‌ها و اثبات مبلغ مندرج در صورتحسابی که در ماه نوامبر برای امریکن بل ارسال شده بود، کافی بود. در شهادتنامه آقای پورتن، امریکن بل نحوه محاسبات مبالغ مندرج در صورتحساب نوامبر را به تفصیل ذکر کرده است. بنابراین ایرادات مورد بحث برای امتناع از پرداخت کافی نبود.

۱۰۵ - در مورد ایراد مربوط به اختلاف ظاهری هشت نفر- ماه، خواهان توضیحات کافی داده است. افزایش در نفر - ماه ناشی از سه عامل ذیل بوده است: (۱) درماه نوامبر باموافقت قبلی سازمان ارتباطات و الکترونیک هفت کارمند جدید به عده "حقوق بگیران" اضافه شدند، (۲) طبق پیوست ۶ قرارداد ۱۳۸ بابت ایام مرخصی استحقاقی استفاده نشده کارمندی که در ماه نوامبر ایران را ترک کردند، در همان ماه صورتحساب ارسال گردید، (۳) خدمات مشمول صورتحساب سایر کارمندان بل سیستم در ماه نوامبر نسبت به رقم مشابه آن در ماه اکتبر بیشتر بود. اطلاعات کافی برای تأیید این تغییرات به ایران تسلیم گردید، لذا استدلال حاضر برای توجیه عدم پرداخت صورتحساب کافی نیست.

۱۰۶ - آنچه که باقی می ماند، عبارت از ایراد به "عدم هم آهنگی" ادعائی مرخصی ها است. طبق بند ه- پیوست ۶ قرارداد ۱۳۸:

" به منظور جلوگیری از هرگونه لطمه‌ای به پیشرفت پروژه، زمان مرخصی باید با شرکت مخابرات ایران هماهنگ گردد."

۱۰۷ - همانطوریکه در بندهای ۲۴ تا ۲۷ فوق مشاهده گردید، در پائیز ۱۹۷۸ طرفین درباره تفسیر مفاد بند فوق، دائماً باهم اختلاف داشتند. امریکن بل تقاضای شرکت مخابرات را دائر بر کسب موافقت قبلی آن شرکت در مورد هرگونه غیبت پیش بینی شده، به دلیل آنکه از حدود قرارداد تجاوز می کرد، رد نمود. باوجود آنکه واضح است که طی دوره قرارداد ۱۱۸ و در ابتدای قرارداد ۱۳۸ کسب موافقت قبلی لازم نبود، باینحال تقاضای شرکت مخابرات الزاماً غیرموجه نبود. بسته به احتیاجات متحول پروژه، معنی "هماهنگی" می توانست هرچیزی بین اطلاع بعد از انجام عمل و کسب اجازه قبلی باشد، و احتمالاً تجربیات حاصله درحین کار و اوضاع و احوال متغیر نیز می توانست تغییر در تفسیر شرط مربوط به هماهنگی را توجیه نماید. بنابراین، تفسیر شرکت مخابرات را به صرف عدم انطباق آن با بند ۶ پیوست نمی توان کاملاً رد کرد.

۱۰۸ - با اینحال، حتی اگر "هماهنگی" مستلزم موافقت قبلی بوده، بازهم قصور در هم آهنگی طبق شرط فوق را نمی توان دلیل کافی برای عدم پرداخت تلقی نمود. طبق پیوست ۶، احتساب ایام مرخصی در تعداد نفر - ماهی که بموجب قرارداد بابت آن صورتحساب تهیه می شد، تا حدود تعیین شده مجاز بود. (۴) همانطوریکه در بخش قبل خاطرنشان گردید "اثبات" طبق بند ۵ پیوست ۳، بمعنای اثبات تعداد نفر - ماه خدمات انجام شده، می باشد. کسب موافقت قبلی درمورد مرخصی ها برای اثبات صورتحساب در این مورد یا اجتناب از اضافه پرداخت، لازم نیست. برگهای ساعات کار کلیه کارمندان برای ماه مشمول صورتحساب، دراختیار ایران قرارداده شده بود. چنانچه ایران از این جهت نگرانی داشت که غیبت هایی که به آنها حق الزحمه تعلق نمی گرفت، در نفر- ماه منظور گردیده، می توانست روزهای غیبت هرکارمند را که در برگهای ساعات کار وی منعکس بوده، کنترل و صحت و سقم مبلغ مندرج در صورتحساب را معلوم نماید. صرفنظر

(۴) در خصوص ادعاهای متقابل براساس غیبت غیرمجاز ادعائی، رجوع شود به بندهای ۱۸۸ تا ۱۹۱ زیر.

از پی آمدهای دیگری که ممکن بود برعدم هم آهنگی مرخصی ها مترتب باشد، نمی توانست مبنائی برای عدم پرداخت قرار گیرد، زیرا اسناد و مدارک لازم جهت حصول اطمینان از اینکه آیا طبق ماده ۳-۴ تعداد نفرات و مدت کار آنها براساس پیوستهای ۵،۳ و ۶ در صورتحسابها منعکس شده بود یا خیر، در اختیار ایران بود.

۱۰۹ - بنابراین، چهار ایرادی که ایران در آن زمان در مورد عدم پرداخت صورتحساب مطرح کرد، موجه نبود. بنظر می رسد که خواندگان اکنون به این امر معترف باشند، زیرا اظهار می دارند اگر امریکن بل می توانست ثابت کند که پرسنل آن شرکت "در ماه نوامبر عملاً" در سرکار حضور داشته و انجام وظیفه می کردند..." سازمان ارتباطات و الکترونیک آماده بود در دسامبر ۱۹۷۸ حق الزحمه مندرج در صورتحساب را پرداخت نماید. این نظر مبتنی بر دستوری است که سازمان ارتباطات و الکترونیک در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۹ آذرماه ۱۳۵۷) به امریکن بل داده وضمن آن از شرکت مزبور خواسته بود که: "در این مورد مجدداً" بررسی و صورتحساب مورد نظر را بر مبنای تعدادی که عملاً" در ایران مشغول انجام وظیفه بوده اند، تهیه و همراه با مدارک مورد نیاز شرکت مخابرات ایران برای بررسی و تأیید صورتحساب به شرکت مخابرات تحویل نمایند تا پس از تأیید شرکت مخابرات در مورد پرداخت آن اقدام گردد".

۱۱۰ - مدارک نشان می دهد که امریکن بل در واقع طبق این تقاضا عمل کرد. بعد از رد صورتحساب نوامبر، نمایندگان امریکن بل و مقامات شرکت مخابرات چندین جلسه درباره این موضوع تشکیل دادند. امریکن بل در نامه مورخ ۱۳ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۳ دیماه ۱۳۵۷) به سازمان ارتباطات و الکترونیک متذکر شد که اطلاعات مورد درخواست تهیه شده ولی اظهار داشت که تسلیم صورتحساب جدیدی لازم نیست، زیرا صورتحساب اول صحیح بوده است. در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۴ دیماه ۱۳۵۷) سازمان ارتباطات و الکترونیک وصول نامه فوق را اعلام و از شرکت مخابرات خواست نظر خود را درباره قابل

پرداخت بودن یا نبودن آن اعلام کند. در ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۷ دیماه ۱۳۵۷) سپهبد توکلی نامه‌ای به عنوان شرکت مخابرات نگاشته و در آن مشخصاً به صورتحساب ماه نوامبر اشاره کرد، و شرکت مخابرات مجدداً دستور یافت آن قسمت از صورتحساب را که هنوز مورد اختلاف می‌باشد و نباید تصویب شود، مشخص نماید. در همان نامه از شرکت مخابرات خواسته شد که موارد اختلاف را به امریکن بل اطلاع دهد. امریکن بل هیچگونه اخطار یا ایراد دیگری دریافت نکرد.

۱۱۱ - دیوان نتیجه می‌گیرد که امریکن بل هم صورتحساب‌ها را بنحو مقرر اثبات کرده و هم به ایرادات ایران باندازه کافی پاسخ گفته است. چون ایراد دیگری مطرح نشده، خواندگان از اقامه ایرادات جدید در جریان رسیدگی حاضر منع می‌شوند. دیوان در قرار اعدادی (بند ۳ فوق، صفحات ۲۷ و ۲۸ مآخذ مذکور در آن بند) مقرر داشت:

خواندگان، به موجب شرط ۳۰ روز مهلت مقرر در بند ۵ پیوست ۳ قراردادهای شماره ۱۱۸ و ۱۳۸، از طرح اعتراض در رابطه با صورتحسابهای تسلیمی امریکن بل به شرکت مخابرات، در صورتیکه ظرف ۳۰ روز مهلت یاد شده اقدام به اینکار نکرده باشند، ممنوع‌اند، مگر در صورت وجود ادله و مدارکی دال بر اوضاع و احوالی که بتواند عذر معتبر و قانونی برای عدم رعایت این شرط باشد. لیکن شرط مورد بحث خواندگان را از حق ادعای نواقص در کار امریکن بل از طریق طرح دعوای متقابل محروم نمی‌سازد.

۱۱۲ - وقتی که امریکن بل صورتحساب را اثبات نمود و ایراد دیگری بر آن گرفته نشد، صورتحساب قابل پرداخت گردید، و بعد از آنکه ایران از روش ممیزی مندرج در بند ۱۳ پیوست ۳ استفاده نکرد، صورتحساب به صورت نهائی و غیرقابل برگشت درآمد. تعیین تاریخ دقیق وقوع این امر ضرورتی ندارد، زیرا دیوان بدون هیچگونه اشکالی نتیجه می‌گیرد که این امر قبل از ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۸) یعنی روزی اتفاق افتاده که امریکن بل از آن روز بابت ادعای حاضر مطالبه بهره می‌نماید.

۱۱۳ - بنابه مراتب فوق، دیوان براین نظر است که خواهان حق دارد بابت خدمات انجام شده در ماه نوامبر ۱۹۷۹ حق الزحمه‌ای به میزان مندرج در صورتحساب شماره ۲۲۰ دریافت نماید. از مبلغ خالص ۱۰،۴۹۶،۲۲۷ دلار، بیست درصد پیش پرداختی ایران به موجب قرارداد ۱۳۸ کسر شده است. در ماه ژوئیه ۱۹۷۹ ایران ضمانت نامه بانکی و اعتبار اسنادی مربوط به آن را مطالبه نمود که امریکن بل به منظور تضمین اعاده قسمتی از پیش پرداخت که در قبال آن کاری انجام نگرفته بود، افتتاح کرده بود، و بدین ترتیب ایران پیش پرداخت ماه نوامبر (و دسامبر) ۱۹۷۸ را وصول کرد. چون عدم پرداخت به هیچوجه قابل توجیه نیست، لذا امریکن بل حق دارد تمام مبلغ منجمله قسمتی را که در ابتدا بابت پیش پرداخت کسر شده بود، دریافت نماید. بنابراین امریکن بل حق دارد مبلغ صورتحساب را بدون کم و کاست که ۱۳،۱۲۰،۲۸۴ دلار است، دریافت دارد.

۳ - صورتحساب شماره ۲۲۱ بابت ماه دسامبر ۱۹۷۸

۱۱۴ - در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۴ دیماه ۱۳۵۷) امریکن بل بابت خدمات حرفه‌ای که در ماه دسامبر ۱۹۷۸ انجام داده بود، صورتحساب شماره ۲۲۱ خود را تسلیم نمود. در صورتحساب درخواست شده بود که مبلغ خالص ۱۰،۳۱۹،۶۴۳ دلار بابت ۸۶۰/۷ نفر - ماه خدمت که ۲۰ درصد پیش پرداخت نیز از آن کسر شده است، پرداخت گردد. بنا به دلائل مذکور در بند ۱۱۳ فوق، امریکن بل تمام مبلغ صورتحساب را مطالبه می نماید، بنابراین طی رسیدگی حاضر، خواستار پرداخت کل مبلغ ۱۲،۸۹۹،۵۵۴ دلار است.

۱۱۵ - خواندگان می‌کوشند براساس ایراداتی که حسب ادعا اندکی بعد از تسلیم صورتحساب مطرح ساخته‌اند، عدم پرداخت را توجیه نمایند. ایران اضافه می‌نماید که چون در هر حال صورتحساب مورد بحث بنحو صحیحی اثبات نشده بود، لذا برای غیرقابل پرداخت

شدن صورتحساب لازم نبود ایرادی گرفته شود.

۱۱۶ - بنظر دیوان اینکه آیا مکاتبه مورد اشاره خواندگان واقعا در حکم "ایرادات" مقارن با صورتحساب ماه دسامبر بودیا خیر، محل تردید است. برخلاف ایرادات مطروح در مورد صورتحساب ۲۲۰، ایرادات ادعائی نسبت به صورتحساب ۲۲۱، از صورتحساب مورد بحث ذکر خاصی نکرده، بلکه متضمن ادعاها و انتقادات کلی تری بوده است. ولی حل این مسئله مهم نیست زیرا به نظر دیوان طریق دیگر استدلال خواندگان تا حدی واجد ارزش است.

۱۱۷ - خواهان اعتراف می کند که اسناد عادی موید که بطور متعارف قبلا ظرف چند روز داده می شد، تسلیم نگردید. خواهان در توضیح عدم تسلیم اسناد موید به مشکلات مربوط به ترتیب دادن حمل و نقل و تحویل اسناد، که از ناآرامیهای داخلی حاکم بر ایران ناشی می شد، اشاره می کند. سرانجام اسناد موید همراه با لایحه استماع خواهان طی رسیدگیهای حاضر در ۲۵ اکتبر ۱۹۸۴ (۳ آبان ماه ۱۳۶۳) تسلیم گردید.

۱۱۸ - همانطوریکه فوقا در بندهای ۹۸ تا ۱۰۰ بحث شد، یک شرط اساسی برای قابل پرداخت بودن صورتحسابهای ماهانه، اثبات قبلی آنها به ترتیبی بود که در بند ۵ پیوست ۳ مقرر شده است. دیوان نظر داده که طبق توافق موجود بین طرفین حداقل اسناد لازم چنین تائیدی، اسنادی بوده که در بند ۹۸ فوق، ذکر شده است. دیوان می پذیرد که به علت وضع فورس ماژور در ایران امریکن بل از تسلیم اسناد بطریق عادی در ژانویه ۱۹۷۹ معذور بوده است. ولی وجود وضع فورس ماژور امریکن بل را برای مدت نامحدود معذور نمی داشت، و موجب هم نمی شد که صورتحساب بدون تائید متعارف قابل پرداخت گردد. علاوه براین، قصور ایران در پرداخت صورتحساب ماه نوامبر (که شاید حاکی از این بوده که صورتحساب ماه دسامبر نیز پرداخت نخواهدشد) امریکن بل را از

ایفای وظائف قراردادی خود در اثبات صورتحساب معاف نمی‌کرد. بالاخره، این امر که ایران ظرف ۳۰ روز بعد از تسلیم صورتحساب ۲۲۱ به عدم اثبات آن اعتراضی نکرده، نمی‌تواند تاثیری در اعتبار بخشیدن به صورتحساب داشته باشد. هرچند روشن است که ایران علی‌القاعده می‌بایست به صورتحسابی که بزعم وی کاملاً اثبات نشده، اعتراض کند، ولی بنظر دیوان در مورد صورتحسابی که طبق اقرار صریح خواهان، بصورتی که در مراودات طرفین معمول بوده، اثبات نگردیده، چنین وظیفه‌ای نمی‌توانست وجود داشته باشد. بنابراین باوجود اینکه تعهد اصلی پابرجا بود، ولی صورتحساب شماره ۲۲۱ تا قبل از اواخر سال ۱۹۸۴ که سرانجام اسناد موئید آن تسلیم شد، کاملاً قابل پرداخت نبود.

۱۱۹ - دیوان متقاعد شده که این اسناد همراه با توضیحات و سوگندنامه‌های خواهان، ثابت می‌کند که صورتحساب ۲۲۱ در واقع طبق ضوابطی که در دوره قرارداد اعمال می‌گردیده، تهیه شده و لذا درحکم تأییدی می‌باشد که در بند ۵ پیوست ۳ مقرر شده است. ممکن است در طرز اعمال شروط قرارداد مربوط به ایراد و تأیید (بندهای ۵ و ۱۳ پیوست ۵) صورتحسابی که تا مرحله دادخواهی یا داوری به اثبات نرسیده است، جای بحث باشد ولی چون دیوان براین نظر است که دلیلی برای ایراد واقعی وجود ندارد و از آنجا که ظرف مدت مقرر (۵) در بند ۱۳ پیوست ۳ درخواست اعمال روش ممیزی پیش بینی شده در آن بنده عمل نیامده است، لذا صورتحساب مزبور نهائی و قابل پرداخت شده است.

(۵) در پاسخ شرکت مخابرات به لایحه استماع خواهان که در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۸۵ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۶۴) به ثبت رسیده، یعنی حداقل بیش از ۸ ماه پس از آنکه صورتحساب ۲۲۱ قابل پرداخت شده، خوانندگان به استناد بند ۱۳ تقاضای حسابرسی نمودند. در مورد این تقاضا در بندهای ۱۹۴ تا ۱۹۶ ذیل، بحث بیشتری بعمل آمده است.

۱۲۰ - دیوان براین عقیده است که امریکن بل حق دارد بابت خدمات مندرج در صورتحساب دسامبر ۱۹۷۸ حق الزحمه دریافت نماید. چنانچه در بخش پیش بحث شد، چون ایران پیش پرداختی را که قبلاً از صورتحساب کسر شده بود، دریافت نموده، لذا حکم به پرداخت کل مبلغ ۱۲،۸۹۹،۵۵۴ دلار صادر می‌گردد. مبلغ فوق طبق بند ۵ پیوست ۳ قرارداد ۱۳۸ در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۴ (۴ آذرماه ۱۳۶۳)، یعنی ۳۰ روز پس از آنکه صورتحساب به اثبات رسید، قابل پرداخت تلقی می‌شود.

ج - صورتحسابهای خرید

۱ - روش خرید

۱۲۱ - طبق بند ۲۵ ماده ۲ قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸:

خرید کلیه وسائط نقلیه و هرنوع تجهیزات و وسائل دیگری که پیمانکار موافقت نموده است که جهت اجرای این قرارداد برای کارفرما خریداری نماید، باید به کارفرما ارجاع گردد. در صورتیکه کارفرما مایل باشد آنها را خریداری می‌نماید و قیمت این اقلام به پیمانکار پرداخت نخواهد شد.

پیمانکار باید برنامه تهیه این اقلام را حداقل سه ماه قبل از تاریخ مورد نیاز به کارفرما تحویل نماید. استثناء در مورد این روش باید برای کارفرما اثبات شود.

۱۲۲ - بنابراین، به موجب قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸ یکی از وظائف امریکن بل این بوده که درمورد خرید تجهیزات و وسائل و خدمات تخصصی مهندسی که برای اجرای قراردادها لازم بوده، به عنوان کارگزار ایران عمل کند. قراربود حق الزحمه امریکن بل بابت خدمات خرید مستقل از نرخ نفر - ماه پرداخت گردد. طبق پیوست ۳ قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸ امریکن بل حق داشت "مخارج مربوط به حمل و نقل در امریکا تا ورود به انبار، بسته بندی جهت صادرات، مخارج انبارداری، مخارج اجازه نامه و درخواست آن، حمل به ایران، مخارج انجام سفارش و ارسال و تحویل در ایران..." را دریافت نماید.

علاوه بر این، امریکن بل حق داشت، کارمزدی به میزان ۱۲ درصد دریافت کند.

۱۲۳ - طبق قراردادهای امریکن بل حق داشت فقط بابت خریدهای مجاز وجه دریافت نماید. طبق بند ۵ پیوست ۳ صورتحسابهای "مدل" قابل ارائه و ایران مکلف بود، ابتدا آنها را بررسی و در صورت لزوم اعتراض کند. شروط فوق شامل صورتحسابهای مربوط به اجناس خریداری شده و هم صورتحسابهای مربوط به خدمات حرفه‌ای می شد. همچنانکه در مورد صورتحسابهای مربوط به خدمات ماهانه، شرط مربوط به اثبات در قراردادهای تعریف نشده بود، روش خرید مورد نظر در بند ۲۵ ماده ۲ نیز در قراردادهای مزبور تصریح نگردیده و فقط (در بند ۳ پیوست ۳) مقرر شده بود که "مجوز پیمانکار برای تهیه اقلام (خریداری شده)... بر مبنای تصویب توصیه‌های پیمانکار توسط کارفرما خواهد بود". ولی علیرغم این قبیل ابهامات قراردادی، طرفین در عمل از روش مشخصی پیروی می‌کردند که درباره محتوای اصلی آن اختلافی وجود ندارد. روش فوق برضابطه خرید مورد عمل بل سیستمز مبتنی بود، که ویژگیهای مهم آن را می‌توان به سهولت خلاصه نمود.

۱۲۴ - مرحله خرید از زمانی شروع می شد که امریکن بل فرمی به اسم اجازه سفارش ("ATO") تهیه می‌کرد. در این فرم شرح جنسی که باید خریداری شود، هزینه‌های تخمینی حمل، تحویل و سایر مخارج مربوط به خرید آن جنس، ذکر می‌شد. امریکن بل پس از تهیه اجازه برای سفارش، اول مشخص می‌نمود که آیا جنس مزبور از منابع ایرانی قابل تهیه است یا خیر. در هر حال صرفنظر از منبع تهیه جنس، شرکت مخابرات و سازمان ارتباطات و الکترونیک باید خرید آن را تصویب می‌کردند. تصویب شرکت مخابرات بصورت گواهی نامه‌ای بود حاکی از آنکه قلم پیشنهادی برای تامین منظور خاصی از قرارداد ضروری است. بعد از تصویب فوق، اجازه^۶ سفارش جهت تصویب اعتبار خرید به سازمان ارتباطات و الکترونیک فرستاده می‌شد.

۱۲۵ - بعد از آنکه خرید جنسی به ترتیب مزبور تصویب می‌گردید، امریکن بل آنرا خریداری می‌کرد و به شرکت مخابرات تحویل می‌داد. چنانچه هزینه واقعی از حد مورد توافق مندرج در اجازه برای سفارش تصویب شده تجاوز می‌کرد، امریکن بل ملزم بود قبل از اقدام بخرید اجازه سفارش جدیدی جهت تصویب تسلیم نماید. پس از تحویل جنسی به شرکت مخابرات، فروشنده صورتحساب را برای امریکن بل می‌فرستاد، و این شرکت ترتیب بازپرداخت صورتحساب را می‌داد. اطلاعات مویده، مانند شماره فرم اجازه سفارش، شرح اقلام خریداری شده، شماره چکی که جهت پرداخت نوشته شده، گیرنده و مبلغ چک همراه با صورتحسابهای خرید ارائه می‌گردید.

۲ - صورتحسابهای خرید مورد اختلاف

۱۲۶ - طی رسیدگی حاضر، امریکن بل با استناد به ۲۸ فقره صورتحساب خریدی که حسب ادعا پرداخت نگردیده، کلاً مبلغ ۱،۶۶۲،۵۳۵/۴۶ دلار مطالبه می‌نماید. بیست و سه فقره از این صورتحسابها مربوط به اقلامی است که طبق قرارداد ۱۱۸ و پنج فقره دیگر مربوط به اقلامی است که طبق قرارداد ۱۳۸ خریداری شده است. دلیل ارسال "دیرتر از موقع" صورتحسابها آن بوده که امریکن بل تا وقتی صورتحسابهای فروشندگان را پرداخت نمی‌کرد، آنها را جهت بازپرداخت به ایران تسلیم نمی‌نمود. تاریخ صورتحسابهای امریکن بل از ۹ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۸ آبان ماه ۱۳۵۷) تا ۳۰ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۷) می‌باشد. طبق هردو قرارداد ۱۱۸ و ۱۳۸، صورتحسابهای خرید باید به دلار پرداخت می‌شد.

۱۲۷ - خوانندگان منکر آن نیستند که امریکن بل واقعا "اقلام مورد بحث را خریده است، ولی استدلال می‌کنند که صورتحسابها بدو دلیل قابل پرداخت نیست: (۱) چون شرط "اثبات" مندرج در بند ۵ پیوست ۳ هیچگاه رعایت نشده، تعهد پرداخت نیز بوجود نیامده است،

(۲) تشریفات صحیح خرید که در قسمت قبل ذکر گردید، همیشه رعایت نشده است. خوانندگان استدلال خود را بنحو دیگری نیز مطرح کرده، می گویند که اگر چنین نظر داده شود که در صدور صورتحساب ها الزامات قراردادی رعایت گردیده، در آن صورت خوانندگان باید طبق بند ۱۳ پیوست ۳، حق حسابرسی صورتحسابها را داشته باشند، و هرگونه تأیید این صورتحسابها باید فاقد اعتبار تلقی شود، زیرا کسانی که حق صدور چنین مجوزهایی را داشتند، حسب ادعا و جوهی برخلاف قانون دریافت کرده اند.

۱۲۸ - در مورد ایراد اول، مدارک نشان می دهد صورتحسابهای خرید تجهیزات در آن زمان ضامنی داشته که علی الظاهر هزینه های متحمل را اثبات می کرده است. چهار صورتحساب (به شماره های ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶ و ۶۰۷) درباره خدمات تخصصی مهندسی با عطف به موافقت قبلی سازمان ارتباطات و الکترونیک با خدمات مورد بحث و به یک قرارداد فرعی که بین امریکن بل و انجام دهنده آن خدمات منعقد شده بود، نیز علی الظاهر باثبات رسیده است. هرچند چنین تأییدی الزاماً قابل پرداخت نهائی بودن صورتحسابها را ثابت نمی کند، ولی (برخلاف صورتحساب شماره ۲۲۱ بابت خدمات حرفه ای که در آنمورد روش اثبات متعارف بهیچوجه مراعات نگردید) ایران را متعهد می کرد که اگر صورتحسابها را قابل پرداخت نمی دانست ظرف ۳۰ روز در مورد آنها اعتراض نماید. اگر ایران (در آنموقع) اعتراض نکرد، اکنون حق اعتراض ندارد، "مگر در صورت وجود ادله و مدارکی دال بر اوضاع و احوالی که بتواند عذر موجه و قانونی برای عدم رعایت شرط ۳۰ روز مهلت مقرر در بند ۵ پیوست سه باشد..." بند ۳ صفحات ۲۷ و ۲۸ قراراعدادی فوق الذکر.

۱۲۹ - امریکن بل مدعی است که درمورد هیچیک از صورتحسابهایی که مبنای ادعا می باشد، اعتراضی بعمل نیامده است، ولی مدارک موجود نشان می دهد که سازمان ارتباطات و الکترونیک با پرداخت چهار فقره از این صورتحسابها مخالفت کرد. سازمان ارتباطات و الکترونیک در یادداشت مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۵ دیماه ۱۳۵۷) خود با

پرداخت صورتحسابهای شماره ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷ و ۵۲۹ مخالفت نمود:

چون صورتحسابهای شماره ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷ و ۵۲۹ بدون دقت تهیه شده، و براساس نامه شماره ۲۸-۲۷-۱۱۴۱ مورخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۷ (۴ نوامبر ۱۹۷۸) نبوده و مبلغ آن بیش از مبلغ مذکور در "اجازه سفارش" بوده، بنابراین صورتحسابهای فوق الذکر قابل پرداخت نیستند.

خواهشمند است دستور فرمایند توضیحات لازم دراین باره در اختیار این قسمت قراردادده شود.

۱۳۰ - نامه مورخ ۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۳ آبان ماه ۱۳۵۷) مذکور، یادداشتی بود که قبلاً سازمان ارتباطات و الکترونیک به امریکن بل نوشته و در آن خط مشی خود در مورد صورتحسابهای خرید را اعلام کرده بود. دراین یادداشت قبلی از جمله ذکر شده بود که "فقط مبلغ تخمینی مذکور روی مجوز خرید قابل پرداخت خواهدبود".

۱۳۱ - امریکن بل مدرکی حاکی از اینکه به اعتراضات مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۵ دیماه ۱۳۵۷) پاسخی داده باشد، ارائه ننموده است. تاریخ مندرج روی هر چهار صورتحساب مورد اعتراض، اول دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ آذرماه ۱۳۵۷) بود، بنابراین اعتراض سازمان ارتباطات و الکترونیک ظرف ۳۰ روز مقرر در قرارداد ۱۳۸ به عمل آمده است. دیوان بمنظور حل این مسئله که آیا این چهار صورتحساب می بایست پرداخت می شد یاخیر، لازم است سوابق موجود را بررسی و مشخص نماید که آیا اعتراضات سازمان ارتباطات و الکترونیک مستدل بوده است یاخیر.

۱۳۲ - ایراد اول ایران نسبت به صورتحساب شماره ۲۵۴ بمبلغ ۳،۳۱۴/۴۲ دلار بوده که حسب ادعا از مبلغ مجاز مذکور در اجازه برای سفارش تجاوز کرده است. چون اجازه سفارشی که مبنای این صورتحساب بوده جزو مدارک موجود نیست، لذا نمیتوان صحت یا سقم ایراد ایران را معلوم کرد. ولی اعتراضی که سازمان ارتباطات و الکترونیک در

آن زمان مطرح ساخت بار پاسخگویی به آن اعتراض را به دوش امریکن بل منتقل ساخته است. چون هیچگونه پاسخ مشخصی به این اعتراض داده نشده، لذا دیوان نتیجه می‌گیرد که امریکن بل استحقاق دریافت وجهی بابت این صورتحساب ندارد.

۱۳۳ - در صورتحساب ۵۲۶ مبلغ ۴،۶۱۴/۲۱ دلار بابت قطعات مختلف که بعنوان "قطعات یدکی حساس" تاسیسات مخابرات مورد نیاز بوده، مطالبه شده است. ولی، طبق اجازه سفارش مربوطه، برآورد هزینه فقط -/۳،۰۵۱ دلار یعنی ۱،۵۶۳/۲۱ دلار کمتر از مبلغ صورتحسابی بوده که برای ایران ارسال گردیده است. نتیجتاً، دیوان براین نظر است که امریکن بل استحقاق دریافت کل مبلغ صورتحساب خرید را ندارد. براساس خط مشی سازمان ارتباطات و الکترونیک، که شرح آن در یادداشت مورخ ۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۳ آبان ماه ۱۳۵۷) فوق‌الذکر آمده، دیوان براین نظر است که امریکن بل فقط حق دارد مبلغ تخمینی در اجازه سفارش یعنی -/۳،۰۵۱ دلار را دریافت نماید.

۱۳۴ - در صورتحساب ۵۲۷ تقاضای پرداخت مبلغ ۵،۷۵۶/۰۷ دلار بابت قطعات یدکی مشابه شده است، حال آنکه در اجازه سفارش تجدید نظر شده، فقط پرداخت ۵۵۰ دلار تصویب گردیده است. لذا دیوان باین نتیجه می‌رسد که امریکن بل فقط حق دارد مبلغ ۵۵۰ دلار تصویب شده را دریافت نماید.

۱۳۵ - آخرین صورتحساب مورد بحث، صورتحساب ۵۲۹ به مبلغ ۱۷۱،۶۹۳/۷ دلار است. هیچیک از طرفین اجازه سفارشی در مورد این صورتحساب ارائه نداده است. بنابراین دیوان قادر نیست، مشخص کند که آیا مبلغ صورتحساب فوق در واقع از قیمت مجاز تجاوز کرده است یا خیر. باتوجه به ایراد سازمان ارتباطات و الکترونیک در آن زمان و عدم وجود مدرکی دال براینکه امریکن بل پاسخ مشخصی به این ایراد داده، دیوان نمی‌تواند حکم به پرداخت مبلغ مطالبه شده در صورتحساب ۵۲۹ صادر نماید.

۱۳۶ - مدارکی که امریکن بل در مورد سایر صورتحسابها تسلیم کرده، ثابت می کند که هریک از صورتحسابها مطابق هزینه خرید پرداخت شده و برای باز پرداخت وجوه فوق نیز مبنای قراردادی وجود داشته است. ایران دلیلی مبنی براینکه بموقع اعتراض کرده، ارائه نداده است. ولی مسئله ای که باقی می ماند این است که آیا ایران در مورد عدم اعتراض قانوناً معذور بوده است یا خیر. ممکن است وضع فورس ماژور حاکم در زمان تسلیم حداقل بعضی از صورتحسابها را به عنوان عذر قلمداد نمود. وجود حالت فورس ماژور فی نفسه ایران را از طرح اعتراض معاف نمی سازد، زیرا در ارزیابی اثرات فورس ماژور در این مورد باید همیشه ماهیت تعهدات خاص مورد بحث در نظر گرفته شود. مقایسه شود با سیلوانیا در فوق، صفحات ۱۵ و ۱۶. در واقع، ایرادی که سازمان ارتباطات و الکترونیک در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۵ دیماه ۱۳۵۷) به چهار صورتحساب گرفت، می تواند دلیل کافی براین باشد که در آن تاریخ وضع ایران مانع از آن نبوده که سازمان بترتیب پیش بینی شده در بند ۵ پیوست ۳ قرارداد ها عمل نماید. ولی چون تحولات انقلابی بعد از آن تاریخ به اوج خود رسید، لذا می توان فرض کرد که بعد از ماه دسامبر ۱۹۷۸، وضع فورس ماژور ابعاد تازه ای بخود گرفت. گرچه واقعاً برای ایران غیرممکن نبود که ظرف ۳۰ روز(۶) به صورتحساب های خرید اعتراض نماید، با اینحال دیوان تشخیص می دهد که بعد از اعتراضات ۲۶ دسامبر خواندگان به دلائل مشروع ناشی از وخامت اوضاع در مهمترین اولویتهای خود در انجام کارها تجدیدنظر کردند، و این امر در حکم "عذر موجه و قانونی برای عدم رعایت مهلت ۳۰ روزه ..." بود. پاراگراف ۳، صفحه ۲۷ قراراعدادی مذکور در فوق.

(۶) همانطوری که ذیلاً در بند ۱۴۵ خاطر نشان گردیده، در ژانویه ۱۹۷۹، ایران به یک صورتحساب بابت محل دفتر اعتراض کرد.

۱۳۷ - معبذاء، همانطوریکه وضع فورس مازور بعد از رفع موانع (مقایسه شود با بند ۱۱۸ فوق) نمی‌توانست قصور امریکن بل در اثبات نفر- ماه مندرج در صورتحساب ۲۲۱ را بطور نامحدود توجیه نماید، ناآرامیهای اوایل سال ۱۹۷۹ نیز نمی‌توانست ایران را بطور نامحدود در عدم رعایت شرط مربوط به اعتراض معذور بدارد. با اینکه روابط طرفین هیچگاه بحال عادی بازنگشت، ولی در بهار سال ۱۹۷۹، وضع ایران تا آن اندازه تثبیت شده بود که خودداری ایران از طرح هرگونه ایرادی را غیرموجه سازد. لازم نیست که تاریخ دقیق این تغییر وضع را تعیین نمود، زیرا در هر حال می‌توان فرض نمود که این امر چند ماه قبل از ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۸) که امریکن بل بهره ادعای حاضر را از آن تاریخ مطالبه می‌نماید، اتفاق افتاد.

۱۳۸ - دیوان نتیجه می‌گیرد که کلیه صورتحسابها، بجز قسمتهائی از چهار صورتحسابی که ایران به آنها اعتراض کرده، قابل پرداخت است. بنابراین امریکن بل استحقاق دارد مبلغ ۱،۴۸۰،۷۵۸ دلار دریافت نماید.

د - صورتحسابهای مربوط به محل کار

۱۳۹ - هزینه محل کار رقم دیگری بوده که علاوه بر نرخهای نفر - ماه می‌بایستی به امریکن بل پرداخت شود. به موجب بند ۳-۱ پیوست ۳ قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸، پرداخت هزینه محل کار امریکن بل، نگهداری آن و تهیه تسهیلات، منجمله آب و برق و گاز و سوخت برای آن برعهده ایران بود. برخلاف قرارداد ۱۱۸ در قرارداد ۱۳۸ مقرر شده بود که این هزینه ها به ریال ایران پرداخت شود.

۱۴۰ - امریکن بل براساس این شرایط، شش دستگاه ساختمان که برای استقرار کارمندان مورد نیاز بود، اجاره کرد. امریکن بل اجاره ساختمانها، هزینه آب و برق و

گاز و خدمات مرتبط با اجاره را مستقیماً به مالکین ساختمانها، شرکتهای آب و برق و گاز و افراد دیگری که خدمات را انجام می‌دادند، پرداخت می‌نمود، و هرماه صورتحساب این هزینه‌ها را با ذکر مبلغ به ریال ایران و معادل دلاری آن که به نرخ ۷۰/۳۵ ریال در ازاء هر دلار تبدیل می‌نمود، برای ایران می‌فرستاد. ادعای حاضر بابت معادل دلاری (که به نرخ ۷۰/۳۵ ریال در ازاء هر دلار تبدیل شده) سه فقره از این صورتحسابها، بمبلغ کل ۶۵،۹۶۳،۳۰۵ ریال ایرانی یعنی ۹۳۷،۶۴۴/۷۱ دلار، می‌باشد.

۱۴۱ - صورتحساب شماره ۸۲۶ طبق قرارداد ۱۳۸ مربوط به اجاره بها و هزینه تسهیلات و نگهداری شش ساختمان در دسامبر ۱۹۷۸ می‌باشد. صورتحساب فوق، بمبلغ ۲۶،۷۱۱،۶۴۳ ریال یا ۳۷۹،۶۹۶/۴۲ دلار، در ۱۷ ژانویه ۱۹۷۸ (۲۷ دیماه ۱۳۵۶) تسلیم گردید. طرفین در این موضوع توافق دارند که پرداخت این مبلغ تصویب شد و در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۷۹ (۹ بهمن ماه ۱۳۵۷) چکی بابت تمام مبلغ به دلار به نام امریکن بل صادر گردید، ولی صورتحساب مزبور هنوز پرداخت نشده است. علت عدم پرداخت این بوده که حسابهای دولتی که چک مزبور از آن برداشت می‌شد، در آن زمان مسدود گردید. اکنون خوانندگان اظهار می‌دارند که صورتحساب قابل پرداخت نیست، زیرا حسب ادعا طبق بند ۵ پیوست ۳ باثبات نرسیده است. ولی با درنظر گرفتن اینکه ایران در آن زمان مبلغ و ارز مندرج در صورتحساب را تصویب کرده، لذا عدم پرداخت قابل توجیه نیست. نتیجتاً دیوان حکمی به مبلغ کامل صورتحساب ۸۲۶ و به ارزی که مطالبه شده به نفع امریکن بل صادر می‌کند.

۱۴۲ - صورتحساب شماره ۸۲۷ موضوع قرارداد ۱۳۸، بابت اجاره بهای ساختمانهای اداری در ماههای ژانویه و فوریه ۱۹۷۹ می‌باشد. صورتحساب فوق بمبلغ -/۳۹،۱۹۸،۰۰۰ ریال یا ۵۵۷،۱۸۵/۵۰ دلار بوده و در حوالی ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ (سوم شهریورماه ۱۳۵۸) به ایران تسلیم شده است. اکنون خوانندگان به دلیل آنکه

صورتحساب مزبور نه "اثبات" و نه "تصویب" شده، بدان معترضند.

۱۴۳ - در رابطه با شرط قراردادی اثبات، دیوان ملاحظه می کند که این الزام (که محتوای آن در قرارداد تصریح نشده) باید بنحوی تفسیر شود که بسته به نوع صورتحسابها معنی متفاوتی داشته باشد. در تعیین حدود اثبات مورد لزوم (مقایسه شود با بند ۱۰۰ فوق)، رویه قبلی طرفین حائز اهمیت است. این رویه حاکی است که هزینه های محل کار صرفاً "براساس صورتحسابهایی که هزینه ها را مشخص می کرد، پرداخت می گردید و به هیچگونه مدارک الحاقی که در رابطه با بعضی از صورتحسابهای دیگر ضرورت داشت، احتیاج نبود. ایران تا ژانویه ۱۹۷۹ این قبیل صورتحسابها را تصویب می کرد. باتوجه به اینکه قسمت اعظم هزینه محل کار، یعنی اجاره بها اساساً ثابت بود و لزوماً ماه به ماه پرداخت می شد، لذا به موجب بند ۵ پیوست ۳، اثبات در حد محدودتری را نیز می توان کافی تلقی نمود. بنابراین، تردیدی نیست که صورتحساب ۸۲۷، حداقل تا آن حد که ایران را ملزم نماید که ظرف ۳۰ روز بآن اعتراض کند، به اثبات رسیده بود (مقایسه شود با بند ۵ پیوست ۳ و بند ۳ صفحات ۲۶ و ۲۷ قراراعدادی فوق الذکر). چون به موقع هیچ اعتراضی به عمل نیامد، لذا صورتحساب مزبور در ۲۵ اوت ۱۹۷۹ (۳ شهریورماه ۱۳۵۸) قابل پرداخت گردید. در آن موقع نسبت به مطالبه مبلغ صورتحساب به دلار امریکا نیز اعتراضی نشد. این صورتحساب مربوط به بازپرداخت هزینه هایی مشابه هزینه های مندرج در صورتحساب شماره ۸۲۶ است که پرداخت آن به دلار امریکا تصویب شده بود. نتیجتاً دیوان حکمی بمبلغ کامل صورتحساب شماره ۸۲۷ و به ارز مطالبه شده به نفع امریکن بل صادر می نماید.

۱۴۴ - آخرین صورتحساب مربوط به هزینه های محل کار که یکی از دعاوی امریکن بل بر آن مبتنی است، صورتحسابی است که از قرارداد ۱۱۸ ناشی شده است. صورتحساب شماره آر ۸۱۸، به مبلغ ۵۳،۶۶۲ ریال که در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۸ دیماه

۱۳۵۷) تسلیم شد که مربوط به هزینه تعمیر آسانسور در دو ساختمان اداری امریکن بل طی نیمه دوم مدت قرارداد (یعنی دسامبر ۱۹۷۷ تا ژوئیه ۱۹۷۸) می باشد. مبلغ مورد مطالبه به نرخ تبدیل ۷۰/۳۵ ریال در ازاء هر دلار، ۷۶۲/۷۹ دلار است. بنابه اظهار امریکن بل، چون تعمیرکننده آسانسور در ارسال صورتحساب تاخیر نمود، امریکن بل هم صورتحساب مربوط به این مبلغ را زودتر نفرستاد.

۱۴۵ - در ۲۸ ژانویه ۱۹۷۹ (۸ بهمن ماه ۱۳۵۷) سازمان ارتباطات و الکترونیک از پرداخت این صورتحساب خودداری کرد زیرا صورتحساب مزبور از قرارداد ۱۱۸ که منقضی گشته بود، ناشی می شد. ولی با توجه به قراردادهایارویه قبلی طرفین، انقضای قرارداد دلیل موجهی برای عدم پرداخت نبود، زیرا امریکن بل معمولاً تا موقعی صبر می کرد که هزینه ها عملاً انجام، و وجوه پرداخت گردد. از اینرو تکمیل کلیه عملیات مربوط به تهیه صورتحساب ظرف دوازده ماه دوره قرارداد امکان نداشت. بنابراین، علیرغم طرح ایرادات نسبتاً مشخصی نسبت به چهار صورتحساب خرید در دسامبر ۱۹۷۸ (رجوع کنید به بند ۱۲۹ فوق)، ایران بدلیل آنکه صورتحسابها به قرارداد ۱۱۸ مربوط می شدند، اعتراضی نکرد. این امکان در شرایط قرارداد صریحاً در نظر گرفته شده بود که هزینه هائی را که امریکن بل در مراحل نهائی قرارداد متقبل می گردید، فقط بعد از انقضاء قرارداد جهت بازپرداخت به حساب ایران منظور نماید. از اینرو بند ۴ پیوست ۳ قرارداد ۱۱۸ مقرر می داشت که اعتبارات اسنادی برای مدت شش ماه پس از خاتمه رسمی قرارداد مفتوح بماند. چون صورتحساب آر ۸۱۸ ظرف شش ماه پس از انقضاء قرارداد ۱۱۸ تسلیم شد و از آنجا که نامه توضیحی متعاقب آن، صورتحساب را به حد کفایت اثبات می نمود، بنابراین امریکن بل کاملاً حق دارد کل مبلغ صورتحساب شماره آر ۸۱۸ را دریافت دارد. چون قرارداد ۱۱۸ اجازه می داد کلیه پرداختها به دلار امریکا انجام گیرد، بنابراین امریکن بل حق دارد مبلغ ۷۶۲/۷۹ دلار مورد ادعا را دریافت نماید.

۱۴۶ - خوانندگان تقاضا کرده‌اند چنانچه صورتحسابهای شماره ۸۲۶، ۸۲۷ و ۸۱۸ قابل پرداخت تشخیص داده شوند، طبق بند ۱۳ پیوست ۳ قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸ صورتحسابهای مزبور مورد حسابرسی قرار گیرند. از آنجا که تقاضای حسابرسی ظرف شش ماه از تاریخی که هریک از صورتحسابها قابل پرداخت شد بعمل نیامده، بنابراین اکنون نمی‌توان با چنین تقاضائی موافقت نمود (مقایسه شود با بند ۹۷ فوق). شق دیگر استدلال خوانندگان، مبنی بر اینکه یکی از قراردادهای اجاره بدلیل دریافت وجوه نامشروع ادعائی، ظاهراً بی اعتبار است، دفاع مستقیمی در مقابل ادعا نیست، لکن در ارتباط با دعای متقابل مورد بحث قرار گرفته است. نتیجتاً بابت سه صورتحساب محل کار که لازم التادیه بوده دیوان حکمی جهت پرداخت کل مبلغ ۹۳۷،۶۴۴/۷ دلار به امریکن بل صادر می‌کند.

هـ - مصادره حساب بانکی

۱۴۷ - آخرین ادعای امریکن بل، ۲۸۳،۹۶۴ دلار، بابت ارزش موجودی یک حساب بانکی است که حسب ادعا دولت ایران آن را مصادره کرده است. وجوه مورد بحث امریکن بل در حساب مشترکی بنام امریکن بل و شرکت مخابرات ایران نگهداری می‌شد. طبق ترتیبی که در ۱۹ مارس ۱۹۷۹ (۲۸ اسفندماه ۱۳۵۷) داده شد حساب مزبور در بانک ملی افتتاح گردید و ظاهراً امریکن بل فقط با اکراه با آن موافقت کرده بود. موجودی این حساب ابتدا ۶۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال بود و بعد از آنکه امریکن بل ایران را ترک کرد، مطالبات طلبکاران وی از آن محل پرداخت می‌شد. قرار بود کلیه برداشتها از حساب مزبور با امضای مشترک نمایندگان شرکت مخابرات و امریکن بل در پرایس واتر هاوس انجام گیرد. قرار بود عوائد حاصله از فروش دارائیهای امریکن بل به این حساب واریز و از آن جهت ایفای تعهدات امریکن بل استفاده شود.

۱۴۸ - بنظر می‌رسد که تا ماه ژوئن ۱۹۷۹ مقدار معتناهی از تعهدات امریکن بل

تصفیه شده بود. در آن ماه نماینده امریکن بل تلکسی به دکتر اسلامی، وزیر پست و تلگراف و تلفن مخابره کرده و طی آن اعتراض نمود، که علیرغم تضمینهایی که در مورد آزاد کردن موجودی حساب داده شده بود، تنمه وجوه که در حدود ۲۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال بود، به امریکن بل داده نشده است. درخواست مربوط به آزاد کردن موجودی حساب بعداً نیز لاقلاً در نامه های ارسالی به دکتر اسلامی در اکتبر و نوامبر ۱۹۷۹، یعنی پس از ایفای تقریباً کلیه تعهدات امریکن بل تکرار شد، ولی با این درخواستها موافقت بعمل نیامد. در مقابل، در ۱۰ اوت ۱۹۸۰ (۱۹ مردادماه ۱۳۵۹) وزیر در نامه ای که یکی از نمایندگان شرکت مخابرات شخصا به نماینده ایرانی امریکن بل در پرایس واتر هاوس که اجازه امضاء از طرف امریکن بل را داشت، ارسال کرده، درخواست نمود که پرایس واتر هاوس وجوه را به حساب شرکت مخابرات در بانک ملی منتقل نماید. نماینده مزبور طی نامه مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۰ (۲۸ مردادماه ۱۳۵۹) خود به امریکن بل گزارش داد که به وی اطلاع داده شده که "عدم رعایت درخواست پرداخت، عواقب وخیمی برای شخص (وی) خواهد داشت و در هر حال مانع از دسترسی شرکت مخابرات به وجوه امریکن بل نخواهد شد". سپس نماینده فوق اجازه انتقال مبلغ ۱۹،۹۷۶،۸۵۰ ریال را داد و انتقال وجوه در ۱۱ اوت ۱۹۸۰ (۲۰ مردادماه ۱۳۵۹) صورت گرفت. از آن بعد امریکن بل به وجوه فوق دسترسی نداشته است.

۱۴۹ - خواهان اظهار می دارد که طبق حقوق بین الملل اقدامات فوق مصادره محسوب می شود، و ایران در قبال آن مسئول است. خواندگان منکر تملیک وجوه نیستند، ولی اظهار می دارند که طبق قوانین ایران که حاکم بر قرارداد است، اقدامات مورد بحث در حکم مصادره یا غصب نیست.

۱۵۰ - دیوان ملاحظه می کند که در اوضاع و احوال پرونده حاضر، لزومی ندارد درباره قانون حاکم بتفصیل بحث شود. در مواردی مانند مورد حاضر که هم منظورو هم اثر

اقدامات منجر به محرومیت کامل شخص از استفاده از وجوه خود، بدون تحصیل رضایت داوطلبانه وی گردد، ناگزیر باید نظر داد که طبق هر قانون حاکمی اعم از بین‌المللی یا داخلی، باید غرامت گرفتن یا مصادره پرداخت شود. مگر اینکه دلیل روشنی برای این ضبط وجود داشته باشد. تنه‌الدلیل قابل تصور برای گرفتن وجوه می‌توانسته تصفیه حسابهای معوقه موجرین و بستانکاران امریکن بل باشد. با اینکه از نامه های متاخر امریکن بل که در اکتبر و نوامبر ۱۹۷۹ نگاشته شده چنین بر می‌آید که در آن موقع بخش ناچیزی از این حسابها معوق مانده بود، ولی خوانندگان مدرکی دال بر اینکه در ماه اوت سال بعد هنوز تعهدات ایفاء نشده وجود داشته است، ارائه نداده‌اند.

۱۵۱ - باتوجه به مراتب فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهان به نحو غیرعادلانه از حساب بانکی خود که موجودی آن ۱۹،۹۷۶،۸۵۰ ریال بوده، محروم شده است. بنابراین، خواهان حق دارد مبلغ ۲۸۳،۹۶۴ دلار امریکا یعنی ارزش موجودی حساب بانکی در تاریخ گرفتن، را دریافت نماید.

پنجم - ادعاهای متقابل

الف - کلیات

۱۵۲ - خوانندگان چندین ادعای متقابل مطرح کرده‌اند. نامبردگان براساس موارد زیر ادعای خسارت می‌نمایند: (۱) پرداختهای ناروا ادعائی در رابطه با قرارداد ۱۱۲، ۱۱۸ و ۱۳۸، (۲) اضافه پرداخت ادعائی به علت عمل نکردن امریکن بل به مسئولیتهای قراردادی، (۳) زیانهای که حسب ادعا از انجام ناقص وظائفی که امریکن بل بموجب قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸ برعهده داشته، ناشی شده، (۴) اعاده هزینه‌های مالیاتی که حسب ادعا بابت آنها پرداختهای به امریکن بل صورت گرفته، حال آنکه وی هیچگاه آن

هزینه‌ها را متحمل نشده است، (۵) وصول ارزش اموال شرکت مخابرات که حسب ادعا امریکن بل بعد از ترک ایران آنها را به شرکت مخابرات عودت نداده است، (۶) مرخصی هاو غیبت های زیاد از حد ادعائی توسط کارمندان امریکن بل، (۷) مالیات و حقوق تامین اجتماعی، (۸) سود اضافی، (۹) "تخلفات دیگر" امریکن بل. هریک از این دعاوی متقابل در قسمتهای بعد بطور جداگانه مورد بحث قرار گرفته است.

ب- پرداختهای ناروا

۱۵۳ - این ادعای متقابل مربوط به پرداختهای اجاره بها است که ایران خواسته غیرقابل اجرا اعلام شود. این درخواست در بند ۱۷ فوق رد شد، ولی خواندگان به نحو دیگری نیز استدلال کرده، ادعا می‌کنند که پرداختهای مربوط به اجاره بها، پرداخت ناروا محسوب شده و در حکم نقض قرارداد منشاء ادعای متقابل می‌باشند. شرط قراردادی که عمدتاً مورد استناد ایران می‌باشد، ماده ۲۰ قرارداد ۱۳۸ است (و مواد نظیر آن در دو قرارداد دیگر) (۷) که بشرح زیر می‌باشد:

"فروشنده برای انجام کارهایی که در قبال قراردادهای خریدار بعهده می‌گیرد، حق ندارد به هیچکس هیچ نوع وجه یا مالی داده یا برای او تخفیف یا منفعتی مستقیماً یا غیرمستقیم در داخل یا خارج از ایران راساً یا توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر بمنظور گرفتن امتیاز قرارداد یا نفوذ غیر صحیح برکار منظور کند، خواه آن منظور عملی شده یا نشده باشد یا انجام آن موجه بوده یا نبوده باشد. بعلاوه فروشنده حق ندارد بابت وسایل یا خدمات تهیه شده برای خریدار هیچ نوع وجه یا مالی بعنوان حق‌العمل یا تخفیف و غیره دریافت نماید. یک قسم نامه نیز در این موارد از طرف خریدار ارائه خواهد شد که فروشنده و پیمانکاران دست دوم او باید آنرا امضاء نمایند. در صورت تخلف فروشنده از هریک از موارد بالا، خریدار حق دارد ضمانتنامه‌های

(۷) یعنی، ماده ۱۷ قرارداد ۱۱۲ و ماده ۲۰ قرارداد ۱۱۸، که هر دو اساساً مشابه ماده ۲۰ قرارداد ۱۳۸ است، که در بالا نقل گردید.

بانکی فروشنده را وصول نمود و فروشنده را طبق قوانین ایران تحت تعقیب قراردادده و بعلاوه طبق نظر خود یک یا تمام مواد زیر را اجرا نماید.

الف - وصول سه برابر جمع مبلغ غیرمجازیکه بشرح بالا پرداخت با دریافت شده بعنوان خسارت.

ب - فسخ قرارداد بدون پرداخت غرامت به فروشنده بدلیل قصور و خطای او.

پ - ارزیابی خسارات وارده و دریافت این مبلغ از فروشنده.

این ماده در مورد کلیه پیمانکاران دست دوم که بااین قرارداد در ارتباط می باشند نیز صادق است.

۱۵۴ - خواندگان استدلال می کنند که پرداختهایی که در ارتباط با ترتیبات اجاره مورد بحث انجام گرفته، در حکم پرداختهای ناروایی بوده که بمنظور گرفتن امتیازات قراردادی انجام گرفته است. خواندگان همچنین اظهار می دارند که حداقل یکی از سوگندنامه های مورد لزومی که در سال ۱۹۷۷ توسط رئیس امریکن بل تنظیم و امضاء شده، دروغ بوده است، زیرا ترتیبات نادرست مربوط به آپارتمانهای نیاوران (بعد رجوع شود)، قبل از تنظیم آن سوگندنامه صورت گرفته، و حال آنکه آن ترتیبات در سوگندنامه افشاء نشده بود. اعمال مقامات امریکن بل حسب ادعاء قانون مجازات عمومی ایران و Foreign Corrupt Practices Act ایالات متحده و ضمناً به این ترتیب ماده ۲۱ قرارداد ۱۳۸۸ ("تأیید اجرای مقررات و قوانین") را نیز نقض کرده است. ایران خواستار لغای قراردادهای ۱۱۲، ۱۱۸ و ۱۳۸ یا تعیین خسارات بعد از حسابرسی دفاتر و سوابق امریکن بل، و نیز پرداخت خسارات تنبیهی به دلیل "تنظیم عمدی سوگندنامه دروغ" می باشد. خواهان منکر هرگونه مسئولیتی است.

۱۵۵ - مورد اول از ترتیبات اجاره ای که بدان اعتراض شده، مربوط به هشت دستگاه آپارتمان واقع در منطقه نیاوران و متعلق بیکی از بستگان شاه سابق است. ولی روشن

است که امریکن بل در واقع هیچگاه این آپارتمانها را اجاره نکرد. کارمندان شرکت مخابرات در مورد اجاره آپارتمانها با امریکن بل تماس گرفتند، ولی آپارتمانهای مزبور در بادی امر بنظر شرکت نامناسب و گران رسید. تنها بعد از پیشنهاد تعمیرات اساسی و تهیه بعضی تسهیلات و وسائل تفریح ازطرف نماینده مالک، امریکن بل موافقت نمود که "قولنامه" ای حاوی خلاصه شرایطی که باید در اجاره نامه نهائی گنجانده شود، امضاء کند. ولی خود قولنامه بمنزله قرارداد اجاره آپارتمانها نبوده، و لذا مستقلاً برای طرفین تعهدی ایجاد نمی کرد. امریکن بل هیچگاه قراردادی برای اجاره این آپارتمانها امضاء و مبادله ننمود. بلکه، امریکن بل بعداً اطلاع یافت که شرکت مخابرات مستقیماً آپارتمانها را اجاره نموده، و در ازاء تخفیف در نرخ نفر- ماه یعنی معادل تقلیل در هزینه های امریکن بل، آنها را در اختیار امریکن بل قرار خواهد داد.

۱۵۶ - از مدارک بر می آید که ترتیباتی که به موجب آن سازمان ارتباطات و الکترونیک آپارتمانهای مذکور در قولنامه را اجاره، و سپس آنها را در اختیار امریکن بل قرارداد، در زمانی اتفاق افتاد که امریکن بل مشغول از سرگرفتن مذاکراتی بود که به انعقاد اولین قرارداد مستقیم بین امریکن بل و ایران انجامید. معهذاً مدارک موجود برای اثبات این امر که وجوه دریافتی مالک از سازمان ارتباطات و الکترونیک و شرکت مخابرات را امریکن بل پرداخته یا پرداخت آنها "بمنظور گرفتن امتیاز قراردادی" بوده، کافی نیست. بلکه ترتیبات فوق، علی الظاهر در جهت مقاصد مشروع تجارتی امریکن بل صورت می گرفته است. حتی بفرض اینکه بتوان امریکن بل را بطور غیرمستقیم پرداخت کننده تلقی نمود، با اینحال اجاره بهائی که مالک دریافت می کرد، بنحو چشمگیری زیاد یا مغایر با رهنمودهای امریکن بل نبوده است. درواقع می توان تصور کرد که اگر امریکن بل قصد تحصیل منافع نادرست داشته، می بایستی شرایطی را که نماینده مالک قبلاً پیشنهاد کرده بود، بپذیرد نه اینکه با او چانه بزند، یعنی همان کاری که در نهایت امر انجام داد. سوابق امر ثابت می کند که شهادت نامه به قید سوگند رئیس امریکن بل که بعد از

تنظیم قولنامه امضاء و مبادله گردیده را نمی توان نادرست تلقی کرد.

۱۵۷ - همچنین در مورد اجاره یک ساختمان شماره ۱۷۱۷ در خیابان پهلوی برای محل کار امریکن بل نشانه‌ای از انجام عملی نادرست مشاهده نمی‌شود. ساختمان مزبور ظاهراً متعلق به همسر رئیس سازمان ارتباطات و الکترونیک بود. معهذاً، سوابق امر موید این ادعا نیست که امضای اجاره نامه و پرداخت اجاره بها به منظور اعمال نفوذ ناروای هیچیک از دست اندرکاران برنامه "سیک سویچ" صورت گرفته باشد. اجاره نامه چند ماه پس از انعقاد قرارداد ۱۱۸، یعنی اولین قرارداد یکساله، تهیه و امضاء شد. ترتیبات اجاره علناً اعلام گردید، شرایط اجاره متعارف بود و اجاره بهای مورد توافق ظاهراً کمتر از مبلغ پیشنهادی نماینده مالک بود. امریکن بل علی‌الظاهر از ساختمان مزبور برای مقاصد مشروع تجارتی استفاده می‌کرد، و هیچ مدرکی در دست نیست که نشان دهد در مورد اجاره مبلغ "بیشتری" مطالبه یا به کسی پرداخت شده باشد.

۱۵۸ - خواندگان مضافاً ادعا می‌کنند که انعقاد دو فقره قرارداد اجاره با کارمندان شرکت مخابرات بقصد اعمال نفوذ ناروا بر دریافت کنندگان اجاره بها که مسئولیت پذیرش بعضی از صورتحسابهای امریکن بل را برعهده داشته‌اند، صورت گرفته است، و این عمل تخلف از قراردادها محسوب می‌شود. معذک، خواندگان نتوانسته‌اند دلیلی برای این قبیل انگیزه‌ها که آن ترتیبات را مبدل به نقض قرارداد نماید، تسلیم کنند. آقای دالزیل، امضاء کننده یکی از دو قرارداد اجاره مورد بحث در سوگندنامه خود گواهی داده که وی هرگز اطلاعی از اینکه مالک در استخدام شرکت مخابرات بوده، نداشته است. علاوه براین، میزان اجاره بها با رهنمودهای امریکن بل و رویه آن شرکت در مورد اجاره بی‌اغراق صدها آپارتمان در ایران سازگار بود.

۱۵۹ - در نتیجه، خواندگان نتوانسته‌اند ثابت کنند که شرایط مربوط به اعمال هیچیک از

طرق جبران خسارت مندرج در ماده ۲۰ قرارداد احراز شده است. ترتیبات مورد بحث مسلماً نیازهای مشروع تجاری امریکن بل را تامین می‌نمود، و با ترتیبات مشابهی که امریکن بل در مدت مربوط بعمل می‌آورده، تفاوت فاحشی ندارد. علاوه بر آن، مدارک نه تنها حاکی از آن نیست که برای اختفای ترتیبات مورد بحث بطور سیستماتیک اقدامی می‌شده، بلکه برعکس نشان می‌دهد که در مستند کردن کلیه معاملات فوق بی‌پرده عمل می‌شده است. از اینرو، دیوان نتیجه می‌گیرد که نشانه‌ای از تخطی از ماده ۲۰ قرارداد ۱۳۸ مذکور یا مواد مشابه آن در سایر قراردادهای وجود ندارد. براین اساس، گذشته از این که دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی متقابلی که در آن ادعای نقض قوانین مجازات عمومی ایران شده باشد را ندارد، این نیز روشن است که این اظهار مبتنی براینکه رفتار امریکن بل قانون مجازات عمومی ایران و Foreign Corrupt Practices Act ایالات متحده را نقض کرده، به اثبات نرسیده است. بند ۳ صفحه ۳۵ قراراعدادی فوق‌الذکر. بنابراین، ادعای متقابل ایران رد می‌شود.

ج - اضافه پرداخت به علت عدم انجام وظائف طبق قرارداد ۱۳۸

۱۶۰ - خواندگان استدلال می‌کنند برای اینکه استحقاق امریکن بل برای دریافت بهای قرارداد قطعی شود، لازم بود که وی وظائف مشخصی را که در شرح کار تعریف شده بود، انجام دهد. خواندگان اظهار می‌دارند که نه تنها پیش پرداخت بلکه پرداختهای ماهانه نیز "جنبه موقت" و مشروط داشت، به این صورت که اگر طرحها طبق برنامه زمانی در نهایت امر تکمیل نمی‌گردید، مبالغ پرداختی می‌بایستی مسترد شود. بنابراین طبق اظهار ایران، مفاد قرارداد ۱۳۸ را باید به صورت تعهد نتیجه تفسیر گردد که به موجب آن امریکن بل فقط وقتی استحقاق دریافت آخرین پرداخت را پیدا می‌کرد که وظائفی را که در امر نظارت، آموزش و کارهای "قابل تحویل" مندرج در شرح کار به وی محول شده بود، تکمیل نماید.

۱۶۱ - خوانندگان براساس این فرض، جدولی حاوی تجزیه و تحلیل کار امریکن بل تسلیم نمودند. در این تحلیل ادعا شده که فقط ۱۲/۳ درصد از کل کارهای قابل تحویل طبق قرارداد ۱۳۸، انجام گرفته، در امر نظارت نیز مسئولیتهای انجام شده بیش از درصد فوق نبوده، و اسناد تسلیمی خواهان نشان می‌دهد که فقط ۷/۸ درصد از کل کارهای آموزشی مقرر در قرارداد ۱۳۸ به اتمام رسیده است. خوانندگان براساس این تخمین که ۷۰ درصد از بهای قرارداد به کارهای قابل تحویل، ۲۰ درصد به نظارت و ۱۰ درصد به آموزشی تخصیص داده شده بوده، چنین نتیجه می‌گیرند که امریکن بل باید "حداقل" ۲۰،۰۰۵،۷۸۳ دلار از وجوهی را که دریافت نموده است، به خوانندگان مسترد دارد.

۱۶۲ - خواهان منکر اصل این ادعای متقابل بوده و در مورد کیفیت قرارداد و دقت محاسباتی که در تائید ادعا بعمل آمده، با خوانندگان اختلاف نظر دارد.

۱۶۳ - دیوان نمی‌تواند با نظر شرکت مخابرات دائربراینکه قرارداد متضمن تعهد نتیجه بوده، موافقت کند. پرداخت بابت خدمت حرفه‌ای مذکور در قرارداد مستقیماً بر تسلیم کارهای قابل تحویل یا تکمیل کارهای مشخص مبتنی نبوده است. طبق بند ۴ ماده ۳ "مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار (امریکن بل) باتوجه به تعداد نفرات و مدت کار آنها ... محاسبه خواهد شد" (تاکید اضافه شده است). در قرارداد ۱۳۸ (درپیوست ۳) قیمت قرارداد بر مبنای خدماتی که قرار بود انجام گیرد، تعیین شده، ولی در قرارداد ۱۳۸ قیمت کارهای مشخص تصریح نگردیده، بلکه جدول نرخ تنظیم شده که به موجب آن میزان حق الزحمه پرداختی بابت هر نفر - ماه با سطح تجربه کارمندی که بابت خدمتشان صورتحساب به ایران ارسال می‌گردید، تغییر می‌نمود. بنابراین، مفاد قرارداد تعهد نتیجه ایجاد نکرده، که در آن فرض بر این شده باشد که پرداخت فقط بعد از ایفای وظائف مشخص انجام گیرد. برعکس، ضابطه خدماتی که ارسال صورتحساب بر آن اساس صورت می‌گرفت، ضابطه متعارف در قراردادهای مشاوره، یعنی مقدار وقت تخصصی بود

که برای حصول هدف های تعیین شده اختصاص یافته بود. این نتیجه گیری را بند ۱۳ پیوست ۳ (رجوع کنید به بند ۹۶ فوق) که به موجب آن قرار بود ایران صحت و سقم "تعداد، مدت کار و میزان نفر-ماه و قیمت های" مبنای صورتحسابها را بررسی کند، ولی تعداد وظائف مشخص انجام شده در دوره صورتحساب را در بررسی خود وارد ننماید، تأیید می کند.

۱۶۴ - در شرح کار برای ارسال صورتحساب خدمات انجام شده توسط امریکن بل یک برنامه زمانی تعیین شده بود و صورتحسابها برحسب نفر - ماه تنظیم می گردید. در صورت عدم رعایت این برنامه، ماده ۱-۶ مقرر می داشت که اگر "پیمانکار هریک از وظائف و تعهدات خود را طبق این قرارداد بطور صحیح و برابر برنامه زمانی طرح "سیک سویچ" انجام ندهد... کارفرما پیمانکار را کتبا"... آگاه نموده و تاریخی را برای رفع... تعیین خواهد نمود..." چنانچه متعاقبا "معایب (نواقص) رفع نمی شد، ایران طبق همان ماده "حق داشت قرارداد را طبق ماده ۱۸ فسخ نماید". ایران هیچگاه به استناد ماده ۶ اعتراضی ننمود و در نهایت امر هم، چه ظرف مدت شش ماه دوره بررسی صورتحسابها یا در هر زمان قبل از تسلیم ادعای متقابلش به دیوان، از تصویب صورتحسابهای تسلیمی بابت تعداد نفر-ماه خدمات انجام شده، خودداری نکرد. دیوان طی بندهای ۹۲ تا ۱۲۰ فوق، حق امریکن بل را نسبت به دو صورتحساب آخر بابت نفر-ماه (که بیش از سایر صورتحسابها مورد اختلاف می باشند) قاطعانه تأیید کرد. نظربه آنکه در مورد عدم استحقاق امریکن بل نسبت به دریافت مبالغ مندرج در صورتحسابهای قبلی، حتی دلائل کمتری وجود دارد، لذا ادعای متقابل متضمن موضوع پرداخت اضافی را باید مردود شناخت.

د - انجام کار بطور ناقص

۱ - مقدمه

۱۶۵ - طبق این ادعای متقابل خواندگان خسارتی حداقل بمبلغ ۱۰،۶۱۹،۹۰۶ دلار مطالبه می‌نمایند که حسب ادعا ناشی از این امر بوده که کیفیت اجرای تعهدات قراردادی امریکن بل طبق قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸ از استاندارد تعیین شده پائین تر بوده است. درحالیکه ادعای متقابل قبلی بطور کلی به جنبه‌های کمی کار امریکن بل مربوط می‌شد، دراین ادعای متقابل توجه به جنبه‌های کیفی کار معطوف گردیده است. طبق اظهار خواندگان، کارکنان امریکن بل حائز شرایط عالی تخصصی که از آنها انتظار می‌رفت، نبودند، و این امر موجب شد که خساراتی به ایران وارد شود. علاوه براین قبیل شکایات کلی، شرکت مخابرات نمونه‌های مشخصی از کارهای امریکن بل را که حسب ادعا عیب و نقص داشته، ذکر کرده است. اینگونه معایب و نواقص مربوط به کارهای قابل تحویل خاص و وظائف امریکن بل در امر نظارت است.

۱۶۶ - خواهان منکر صحت این ادعاها شده و نیز استدلال می‌کند که طبق تصمیمات متخذ دیوان در قرار اعدادی، طرح ادعای متقابل حاضر ممنوع است. استدلال اخیر را باید در ارتباط با قسمتهای مختلف این ادعای متقابل مورد بحث قرارداد.

۲ - شرایط تخصصی و شایستگی پرسنل امریکن بل

۱۶۷ - در مورد ادعاهای مربوط به شرایط تخصصی و شایستگی کارکنان امریکن بل، دیوان در قرار اعدادی (بند ۳ صفحه ۲۵) چنین نظر داد:

"مواد ۳-۶ و ۳-۳ هر دو قرارداد برای ایران ۱۰ روز فرصت قائل می شد که کارکنان امریکن بل را پیش از اعزام به ایران نپذیرد و نیز این حق را قائل می شد که کارکنان امریکن بل را بدون هیچگونه دلیلی اخراج نماید. در صورتیکه خواندگان از وسائل جبران خسارت پیش بینی شده در مواد ۳-۳ و ۳-۶ استفاده نکرده باشند، اکنون از اقامه ادعاهای متقابل در مورد چنین موضوعاتی ممنوعند، مگر در صورت وجود ادله و مدارکی دال بر اوضاع و احوالی که بتواند عذر معتبر و قانونی برای عدم استفاده از این وسائل تلقی شود".

۱۶۸ - مدارکی در دست است که نشان می دهد شرکت مخابرات گهگاه عدم رضایت خود را از بعضی از کارمندان امریکن بل ابراز و درخواست برکناری آنها را می کرده است. ولی در سوابق امر هیچ مدرک یا حتی اشاره‌ای مبنی بر قصور امریکن بل در برکنار کردن اشخاص مورد بحث از طرح "سیک سویچ" دیده نمی شود. گذشته از این موارد ظاهراً" معدود دال بر استفاده خواندگان از وسائل جبران خسارت پیش بینی شده در قرارداد در مورد کسانی که ظاهراً" واجد مهارت های تخصصی رضایت بخش نبوده‌اند، یا اینکه خواندگان برای این قصور به حد کافی معذور بوده‌اند، مدرکی در دست نیست. در نتیجه، به موجب بند ۳ صفحه ۲۸ قرار اعدادی فوق‌الذکر "خواندگان... از طرح اعتراض یا دعاوی متقابل در رابطه با شرایط تخصصی و تجربی و نحوه انجام کار توسط پرسنل امریکن بل، ممنوعند".

۳ - کارهای قابل تحویل خاص

۱۶۹ - خواندگان در حدود بیست قلم قابل تحویل که حسب ادعا وجود عیب و نقص در کار امریکن بل را نشان می‌دهد، مشخص نموده‌اند که سیزده قلم آنها به "نیازمندیهای سیک سویچ نظامی" مربوط می‌شود. بقیه اقلام به "شبکه اس. تی. دی."، "نقشه هاو اسامی شهرهای گره ارتباطی بین‌شهری"، مدارک مهندسی برای مراکز تلفن "EAX" و "تعیین برق مورد نیاز"، "تهیه مقدمات مناقصه دستگاه سویچینگ اس پی سی"، "مناقصه مربوط به

کابل طرح توسعه تلفن ۰۸۳ و "سیستم ماهواره زهره".

۱۷۰ - قراردادهای بآن نحو که در قرار اعدادی تفسیر شده‌اند، در این مورد نیز صادق می باشند. دیوان نظر داد که به موجب مواد ۱۵-۲ و ۱۶-۲ "خوانندگان از طرح هرگونه اعتراض و اقامه هرگونه ادعای متقابل در رابطه با اقدامات پیشنهادی امریکن بل و کیفیت کارهای انجام شده توسط نامبرده ممنوع می باشند"، مگر آنکه ظرف ۴۵ روز این کارها را رد کرده یا عذر قانونی برای عدم انجام آن داشته باشند. بند ۳ صفحه ۲۲ قرار اعدادی فوق‌الذکر. در مورد کارهایی که امریکن بل انجام داده، ماده ۱۶-۲ بشرح زیر مقرر می دارد:

در صورتیکه گواهیها مورد تصویب نباشند کارفرما باید تا ۴۵ روز پس از تسلیم، کتبا و با ذکر دلایل عدم قبولی، پیمانکار را مطلع نماید.

۱۷۱ - ولی در مورد قصوری که "صرفاً" قابل انتساب به امریکن بل باشد و بعد از مهلت مزبور کشف شود، "تائید کار امریکن بل توسط دولت ایران، امریکن بل را از مسئولیت نواقص و اشتباهات... در صورتیکه اینگونه نواقص و اشتباهات ظرف دو سال پس از شروع بهره‌برداری از پروژه مشاهده شود، مبری و معاف نمی سازد". همان ماخذ صفحه ۲۳. شرط قصور که صرفاً قابل انتساب به امریکن بل باشد، نیز در ارتباط با مسئولیت کارهایی که طبق ماده ۶-۲ مورد تصویب قرار نگرفته‌اند، صادق است.

۱۷۲ - در قرار اعدادی درباره "هرگونه اثر محدود کننده ماده ۱-۶ و شرایط دیگر قراردادهای"، بحثی به میان نیامده است. ماده ۱-۶ قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸ ایران را ملزم می نماید که "(امریکن بل) را کتبا از خطاها و قصور او (امریکن بل) آگاه نموده و تاریخی را برای رفع این ایراد... تعیین نماید"، چنانچه امریکن بل "ایراد مذکور را

برطرف ننماید"، ایران حق داشت باستناد ماده ۱۸ قرارداد را فسخ کند. بدین ترتیب ماده ۶-۱، علاوه بر مواردی که در قسمت قبل مورد بحث قرار گرفت، شامل موارد تخلف اساسی قرارداد، مانند ارائه کار قابل تحویل بطور ناقص، نیز می شود. در این رابطه ماده ۶-۱ مکمل شرط ماده ۲-۱۶ مذکور در فوق می گردد. طبق ماده ۲-۱۶ ایران می توانست حداقل بدو "بنحو مقتضی از تأیید گواهی قبولی مربوط به کارهای قابل تحویل خود داری کند، بدون آنکه مدت معینی برای رفع نواقص تعیین نماید. بعد از آن امریکن بل مکلف بود یا اسناد را اصلاح نماید یا عدم لزوم اصلاح را توضیح دهد. ولی چنانچه ایران از توضیحات یا از نتیجه تجدیدنظر قانع نمی شد، طبق ماده ۶-۱ لازم بود که خطا یا قصور را به امریکن بل اطلاع، و به وی مهلتی دهد تا ظرف آن مهلت "ایراد را رفع کند". بجز مواردی که مشمول ماده ۲-۱۶ می گردد، در مورد تخلفات عمده ادعائی نیز لازم بوده مهلتی برای رفع ایراد داده شود. چنانچه چنین فرصتی به امریکن بل داده نمی شد، این شرکت از فرصت به موقع برای اثبات عدم وقوع تخلف یا در صورت وقوع تخلف، از فرصت رفع فوری آن محروم می شد.

۱۷۳ - با اعمال این اصول به پرونده حاضر، بنظر می رسد که در مورد اکثریت قریب به اتفاق کارهای قابل تحویل مورد اختلاف، ایران رویه های پیش بینی شده در قرارداد را رعایت ننموده است. در مورد دو قلم از کارهای قابل تحویل مربوط به نیازمندیهای سیک سویج نظامی، وضع را باید بنحو متفاوتی مورد قضاوت قرار داد.

۱۷۴ - اولین کار قابل تحویل سند شماره ۲۳۴ می باشد ("گزارش نتیجه کار حاکی از وضعیت برنامه و اقدام لازم برای کنترل آن، تهران، ایران"). امریکن بل در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۷۷ (۱۷ آبان ماه ۱۳۵۶) گواهینامه قبول کار این سند را به شرکت مخابرات تسلیم نمود. در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۷ آذرماه ۱۳۵۶) واحد مسئول شرکت مخابرات در این امر ("6 - J") گزارشی به مدیر عامل آن شرکت ارسال کرد، و طی آن متذکر شد

که سند "تارسا" بوده و به "تجدیدنظر کامل نیاز دارد". امریکن بل اظهار می دارد که مدارکی حاکی از " ارسال گزارش مزبور از طرف شرکت مخابرات به امریکن بل " وجود ندارد، ولی شرکت مخابرات صورت جلسه‌ای را ارائه داده که در همان روز (۱۸ دسامبر ۲۷/۱۹۷۷ آذرماه ۱۳۵۶) با حضور مقامات سازمان ارتباطات و الکترونیک و امریکن بل تشکیل شده و در آن موضوع کار قابل تحویل مورد بحث قرار گرفته است. طبق این صورت جلسه، "سپید توکلی عدم رضایت خود" را از سند ۲۳۴ و بعضی از کارهای قابل تحویل دیگر اعلام نمود، و سپس "امریکن بل پاسخ داد که این اسناد نتیجه نهائی نبوده ولی کاملترین کاری است که اکنون می توان انجام داد". صورت جلسه فوق حاکی است که طرفین در مورد مطابق روز کردن کارهای قابل تحویل به توافق رسیده‌اند.

۱۷۵ - کار قابل تحویل مورد بحث دیگر سند شماره ۲ - ۲۸۷ (گزارشهای پیشرفت کار تامین خدمات برای مشتریان نظامی و غیرنظامی) می باشد که گواهینامه قبولی کار آنرا امریکن بل در ۸ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۶ مهرماه ۱۳۵۷) تسلیم کرد. در ۱۳ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۲ آبان ماه ۱۳۵۷) واحد مسئول شرکت مخابرات در این امر در یادداشتی که به مدیر عامل آن شرکت ارسال نمود، از سند مزبور انتقاد کرده و بطور خلاصه متذکر گردید که "می‌داند با آن چه کند". امریکن بل با ذکر اینکه "در ۱۳ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۲ آبان ماه ۱۳۵۷)، J-6 دو صفحه حاوی اظهارنظرات سازنده تسلیم نمود..." که مورد قبول امریکن بل واقع شد" به وصول سند فوق اعتراف نموده است.

۱۷۶ - دیوان نتیجه می گیرد که در هر دو مورد ایران طبق ماده ۱۶-۲ قرارداد، ظرف ۴۵ روز از تاریخ تسلیم گواهینامه قبول کار، عدم تأیید خود را با صراحت کامل به امریکن بل ابلاغ نمود. قرائن حاکی است که در هر دو مورد امریکن بل تصدیق کرده که اسناد مورد بحث به تجدیدنظر نیاز داد. ولی هیچ مدرک یا حتی قرینه‌ای در دست نیست (بجز اظهارات امریکن بل در جریان رسیدگی حاضر داور براینکه اظهارنظر شرکت مخابرات

درباره سند ۲-۲۸۷ را "پذیرفته است" که کارهای قابل تحویل براساس اظهار نظر ایران اصلاح یا مورد تجدیدنظر قرار گرفته باشد. بنابراین امریکن بل به موجب ماده ۱۸-۲ "مسئول کلیه مخارج تغییر، تعویض یا اصلاحات" مربوط به کارهای قابل تحویل تأیید نشده می‌باشد. مقایسه‌شود با بند ۳، صفحات ۲۶ و ۲۷ قرار اعدادی، فوق‌الذکر. دیوان با توجه به فقد مدارک مربوط به این هزینه‌ها و اشکالات مربوط به تقویم آنها، صدور حکمی بمبلغ ۵۰,۰۰۰ دلار به نفع ایران را معقول می‌داند.

۱۷۷- در رابطه با بقیه کارهای قابل تحویل مورد بحث، خواندگان، باتوجه به رویه‌ها و ضوابط مقرر در قرارداد ۱۳۸ و قرار اعدادی، نتوانسته‌اند استحقاق خود را ثابت کنند. یا ایران نتوانسته ظرف ۴۵ روز با صراحت عدم تأیید خود را ابراز نماید، یا حتی اگر عدم تأیید قابل استنباط هم باشد، سوابق نشان می‌دهد یا مسائل در تجدیدنظر بعدی حل شده و یا حداقل بدان منجر نگردیده که تخلف صراحتاً به پیمانکار اطلاع و طبق ماده ۱-۶ به وی دستور داده شده باشد که نواقص را ظرف مهلت معینی رفع نماید. گذشته از آنکه چنین اطلاعاتی به پیمانکار داده نشده، در بعضی موارد (مانند کارهای قابل تحویل مربوط به طرحهای مهندسی مراکز تلفن EAX و تعیین نیازمندیهای برق مراکز مزبور) دلائل قوی در دست است که نشان می‌دهد که اگر تمام نواقصی که احیاناً وجود داشته، قابل انتساب به پیمانکاران دیگر نبوده، پیمانکاران مزبور لاقلاً در مورد بعضی از آنها مقصر بوده‌اند، و همانطور که در قراردادها و قرار اعدادی پیش‌بینی شده، نواقص مزبور صرفاً "قابل انتساب به امریکن بل" نبوده است. در مواردی، نظیر مورد برنامه های مناقصه و برنامه سیستم ماهواره فوق‌الاشعار هم که بتوان قابل انتساب بودن معایب ادعائی را ثابت نمود، مدارک قابل قبول‌تر نیز از عهده اثبات کمترین تخلفی از ناحیه امریکن بل برنمی‌آید.

۴ - نظارت

۱۷۸ - سومین دسته عمده دعاوی اجرای ناقص کار به نظارت امریکن بل در کار پیمانکاران مختلف در برنامه "سیک سویچ" که حسب ادعای صورت ناقص انجام گرفته، مربوط است. قراردادهای مورد بحث عبارتند از " قرارداد شماره ۱۲۸-۳ CEO (۰۴۹- TDP) برای تهیه و نصب مولد برق دیزلی"، " قرارداد شماره ۰۳۵- TDP برای نصب کابل تهران" و " قرارداد شماره ۰۳۸- TDP برای نصب کابل استانها " و نیز سایر قراردادهای مربوط به " طرحهای ساختمان مراکز تلفن STD ". در این رابطه قرارداد ۱۳۸ ، به صورتی که در قرار اعدادی تفسیر شده، از جمله مقرر می دارد که "امریکن بل فقط در قبال خطاهای خود، یعنی مسامحه مسئول است". علاوه براین، طبق بند ۳، صفحه ۲۴ قرار اعدادی مذکور در فوق :

"...ماده ۱۸-۲ مقرر می نماید که در رابطه با هریک از اشتباهات امریکن بل، یعنی مسامحه در انجام "سایر وظائف نظارت و نصب، آزمایش و تأیید"، امریکن بل متعهد است که بررسی و پیگیری نماید که فروشندگان و مشاوران مربوطه این نواقص و معایب را بدون هیچگونه هزینه ای برای دولت ایران اصلاح و رفع نمایند."

۱۷۹ - امریکن بل طی توضیحات و سوگندنامه های مفصل، ادعاهای خواندگان در مورد پائین بودن کیفیت کار را رد کرده است. رویهمرفته دیوان نتیجه می گیرد که ایران از عهده اثبات ادعای خود برنیامده است. حتی در مواردیکه انتقاد و اظهارنظر شرکت مخابرات به اصلاح و رفع معایب نیانجامیده (و غالباً منتهی به اصلاح معایب شده) بازهم مدرکی وجود ندارد که دلالت براین نماید که بقیه نواقص بعلت تقصیری که قابل انتساب به امریکن بل باشد، بوده است. بنابراین، قسمتهای حاضر ادعای متقابل رد می شود.

۱۸۰ - در نتیجه، امریکن بل بابت ادعای متقابل حاضر مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار به خواندگان بدهکار است. باتوجه به این مبلغ لزومی ندارد درباره محدودیتهائی که در ماده ۲۱-۲

قراردادها در مورد کمیت مسئولیت امریکن بل یا مستثنیات احتمالی این محدودیتها پیش‌بینی شده، بحثی به میان آید. مقایسه شود با بند ۳ صفحات ۲۸ تا ۳۰ قرار اعدادی فوق‌الذکر.

هـ- باز پرداخت هزینه های مالیاتی

۱۸۱- یکی از اجزای^۶ هزینه نرخهای نفر - ماه در قرارداد ۱۳۸، مبلغی بود که برای جبران هزینه امریکن بل در بازپرداخت مالیاتهای اضافی که احياناً کارمندان آن در نتیجه تغییرات احتمالی قوانین مالیات بر درآمد ایالات متحده متحمل می‌شدند، منظور گردیده بود. ولی تغییر مزبور هرگز صورت نگرفت. خوانندگان اظهار می‌دارند که امریکن بل متعهد شده بود که در صورت عدم اجرای قانون مالیات، وجوه دریافتی بابت قوانین مالیاتی پیش‌بینی شده را مسترد نماید. براین اساس، خوانندگان مبلغ ۳،۷۱۶،۱۶۵ دلار مطالبه می‌نمایند.

۱۸۲- همانطوریکه خوانندگان اعتراف کرده‌اند این ادعای متقابل تا قبل از تسلیم لایحه ادعای متقابل شرکت مخابرات در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۸۵ (۸ شهریورماه ۱۳۶۴) مطرح نگردید. لذا، این امر طبق بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان که مقرر می‌دارد ادعای متقابل باید "در لایحه دفاعیه یا در مراحل بعدی جریان دآوری، در صورتی که دیوان تشخیص دهد که باتوجه به اوضاع و احوال تاخیر موجه بوده است" مطرح گردد، مسائلی را مطرح می‌سازد. در ارزیابی اوضاع و احوال تاخیر باید، از جمله، لطمه‌ای که ممکن است بعلت ارائه دیرتر از موقع ادعای متقابل به حقوق خواهان وارد شود به عنوان یک عامل مهم مورد توجه قرار گیرد.

۱۸۳- دیوان ملاحظه می‌کند که این ادعای متقابل در حدود پنج هفته قبل از تشکیل

جلسه استماع و چهار هفته قبل از تاریخی که قرار بود امریکن بل لایحه معارض خود را تسلیم کند، ارائه گردید. درباره موضوعات حقیقی مطروحه، باید گفت که پیچیدگی این ادعای متقابل کمتر از سایر قسمتهای پرونده حاضر است. بنابراین تهیه دفاعیه آنچنان مشکلاتی برای امریکن بل ایجاد نمی‌کرد که در حکم تضییع ناروای حقوق باشد، و خواهان حتی ادعا نکرده که چنین لطمه‌ای به وی وارد شده است. باتوجه به مراتب فوق، و با اذعان به این که خواندگان ممکن است در موقع ارائه لایحه دفاعیه نتوانسته باشند از بین مطالب مستند حجیم مربوط به برنامه سیک سویچ، مدارک (اکثراً" نامه‌های امریکن بل) موید این ادعای متقابل را بیابند، دیوان براین نظر است که در این شرایط تسلیم دیرتر از موقع ادعای متقابل قابل قبول است.

۱۸۴ - خواندگان در مورد ماهیت ادعای متقابل مکاتبات بین امریکن بل، سازمان ارتباطات و الکترونیک و ای تی اند تی و نیز دو یادداشت مرتبط با این موضوع را به عنوان مدرک ارائه داده‌اند. طبق این اسناد امریکن بل در آن موقع به ای تی اند تی اطلاع داد که چنانچه قانون هیچوقت بموقع اجرا در نیاید، امریکن بل "مجبور خواهد بود (مبالغ معادل هزینه های اصلاح پیش بینی شده در مقررات مالیاتی) را به مشتری خود مسترد دارد". امریکن بل باتوجه به همان امکان، به سازمان ارتباطات و الکترونیک نوشت که "امریکن بل مسلماً" مبلغ مورد طلب را به دولت شاهنشاهی ایران مسترد خواهند نمود"، و زمانی که روشن شد که هزینه‌های پیش بینی شده بمصرف نرسیده، در جلسه‌ای که با حضور رئیس امریکن بل و ارتشبد طوفانیان تشکیل شد، امریکن بل تصدیق کرد که "بنابراین ما دو میلیون دلار بشما بدهکاریم و آنرا بشما پرداخت خواهیم کرد". هرچند تغییرات هزینه های منظور شده در نرخ نفر - ماه را باید به عنوان ریسکی تلقی نمود که طرفین باید تقبل نمایند، ولی مدارک مذکور در فوق نشان می‌دهد که در این مورد خاص، طرفین عنصر هزینه مورد بحث را مشروط تلقی می‌کردند و چنانچه شرایطی که براساس آن هزینه های مزبور در نرخهای نفر - ماه منظور شده

بود، تحقق نمی‌یافت، امریکن بل را موظف به بازپرداخت وجوه مزبور می‌دانستند. چون مدرکی دائربراینکه وجوه واقعا" مسترد شده، وجود ندارد یا چنین ادعائی نیز نشده، لذا این ادعای متقابل معتبر است.

۱۸۵ - در مورد مبلغ، نامه مورخ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۸ (۲۲ خردادماه ۱۳۵۷) امریکن بل حاکمیت که خواهان اعتراف کرده که مبلغ قابل پرداخت "تقریباً ۳،۵۰۰،۰۰۰ دلار" است. از آنجا که تعیین مبلغ دقیق مشکل است، لذا دیوان این رقم را پذیرفته، و حکمی جهت پرداخت ۳،۵۰۰،۰۰۰ دلار به ایران صادر می‌نماید.

و - وصول ارزش اموال مفقوده

۱۸۶ - خواندگان ادعا می‌کنند که امریکن بل هنگام ترک ایران، با تخلف از قرارداد، اموال شرکت مخابرات بارزش ۱،۲۶۶،۲۵۶ دلار و ۱،۱۰۸،۲۵۵ ریال را اعاده ننموده است. طبق گفته خواهان، چنانچه ثابت نشود که رفتار امریکن بل عمدی بوده یا وی قصور کرده، در آنصورت مسئولیت مفقود شدن آن اموال برعهده ایران می‌باشد. بعلاوه خواندگان مدرک کافی درتائید زیان وارده ارائه نداده‌اند.

۱۸۷ - دیوان لازم نمی‌بیند تصمیمی درباره موضوع مسئولیت در قبال اموال و اثر وضع فورس ماژوری که آخرین کارمندان امریکن بل در آن وضع ایران را ترک کردند، اتخاذ نماید، زیرا خواندگان زیانهای ادعائی را به اثبات نرسانده‌اند. فقط خلاصه‌ای بصورت جدول حاوی شماره صورتحسابها و مبلغی که حسب ادعا بابت تجهیزات مورد بحث بمصرف رسیده، تسلیم شده است. هیچگونه صورتحساب یا مدرک اساسی دیگری درتائید از بین رفتن تجهیزات ارائه نگردیده است. ادعای متقابل بعلت فقد دلیل رد می‌شود.

ز - مرخصی های اضافی و غیبت های غیرمجاز

۱۸۸ - خواندگان اظهار می دارند که اسناد امریکن بل در مورد کارکنانش در ایران توام با "سایر اطلاعاتی که در دسترس شرکت مخابرات می باشد" نشان می دهد که کارمندان آن شرکت از مرخصی های اضافی استفاده کرده و غیبت های غیر مجاز داشته اند. خواندگان براساس محاسباتی که در "جدول مرخصی اضافی" تسلیمی خود به عمل آورده اند، ادعا می کنند که چون در اثر مرخصی های اضافی، مورد اجحاف قرار گرفته اند، لذا طبق قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸ حق دارند مبلغ ۷۶۳،۹۷۱ دلار بابت اضافه پرداخت دریافت نمایند. مبلغی که بابت "غیبت های غیرمجاز" مطالبه شده، ۴۹،۱۵۴ دلار و بدین ترتیب مبلغ مورد مطالبه جمعا "۸۱۳،۱۲۵ دلار می باشد.

۱۸۹ - خواهان با ارائه سوابق حضور واقعی کارمندان مورد اختلاف که تعداد ایام مرخصی استفاده شده را نشان می دهد به ادعاهای مربوط به مرخصی های اضافی پاسخ گفته است. اسناد فوق همراه با توضیحات ضمیمه آن نشان می دهد که محاسبات خواندگان مبنای صحیحی نداشته، و در نتیجه نامبردگان متوجه نشده اند که طبق پیوست ۶ قراردادهای مرخصی استحقاقی کارمندان صرفا "بستگی به طول خدمتشان در ایران نداشته بلکه به طول تمام دوران خدمت آنها در بل سیستم مبتنی بوده، و کارمندان می توانستند مرخصی استفاده نشده سال قبل را به سال بعد منتقل کنند. دیوان پس از بررسی محاسبات ارائه شده طرفین به این نتیجه رسیده که خواندگان نتوانسته اند ثابت کنند که براساس مرخصی های اضافی استحقاق دارند وجهی دریافت نمایند.

۱۹۰ - در مورد غیبت های غیرمجاز ادعائی دیگر، در بند ج پیوست ۶ قرارداد ۱۳۸ (در قرارداد ۱۱۸ نیز اساسا "قید مشابهی وجود دارد) مقرر گردیده که:

به پیمانکار در مورد سایر غیبت های مجاز حداکثر تا ۲۴ روز در

هرسال برای هر نفر در مدت یکسال قرارداد برای تمام موارد زیر (به آنگه برای هر مورد) پرداخت خواهد شد:

بدلائل مذهبی و سایر دلائل شخصی تا ۳ روز، بیماری، مسافرت به و از ایران بجز برای کار، مرگ بستگان، مراجعت به کشور زوری و خدمت احتیاط برای پرسنلی که در ایالات متحده کار می کنند و سایر دلائل شخصی مورد تصویب. مسافرت برای انجام کار غیبت منظور نمی شود.

۱۹۱ - خوانندگان ادعا می کنند که دو نفر از کارمندان امریکن بل جمعا" بیش از ۷۷ روز غیبت داشته اند. خوانندگان به عنوان مدرک، به سند امریکن بل تحت عنوان "پرسنل درایران" که از ۱۲ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۱ آذرماه ۱۳۵۸) به اجرا درآمده، و توسط شرکت مخابرات ارائه شده، اشاره می کنند. این سند حاکی است که غیبت هر دو نفر جنبه "اضطراری" داشته است. در یک مورد، غیبت ۶۸ روز و در مورد دیگر ۵۷ روز طول کشیده است. چون این نوع غیبت بوضوح در حیطه شمول شرط (ج) مندرج در فوق واقع می شود، این بدان معنی است که هر دو غیبت از ۲۴ روزی که امریکن بل حق داشت در صورتحسابهای نفر- ماه خود منظور دارد، تجاوز کرده است. طبق ادعای خوانندگان مدت غیبت جمعا" ۷۷ روز بوده است. از آنجا که امریکن بل حتی ادعا نکرده که مبالغ مربوط به این روزها از صورتحسابهای مربوطه نفر - ماه کسر گردیده، لذا دیوان براین نظر است که ایران استحقاق دریافت مبلغ معادل آن را دارد. در نبود مدارک دیگر، با قبول اینکه مبلغ مورد مطالبه، یعنی ۴۹،۱۵۴ دلار، دقیقا" اضافه دریافتی را منعکس می نماید، لذا دیوان حکمی جهت پرداخت آن به خوانندگان صادر می نماید.

ح - مالیات و حقوق تامین اجتماعی

۱۹۲ - خوانندگان ادعای متقابلی نیز بابت مالیات و حقوق تامین اجتماعی مربوط به پرسنل ایرانی و پیمانکاران فرعی امریکن بل که حسب ادعا پرداخت نشده، مطرح ساخته اند.

خواهان هم صلاحیت دیوان نسبت به این ادعای متقابل را نفی و هم ماهیت آنرا تکذیب می‌نماید.

۱۹۳ - دیوان ملاحظه می‌نماید که هیچگونه دلیلی در مورد تعهدات مالیاتی و حقوق تامین اجتماعی ارائه نشده است. بجای آن خواندگان تقاضا کرده‌اند به امریکن بل دستور داده شود اسناد پرداخت مربوطه خود را ارائه دهد. دیوان دلیل کافی برای موافقت با این تقاضا در دست ندارد و لذا به علت فقد دلیل، ادعای متقابل را رد می‌کند. با توجه به مراتب فوق، دیوان لزومی نمی‌بیند به موضوع صلاحیت نسبت به ادعای متقابل حاضر بپردازد.

ط - سود اضافی و درخواست برای حسابرسی و نصب کارشناس

۱۹۴ - بند ۱۴ پیوست ۳ هر دو قرارداد ۱۱۸ و ۱۳۸ حاوی شرط زیر می‌باشد.

چنانچه منفعت پیمانکار شامل مالیات دولت امریکا از منافع کمپانی در هر سال تقویمی از خدمات بند ۱-۱ پیوست ۳ از ۱۸٪ مخارج واقعی بر طبق روشهای ای تی اند تی تجاوز نماید، در اینصورت پیمانکار باید مبلغ اضافی را به کارفرما برگرداند.

۱۹۵ - خواندگان با القاء این "احتمال که امریکن بل هزینه‌های خود در ارتباط با قراردادهای ۱۱۸ و ۱۳۸ را بیش از حد ذکر کرده" و از این راه سود اضافی تحصیل نموده، درخواست حسابرسی می‌نمایند تا معلوم شود که آیا واقعا "سود اضافی تحصیل شده، و اگر چنین سودی عاید شده میزان آن واقعا" چقدر بوده است. علاوه براین، خواندگان در جریان رسیدگی، تقاضاهای دیگری برای حسابرسی سوابق مالی امریکن بل به عمل آورده و نیز درخواست کرده‌اند که برای ارزیابی خسارات ادعائی آنان یک نفر کارشناس منصوب شود.

۱۹۶ - ایران طبق قرارداد حق داشته سوابق امریکن بل را برای مدت و مقاصد محدودی حسابرسی نماید. همانطوریکه قبلاً (بندهای ۹۶ و ۹۷ فوق) بحث شد ایران، بموجب بند ۱۳ پیوست ۳ حق داشته کلیه سوابقی را که جهت تأیید صورتحسابها لازم بوده، تا هفت ماه پس از تسلیم آنها حسابرسی کند. قصور خواندگان در استناد به حق قراردادی‌شان، اکنون آنها را از طرح آن ممنوع می‌سازد. در مورد حسابرسی سود اضافی ادعائی، در قرارداد حقی برای خواندگان پیش بینی نشده است. علاوه براین، طبق سوگندنامه آقای پورتن چنین سود اضافی عاید نشده است. مدرک کافی دال بر احتمال تحصیل سودی که از لحاظ قرارداد اضافی باشد، ارائه نگردیده است. بنابراین، دیوان ادعای متقابل بابت سود اضافی ادعائی و درخواست برای حسابرسی را رد می‌کند.

۱۹۷ - در مورد لزوم تعیین کارشناس، دیوان ملاحظه می‌کند که طرفین بیش از حد لازم وقت داشته‌اند که دعوای خود را آماده و از کارشناسان خود استفاده نمایند. دیوان بعد از بررسی پرونده باین نتیجه رسیده که منافع که احیاناً از نصب کارشناس عاید می‌گردد با تاخیرات و لطمات ناشی از آن که به حقوق کلیه طرفها وارد می‌آید، متناسب نیست. بنابراین این درخواست رد می‌شود.

ی - سایر تخلفات

۱۹۸ - شرکت مخابرات در لایحه ادعای متقابل مورخ ۳۰ اوت ۱۹۸۵ (۸ شهریورماه ۱۳۶۴) خود متذکر گردیده که "کلیه دعوای مطروح در دادخواست متقابل مورخ ۱۴ مه ۱۹۸۲ (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) خود را در حدودی که در این جا بنحو دیگری مورد بحث واقع نشده و یا بطور قطع در قرار اعدادی فیصله نیافته باشد، مجدداً مطرح می‌سازد...". دیوان براین نظر است که گذشته از مسائلی که تاجال در ارتباط با ادعاها یا ادعاهای متقابل مورد بحث قرار گرفته و فیصله یافته‌اند، دادخواست متقابل شرکت

مخابرات و مدارک مربوطه، تخلقاتی را که خوانندگان استحقاق دریافت خسارت بابت آنها داشته باشند ثابت نمی کند. نتیجتاً، ادعای متقابل بابت سایر تخلقات رد می شود.

ششم - بهره

۱۹۹ - خواهان نسبت به کلیه اجزای ادعای خود بهره ساده‌ای به نرخ سالانه ۱۲ درصد مطالبه می کند. بهره مربوط به صورتحسابهای خدمات تخصصی، خرید و محل کار از تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۸) مطالبه شده است، چه در این تاریخ ایران ضمانت نامه بانکی را که امریکن بل جهت تضمین پیش پرداخت ایران افتتاح کرده بود، وصول نمود. بهره ادعای خواهان بابت هزینه‌های فسخ قرارداد از ۵ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۴ آذرماه ۱۳۵۸) یعنی ۳۰ روز بعد از تاریخی که ایران آخرین صورتحساب هزینه‌های فسخ را دریافت داشته، مطالبه شده است. خواهان تاکید می کند که وی با انتخاب این تاریخ از حق خود نسبت به بهره "از ۳۰ روز بعد از دریافت هر صورتحساب از طرف ایران" صرف نظر می نماید. بهره ادعای مصادره از تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۸۰ (۲۰ مردادماه ۱۳۵۹) مطالبه شده، "زیرا در آن تاریخ بود که دیگر به امریکن بل اجازه داده نشده از وجوه خود استفاده نماید".

۲۰۰ - خوانندگان با پرداخت بهره مخالفند، ولی در صورت پرداخت بهره، تقاضا دارند که در مورد کلیه ادعاهای متقابل شرکت مخابرات هم بهمان ترتیب عمل شود.

۲۰۱ - دیوان بدواً توجه دارد که در یک مرافعه بازرگانی نظیر پرونده حاضر خواهان برای جبران خسارات تاخیر تادیه قطعاً حق دارد بهره‌ای به نرخ "معقول" و "عادلانه" دریافت نماید. مقایسه شود با پرونده مک کالو کامپنی، اینکوریپتد و وزارت پست و تلگراف و تلفن، صفحات ۳۷ و ۳۸ حکم شماره ۳-۸۹-۲۲۵ مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۶

(دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵). باتوجه به اینکه نرخ بهره قراردادی مورد توافقی در دست نیست، و با درنظر گرفتن ملاحظاتى که در پرونده مک کالو بیان شده، دیوان نرخ عادلانه بهره قابل پرداخت به خواهان را ۱۰ درصد در سال تعیین می‌کند.

۲۰۲ - در مورد اکثر اجزاء ادعای خواهان، تعیین اینکه از چه تاریخی بهره باید محاسبه گردد، امر نسبتاً ساده‌ای است. در مورد صورتحساب شماره ۲۲۰ مربوط به خدمات تخصصی (۱۳۸۴، ۱۲۰، ۱۳ دلار آمریکا) که بابت آن امریکن بل از تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۸) بهره مطالبه می‌نماید، وضع بدین منوال است. چون موعد پرداخت این صورتحساب حتی قبل از آن تاریخ (مقایسه شود با بند ۱۱۲ فوق) فرا رسیده بود، لذا دیوان بدون تردید حکم به پرداخت بهره از تاریخ مورد درخواست صادر می‌نماید. همین امر در مورد صورتحسابهای خرید جمعا" بمبلغ ۱،۴۸۰،۷۵۸ دلار و همچنین صورتحسابهای شماره ۸۲۶ (۴۲/۶۹۶، ۳۷۹ دلار آمریکا) و شماره آر ۸۱۸ (۷۹/۷۶۲ دلار آمریکا) مربوط به محل کار نیز صادق است: بهره این مبالغ باید از ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۸) بدانسان که امریکن بل مطالبه کرده، محاسبه گردد، زیرا این تاریخ موخر بر موعد پرداخت می‌باشد. بنابراین نسبت به کل مبلغ ۱۴،۹۸۱،۵۰۲/۲۱ دلار، بهره از ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۸) محاسبه می‌شود.

۲۰۳ - از طرف دیگر، مابقی اجزاء ادعا که بابت آن از تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۸) بهره مطالبه شده، تا بعد از تاریخ مذکور قابل پرداخت نگردید. بنابراین بهره متعلق به وجوه مورد بحث نیز باید از تاریخ موخری محاسبه گردد. در مورد صورتحساب شماره ۸۲۷ (۵۰/۱۸۵، ۵۵۷ دلار) مربوط به محل کار، تاریخ مزبور ۲۵ اوت ۱۹۷۹ (۳ شهریورماه ۱۳۵۸) یعنی سررسید صورتحساب فوق می‌باشد (بند ۱۴۳ فوق). چون مدارک موید صورتحساب شماره ۲۲۱ (به مبلغ ۱۲،۸۹۹،۵۵۴ دلار آمریکا) بابت خدمات تخصصی که در دسامبر ۱۹۷۸ تسلیم شد تا زمان رسیدگی به این پرونده در

دیوان بطور قطعی اثبات نگردیده بود، لذا دیوان تاریخ قطعی قابل پرداخت بودن صورتحساب مزبور را بعد از تاریخ مدلل شدن آن، یعنی ۲۵ نوامبر ۱۹۸۴ (۴ آذرماه ۱۳۶۳) (بند ۱۲۰ فوق) تعیین می‌کند و مقرر می‌دارد که بهره از آن تاریخ محاسبه شود.

۲۰۴ - چنانچه امریکن بل طبق شرایط قرارداد درباره هزینه‌های فسخ، مستقیماً استحقاق دریافت هزینه‌های مندرج در ادعای هزینه‌های فسخ را می‌داشت، در آنصورت هریک از صورتحسابهای مربوط به این هزینه‌ها، ۳۰ روز بعد از دریافت آنها توسط ایران قابل پرداخت می‌گردید. چون در مورد این قسمت از ادعا "وظیفه دیوان این است که به نتیجه‌ای برسد که حتی‌الامکان مطابق با تمهیدات قراردادی باشد" (بند ۵۹ فوق)، لذا صورتحسابهای مورد بحث (تا آنجا که قابل پرداخت تشخیص داده شده‌اند)، طبق شرایط مذکور قراردادی قابل پرداخت تلقی خواهند شد. چون کلیه صورتحسابهای تسلیمی بابت هزینه‌های مورد بحث حداکثر تا ۵ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آذرماه ۱۳۵۸) قابل پرداخت شده بودند، لذا همانطوریکه خواهان تقاضا کرده، بهره باید از همان تاریخ محاسبه گردد.

۲۰۵ - در مورد مصادره یا سوءاستفاده از اموال، بهره باید از تاریخ گرفتن محاسبه شود. چون در پرونده حاضر خواهان قبل از ۱۱ اوت ۱۹۸۰ (۲۰ مردادماه ۱۳۵۹) از استفاده از موجودی حساب بانکی خود محروم شده بود (مقایسه‌شود با بند ۱۴۸ فوق)، لذا طبق خواسته خواهان، بهره مبلغ ۲۸۳،۹۶۴ دلار باید از تاریخ فوق محاسبه شود.

۲۰۶ - نرخ بهره ۱۰ درصد، در احتساب آن قسمت از ادعاهای متقابل شرکت مخابرات که مورد قبول قرار گرفته، نیز اعمال می‌شود. بزرگترین رقم این دعاوی متقابل (۳،۵۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا) که مربوط به بازپرداخت هزینه‌های مالیاتی می‌باشد، تا ۳۰ اوت ۱۹۸۵ (۸ شهریورماه ۱۳۶۴) مطرح نگردیده بود. بنابراین، بهره متعلقه به آن

مبلغ از تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۸۵ (۸ شهریور ماه ۱۳۶۴) محاسبه می شود. همینطور تنها در نتیجه دادرسی حاضر بود که بدهیهای مبتنی بر سایر قسمتهای ادعاهای متقابل قابل پرداخت گردید و شرکت مخابرات برای دریافت خسارت تاخیر در تادیه ذیحق شناخته شد. ولی چون هم ادعای متقابل بابت نقص کار (۵۰،۰۰۰ دلار) و هم ادعای متقابل مربوط به غیبت غیرمجاز (۴۹،۱۵۴ دلار) طی لایحه دفاعیه و ادعای متقابل که در ۱۴ مه ۱۹۸۲ (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) تسلیم شد، مطرح گردیده بود، لذا بهره نسبت به مبلغ کل ۹۹،۱۵۴ دلار باید از همان تاریخ محاسبه شود.

هفتم - هزینه‌ها

۲۰۷ - باتوجه به اوضاع و احوال پرونده حاضر، بنظر دیوان مقتضی است که هریک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نمایند.

هشتم - حکم

۲۰۸ - بنا به دلایل پیش گفته،

دیوان حکمی بشرح زیر صادر می نماید:

الف - جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، وزارت پست و تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی ایران و شرکت مخابرات ایران مشترکاً متعهدند مبالغ زیر را به امریکن بل اینترنشنال اینکورپوریتد پرداخت نمایند:

(یک) مبلغ چهارده میلیون و نهصد و هشتاد و یک هزار و پانصد و یک دلار و بیست و یک سنت آمریکا (۱۴,۹۸۱,۵۰۱/۲۱ دلار) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۱۵ اوت ۱۹۷۹ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد،

(دو) مبلغ پانصد و پنجاه و هفت هزار و یکصد و هشتاد و پنج دلار و پنجاه سنت آمریکا (۵۵۷,۱۸۵/۵۰ دلار) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال از ۲۵ اوت ۱۹۷۹ (۳ شهریور ماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد،

(سه) مبلغ بیست و یک میلیون و پانزده هزار و سی و دو دلار آمریکا (۲۱,۰۱۵,۰۳۲ دلار) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۵ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۴ آذر ماه ۱۳۵۸) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد،

(چهار) مبلغ دویست و هشتاد و سه هزار و نهصد و شصت و چهار دلار آمریکا (۲۸۳,۹۶۴ دلار) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۱۱ اوت ۱۹۸۰ (۲۰ مرداد ماه ۱۳۵۹) لغایت

تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد،

(پنج) مبلغ دوازده میلیون و هشتصد و نود و نه هزار و پانصد و پنجاه و چهار دلار آمریکا (۱۲،۸۹۹،۵۵۴ دلار) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال از ۲۵ نوامبر ۱۹۸۴ (۴ آذر ماه ۱۳۶۳) لغایت تاریخی که کارگزار امانی به بانک امین دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را بدهد،

ب - مابقی ادعاها مردود شناخته می شود.

ج - امریکن بل اینترنشنال اینکورپوریتد متعهد است مبالغ زیر را به شرکت مخابرات ایران بپردازد:

(یک) نود و نه هزار و یکصد و پنجاه و چهار دلار آمریکا (۹۹،۱۵۴ دلار) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۱۴ مه ۱۹۸۲ (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) لغایت تاریخی که بهره مبالغ مذکور در بند الف فوق محاسبه شده، و

(دو) مبلغ سه میلیون و پانصد هزار دلار آمریکا (۳،۵۰۰،۰۰۰ دلار) باضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (براساس ۳۶۵ روز) از ۳۰ اوت ۱۹۸۵ (۸ شهریور ماه ۱۳۶۴) لغایت تاریخی که بهره مبالغ مذکور در بند الف فوق محاسبه

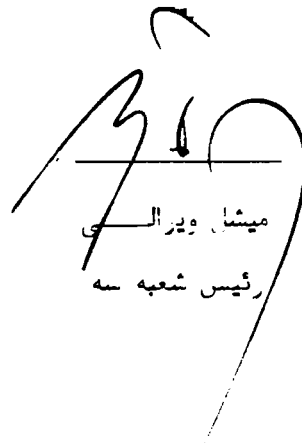
شده.

د - مابقی ادعاهای متقابل مردود شناخته می شود.

ه - کل مبالغ مذکور در بند ج، به اضافه بهره متعلقه به آنها از کل مبالغ مذکور در بند الف به اضافه بهره متعلقه به آنها کسر و مبلغ خالص قابل پرداخت به امریکس پل اینترنشنال اینکورپوریتد، بابت پرداخت از محل حساب تضمینی که طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر اختتام شده ایفا خواهد گردید.

و - بدینوسیله این حکم جهت ابلاغ به کارگزار امائی به ریاست دیوان تسلیم می شود.

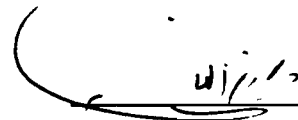
لایحه، بتاریخ ۸ ژانویه ۱۹۸۷ برابر با ۱۸ دی ماه ۱۳۶۵


میشال ویرالسی
رئیس شعبه سه

بنام خدا

Charles N. Brannen

چارلز ان براون
رای موافق



بهروز انصاری معین
نظر مخالف در مورد بخشی از حکم و
نظر موافق در مورد بخشی دیگر.